

# آموزش تاریخ

آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی  
دوره دوازدهم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۰



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات کمک آموزشی

- ۲ پیدایش و گسترش خاطره شفاهی نوین و ملاحظات آموزشی آن / دکتر عبدالرسول خیراندیش
- ۵ زندگانی امام خمینی (ره)، از تولد تا ورود به حوزه علمیه قم / عبدالرضا آقایی
- ۱۰ هنر و تاریخ، دانستنی‌هایی درباره درس هفتم کتاب «تاریخ‌شناسی» / محسن رستمی گورانی
- ۱۴ تجارت و مسائل حقوقی آن در دوره ساسانیان / حسین نادری قره‌بابا
- ۲۲ تشیع در زمان آل بویه / علی زوار
- ۲۵ هفت قاعده برای آموزش مؤثر و پرنشاط درس تاریخ / لی دبیلو فورم والت
- ۳۰ فعالیت‌های عمرانی تیموریان در دوره سلطنت شاهرخ میرزا / پروفسور اسماعیل آکا
- ۳۸ پیامدهای اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم / محمد تقی صالحی
- ۴۴ پیشینه سنگ‌نوشته‌های مشروطیت در چهارمحال و بختیاری / محمد تقی پور جلیلی
- ۴۷ سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان / دکتر علیرضا کیامنش
- ۵۲ تجربه‌ای از ارزشیابی مستمر / فیروز آزادی
- ۵۴ معرفی کتاب / اکرم علیخانی
- ۵۹ نشست آسیب‌شناسی برنامه درسی تاریخ / حشمت‌الله سلیمی
- ۶۰ تاریخ در پایگاه‌های خبری / مژگان عقیقی
- ۶۴ از میان نامه‌ها / سهیلا نعیمی

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سر دبیر: دکتر عبدالرسول خیراندیش  
مدیر داخلی: مسعود جوادیان  
هیئت تحریریه: دکتر عطاءالله حسینی  
دکتر عبدالرسول خیراندیش  
دکتر نصرالله صالحی  
دکتر منصور صفت‌گل  
دکتر جواد عباسی  
دکتر حسین مفتخری  
دکتر طوبی فاضلی‌پور  
عباس پرتوی مقدم  
مسعود جوادیان  
ویراستار: جعفر ربانی  
طراح گرافیک: مهسا قباچی  
چاپ: شرکت افست (سهام عام)

شمارگان: ۹۵۰۰ نسخه

نشانی مجله:

تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

تلفن مجله: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱

داخلی: ۲۵۰

پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲-۸۸۸۳۹۲۳۲

مدیرمسئول: ۱۰۲

دفتر مجله: ۱۱۳

امور مشترکین: ۱۱۴

E-mail: tarikh@roshdmag.ir

## تسلیت به دو همکار

خبردار شدیم که دو تن از همکارانمان در رحلت عزیزان خود به سوگ نشستند: جناب آقای دکتر عباس پرتوی با از دست دادن مادر و دایی و جناب آقای حشمت‌الله سلیمی با از دست دادن پدر و برادر همسر؛ این ضایعه را به نامبردگان تسلیت می‌گوییم و از درگاه احدیت برای فوت شدگان، مغفرت طلب می‌کنیم.

# پیدایش و گسترش خاطره شفاهی نوین و ملاحظات آموزشی آن

دکتر عبدالرسول خیراندیش

برای آن که «رویداد» به صورت «تاریخ» درآید، لازم است «خبر» آن رویداد یک دوره «گذار شفاهی» را از سر بگذرانند. این فرایند از آن رو ضروری است که هیچ رویدادی، به صرف وقوع یافتن، این امکان را ندارد که به صورت تاریخ درآید. هر رویدادی، ابتدا به صورت «خبر» جلوه گر می شود و آن هنگامی است که، رویداد، فعلیت و حضور خود را از دست داده باشد. در این حالت ناظر، شاهد یا عامل رویداد، با نقل شفاهی آن، هم خبر را می سازد و هم آن را وارد مرحله گذار شفاهی می کند. این مرحله گذار که محمل یا ابزار اساسی آن «گفتن و شنیدن» و به عبارتی نقل سینه به سینه است، می تواند از یک تا چند نفر و گاهی از یک تا چند نسل بعد امتداد یابد. پس از این مرحله است که اگر خبر تاریخی واجد اهمیت و قابل توجه دیده شد، در صورتی که جامعه دارای کتابت باشد، به صورت «خبر نوشتاری» درمی آید.

به طور معمول کتاب های تاریخ چنین مسیری را طی کرده اند. البته اگر شاهد یا عامل رویداد، خود، به طور مستقیم شرح مشاهدات یا اعمال خود را بنویسد موضوع فرق می کند و آنچه نوشته است «خاطرات» یا «شرح حال» خواهد بود. به هر حال، در جوامعی که نگارش، توسعه چندانی ندارد (چنان که جوامع گذشته بیشتر چنین بوده اند)، مرحله گذار شفاهی خبر، تا زمان نگارش آن، اجتناب ناپذیر بوده است. با پیدایش خط، جوامع بشری از جهات گوناگونی با تحول روبه رو شدند و از جمله در تاریخ نگاری هم دگرگونی پدید آمد. باور بر این است که پیدایش خط، آفت اصلی گذار شفاهی خبر را که همانا موجب تحریف یا حتی فراموشی تمام یا قسمتی از خبر است تا حدود زیادی از میان برداشت و با ضبط نوشتاری خبر، یعنی تبدیل آن به سند، کتیبه یا کتاب تاریخی، خطر نابودی یا تحریف آن را تا حدود زیادی برطرف کرد. از این روست که پیدایش خط را حداثه دوره ماقبل تاریخ و دوره تاریخی دانسته اند.

از حدود پنج هزار سال پیش که خط به وجود آمد، تا امروز، جوامع بشری در سیری روبه رشد، از «فرهنگ شفاهی» به طرف «فرهنگ نوشتاری» حرکت کرده اند. این سیر را به درستی، همان فرایند توسعه و تکامل تاریخ نگاری دانسته اند. در این سیر، به همان میزان که جوامع از سنت شفاهی یا نقل سینه به سینه فاصله گرفته اند به سوی توسعه فرهنگ نوشتاری پیش رفته اند که در نتیجه آن رسانه هایی همچون کتیبه، کتاب، نامه، سند، روزنامه و حتی رسانه های دیجیتال گسترش یافته است و به تبع آن تاریخ نگاری نیز از رونق و

گستره بیشتری برخوردار شده است. در قرن بیستم یکی از شاخص‌های توسعه جوامع، میزان گسترش فرهنگ نوشتاری بود. بر همین اساس بود که در نقادهای تاریخ‌نگاری، خبر نوشتاری و سند بیشتر معتبر دانسته می‌شد. و «شفاهیات» بسیار کم مورد توجه قرار می‌گرفت.

آنچه جالب توجه است این است که در اوج رونق و اعتبار فرهنگ نوشتاری و تاریخ‌نگاری مدون در قرن بیستم، در اواخر همان قرن تحولاتی به نفع فرهنگ شفاهی رخ داد به‌طوری که اکنون در دهه اول قرن بیست‌ویکم، شفاهیات، مورد توجه جدی و وسیع‌تری قرار گرفته است.

خوب است اشاره کنیم که از قرن نوزدهم با اختراع تلگراف، توسعه ارتباطات پستی، رونق بیش از پیش مطبوعات و چاپ و سرانجام همگانی شدن سوادآموزی، فرهنگ نوشتاری فرهنگ پیشرفته محسوب می‌شد. اما از اواخر قرن نوزدهم به بعد، با اختراع دوربین عکاسی و سپس سینما، به‌دنبال آن اختراع گرامافون و تلفن. سپس اختراع رادیو (بی‌سیم)، و تلویزیون، ضبط صوت و... امکانات و فنون جدیدی در فرهنگ غیرنوشتاری پدید آمد. در همان حال موسیقی نیز با بهره‌گیری از همه امکانات، به نحو وسیعی مورد بهره‌برداری همگانی قرار گرفت. درحالی که تا پیش از آن، موسیقی فقط با اجرای زنده قابل دسترسی بود. قابلیت و کارایی بسیار زیاد وسایل دیداری و شنیداری، همراه با تحولات اقتصادی، صنعتی و نظامی و در همان حال توسعه نظام‌های دموکراتیک، گسترش سریع این وسایل را به دنبال آورد. هر چند این تحول، وقفه‌ای در توسعه فرهنگ نوشتاری پدید نیاورد اما کاربرد آن را محدود ساخت. چنان‌که تلفن به‌طور وسیعی جای ارسال نامه و تلگراف را گرفت. رادیو و تلویزیون نیز سهم عمده‌ای از روزنامه‌ها و کتاب‌ها در ارتباطات عمومی را به خود اختصاص دادند. عکاسی و سینما نیز با توسعه فراوان فرهنگ تصویری، سهم عمده‌ای از فرهنگ نوشتاری را از آن خود ساختند.

این همه نشان می‌دهد که فرهنگ نوشتاری در پرتو امکانات و ابزارهای جدید، چاره‌ای جز واگذاری بخشی از قلمرو کاربرد خود به امکانات فرهنگ شفاهی جدید، که همان ابزارهای دیداری و شنیداری یا صوتی و تصویری است، نداشته و ندارد. امروزه، سهولت استفاده از رادیو، تلویزیون، سینما، ضبط صوت و تأثیرگذاری شگفت‌انگیز آنها، این رسانه‌ها را به‌عنوان جزیی غیرقابل چشم‌پوشی از زندگی درآورده است. در اواخر قرن بیستم کامپیوتر و فناوری دیجیتال و به همراه آن اختراع موبایل و گسترش سریع کاربرد این وسایل میان همگان، فرهنگ و ارتباطات شفاهی را وارد عرصه‌ای جدیدتر و گسترده‌تر کرد. تا آنجا که نه تنها باسوادان، که افراد بی‌سواد هم می‌توانند از آنها استفاده کنند. معیار باسوادی هم از خواندن و نوشتن و حساب کردن فراتر رفت و جای خود را به استفاده از کامپیوتر داد. به عبارت دیگر، امروز کسی بی‌سواد تلقی می‌شود که نتواند از رایانه یا کامپیوتر استفاده کند.

چنین تحولاتی تاریخ‌نگاری را که همبسته با فرهنگ نوشتاری شده بود، با شرایط جدیدی روبه‌رو ساخت. عکاسی و سینما امکانات جدیدی را وارد علم تاریخ کرد. نیز امکانات ضبط صدا، راه را برای پیدایش تاریخ شفاهی (Oral history) باز کرد. تاریخ شفاهی امکان می‌دهد که همه مردم چه خود عامل رویدادها باشند و چه شاهد و چه کاربر یک پدیده فرهنگی، اقدام به تاریخ‌نگاری کنند. این درحالی است که رشد تعداد تحصیل کردگان و نیز رسانه‌های جمعی، فرصت ثبت و ضبط خاطره‌ها یا نگارش آنها را نیز فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، در دوسه دهه اخیر رویداد تاریخی به مقدار زیادی امکان ثبت و ضبط شدن، به صورت خاطره و گزارش مستقیم را یافته است. در نتیجه، اکنون دیگر چندان ضرورتی به «گذر شفاهی خبر» برای تبدیل رویداد به «تاریخ» وجود ندارد. این سخن بدان معنی نیست که بگوییم گذار شفاهی خبر دیگر در کار نیست، بلکه در مقایسه با دوره‌ای که امکان ثبت و ضبط مستقیم خبر رویداد اندک بود و گذر شفاهی خبر کارایی و کاربرد بیشتری داشت، این نسبت در حال معکوس شدن است.

اکنون که با حذف یا کوتاه شدن مرحله گذار شفاهی خبر، امکان ثبت مستقیم و بلاواسطه آن توسط عامل یا شاهد بیشتر شده تاریخ‌نگاری گسترش یافته و همگانی شده و نقل خاطره شخصی به صورت عنصری از تاریخ شفاهی درآمده است. تا پیش از این،

خاطره شخصی نوشته می شد و این امر متعلق به دوره فرهنگ نوشتاری بود. ما این پدیده را «خاطره شفاهی سنتی» می نامیم تا از «خاطره شفاهی جدید» متمایز باشد.

در پیدایش خاطره شفاهی جدید، وسایل دیداری و شنیداری مدرن سهم عمده ای دارند. امروزه هر شخصی از دوره کودکی با رادیو، تلویزیون و دیگر امکانات ضبط و پخش صدا سروکار دارد. لذا هر آنچه که از طریق این وسایل به چشم و گوش او می رسد راه به سوی ذهن و حافظه می سپارد و سرانجام بخشی از هویت، شخصیت و خاطره او می شود. هرچند بخش عمده ای از این حافظه حاصل چهره به چهره شدن و حضور مستقیم نیست و مربوط به دنیای مجازی است اما به هر حال سهمی از حافظه او را از آن خود می سازد. لذا شنیدن مجدد صدای دوره کودکی یا شروع اخبار یا یک مجموعه تلویزیونی که مدت های طولانی پخش می شده است؛ نیز، یک آهنگ قدیمی یا صدای یک گوینده و خواننده یا تکرار تماشای یک فیلم و سریال همه راه ها و ابزارهای جدید (مدرن) تجدید خاطره محسوب می شوند. از این روست که می گوئیم «خاطره شفاهی» از ویژگی های «فرهنگ تاریخی همگانی» در روزگار ماست. این پدیده جدید بخشی از جایگاه خاطره نویسی یا تاریخ نگاری (نوشتاری) را به خود اختصاص داده است که ابعادی از آن به کتاب درسی تاریخ هم مربوط می شود. لذا در ارزیابی موقعیت و شرایط کنونی کتاب درسی تاریخ، برنامه ریزان و مؤلفان نمی توانند خاطره شفاهی جدید را نادیده بگیرند. زیرا علاوه بر حضوری که دارد آن اندازه نیز گسترده، قوی و مؤثر است که می تواند رقیبی جدید برای تاریخ نگاری رسمی درسی به شمار آید.

از نگاهی سلبی، آنچه خاطره شفاهی مدرن را بسیار پر قدرت می سازد و می توان آن را بخشی از دنیای مجازی زاده شده با پدیده دیجیتال دانست، آن است که عناصر سنتی تولید خاطره شخصی بسیار ضعیف شده اند. علت آن نیز شتاب و تحول حیرت انگیز اختراعات و ابداعات است. هیچ پدیده ای در دنیای صنعت دوام چندانی ندارد و بسیار زود جای خود را به پدیده جدیدی می سپارد. لذا اشیاء و وسایل امکان تبدیل شدن به «یادگاری» را پیدا نمی کنند و به صورت زباله و یا کالای دست دوم دور ریخته یا فروخته یا بازیافت می شوند. حتی به درستی کسی در صدد ساختن موزه ای از آنها هم بر نمی آید. حال آن که صنایع دستی امروزه حداقل راه به موزه های مردم شناسی پیدا کرده اند. به موازات تولید اندک یادگاری از اشیاء، جابجایی بسیار مردمان از خانه ای به خانه دیگر، از شهری و کشوری به شهر و کشوری دیگر نیز امکانات نقش بستن خاطره محیطی را کاهش داده است. لازمه اصلی شکل گرفتن چنین خاطره ای دوام سکونت و در همان حال نقش بستن چشم انداز جغرافیایی برای تکوین خاطره شخصی است که این خود دل بستگی به زادگاه یا سکونتگاه را موجب می شود. تغییر و تحولات سریع و پی در پی محیط های شهری و روستایی و تخریب بافت های قدیمی، تعویض مداوم مبلمان شهری و ورود عناصر جدید به فضاهای شهری و روستایی نیز روند زوال شرایط مادی تکوین خاطره فردی را دامن می زند. در چنین شرایطی خاطره شفاهی نوین که اتکای بسیار به دنیای مجازی دارد فرصت بروز یافته است. هرچند برای ارزیابی نقاط مثبت و منفی این خاطره شفاهی جدید باید اندکی صبر کرد و دقت و تأمل بیشتری به خرج داد اما تا این جا می توان گفت شرایط برای پیدایش فرهنگ شفاهی جدیدی در جامعه بشری پدید آمده است که آموزش رسمی و ملی تاریخ نمی تواند از آن غافل و نسبت بدان بی توجه باشد.

#### اشاره

امام خمینی، (۱۳۳۸-۱۲۸۱) رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، از سال‌های نوجوانی تا آغاز مبارزات علیه رژیم پهلوی (۱۳۴۱ش) و تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) شاهد حوادث بسیاری بوده است که خود در زمان‌های مختلفی از آن‌ها یاد کرده است. هدف این مقاله نیز بررسی زندگی و حوادث مهم سیاسی بیست سال نخست زندگی ایشان است.

عبدالرضا آقایی

دبیر تاریخ - ازنا

# زندگانی امام خمینی (ره)

## از تولد تا ورود به حوزه علمیه قم (۱۳۰۱-۱۲۸۱)

کلید واژه‌ها: امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، زندگی نامه.

شود و در این شهر مقیم می‌گردد. سید احمد در سال ۱۲۷۵ ه. ق با دختر محمدحسین بیگ که خواهر یوسف خان بود، ازدواج می‌کند. از این ازدواج چهار فرزند به نام‌های آغابانو خانم، سلطان خانم و صاحب خانم و سید مصطفی متولد می‌شوند. متأسفانه طولی نمی‌کشد که سید احمد در سال ۱۲۸۵ فوت می‌کند و فرزندان یتیم می‌شوند. پیکر او را به کربلا انتقال می‌دهند و در آن‌جا به خاک می‌سپارند.

#### پدر امام خمینی

سید مصطفی در سال ۱۲۷۸ ه. ق (۱۲۴۱ش) به دنیا آمد. وی پس از فراگیری تحصیلات اولیه در مکتب‌خانه‌های خمین و فراگیری مقدمات زبان عربی نزد معلمی به نام آقا میرزا احمد، برای ادامه تحصیل به اصفهان و سپس نجف اشرف رفت. وی در نجف و نیز در سامرا که حوزه درس میرزای شیرازی بود، تحصیلات خود را دنبال کرد و در زمره علما و مجتهدین قرار گرفت (اروحانی: ۳۶). آن‌گاه به خمین بازگشت و اداره امور دینی و شرعی مردم منطقه را بر عهده گرفت. او اجازه اجتهاد

کمره‌ای‌ها، واقع شدن ولایتشان بر سر راه لشگرکشی‌ها و نیز زرخیزی و حاصل‌خیزی آن بوده است. [مردای نیا: ۹] بنابراین زندگی مردمی که در این ولایت زندگی می‌کرده‌اند (مانند امام خمینی) از این وقایع متأثر بوده است.

#### اجداد روح الله

جد اعلای امام خمینی (ره) دین‌علی شاه نام داشته و در کشمیر هندوستان زندگی می‌کرده است. وی از علمای شیعه مذهب آن منطقه بوده و در آنجا به شهادت رسیده است [مردای نیا: ۱۴۹-۱۴۷] (وی اصالتاً نیشابوری بوده است، که به خاطر ناامنی و هرج و مرج به کشمیر مهاجرت کرده بود) [رجبی: ۹۵]. فرزند دین‌علی شاه به نام سید احمد، در بین سال‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۵۰ ه. ق از کشمیر راهی سفر عتبات عالیات می‌شود. وی در مدت اقامت در عتبات با شخصی از اهالی خمین به نام یوسف خان فراهانی، از اعیان توابع خمین آشنا می‌شود [ستوده: ۱۷]. یوسف خان از سید احمد دعوت می‌کند برای ارشاد اهالی خمین به این شهر بیاید. سید احمد نیز این دعوت را می‌پذیرد و در سال ۱۲۵۴ ه. ق (۱۲۱۷ش) روانه خمین می‌

زادگاه امام خمینی (ره) شهر خمین است. این شهر که از شهرهای قدیم ایران است، امروزه در استان مرکزی قرار دارد. ساخت خمین را به پادشاهی به نام «هما» دختر بهمن، از سلسله اساطیری کیانیان نسبت می‌دهند. بر این اساس نام این شهر «همایون» بوده که اعراب آن را خماین می‌نامیده‌اند. (مردای نیا: ۴) خماین جزو ولایت تیمره و تیمره جزو ایالت اصفهان بود. تیمره در قرن چهارم هجری به دیمره تغییر نام یافت و در قرن هفتم تا نهم هجری به کمره تغییر نام داد. (همان: ۹-۴) باید به این نکته نیز اشاره کرد که بعد از ورود مسلمانان به ایران، ابو موسی اشعری، اهواز، اصفهان و تیمره را فتح کرد. مذهب مردم خمین از آغاز شیعه اثنی عشری بوده است. [رجبی: ۹۴]

در دوره قاجاریه کمره یک ولایت به شمار می‌رفت. [ورهرام: ۸۰] که با دو ولایت گلپایگان و خوانسار، این سه ولایت، ولایات ثلاثه را تشکیل می‌دادند. تاریخ کمره از ورود اسلام تا انقراض قاجاریه، شاهد تاراج‌ها، خرابی‌ها و لشگرکشی‌هایی بوده است. محمدجواد مرادی نیا با توجه به وقایع تاریخی معتقد است که «گناه اصلی



داشت و ملقب به فخرالمجاهدین بود.  
(ستوده: ۲۰)

سید مصطفی قبل از رفتن به نجف، با هاجر خانم، دختر میرزا احمد مجتهد ازدواج کرده بود، از این رو در سفر به نجف، همسرش را نیز همراه برد. حاصل ازدواج او با هاجر خانم سه دختر و سه پسر بود. (روحانی: ۳۷)

سید مصطفی مردی ظلم ستیز و حامی محرومان بود. او در طول زندگی خود، تلاش بسیاری برای جلوگیری از ظلم خوانین و مأموران دولتی نسبت به مردم محل انجام می داد، از جمله وقتی مشاهده کرد که ظلم خوانین زیاد شده است، تصمیم گرفت این وضعیت را به اطلاع والی عراق (اراک کنونی) که شخصی به نام عضدالسلطان بود، برساند و بدین منظور عازم آنجا شد. اما دو نفر از خوانین به نام های جعفرقلی خان و رضاقلی خان که بیش از سایر خوانین از اقدام سید مصطفی واهمه داشتند، تصمیم گرفتند او را از سر راهشان بردارند.

بنابراین آن دو در میانه راه خمین به اراک، به سید مصطفی حمله کردند و با شلیک گلوله های به قلب وی او را به شهادت رساندند (رجبی: ۹۷-۹۶). شهادت سید مصطفی در تاریخ دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۰ ه. ق (۱۲۸۱ ش) اتفاق افتاد. پیکر او را به نجف اشرف منتقل کردند و در آنجا به خاک سپردند (پسندیده: ۲۵-۲۳) جریان شهادت آقا مصطفی را خواهر و فرزندان پیگیری کردند و در نهایت موجب دستگیری و قصاص قاتلان وی در سال ۱۳۲۱ ه. ق در میدان توپخانه گردید. (ستوده: ۲۳-۲۱)

سید روح الله در بیستم جمادی الثانی سال ۱۳۲۰ ه. ق (اول مهر ۱۲۸۱ ش) در خمین به دنیا آمد وی در زمان شهادت پدر، تنها چهار ماه و بیست و دو روز سن داشت. بنابراین تحت سرپرستی عمه اش صاحب خانم و مادرش هاجر خانم پرورش یافت. روح الله به مدت ۲ سال نیز دایه ای به نام ننه خاور

داشت، که در پرستاری و نگهداری از ایشان نقش مهمی ایفا کرد (روحانی ۳۸-۳۷) در این باره، محمدحسن رجبی می نویسد: «روح الله از همان نخستین روزهای تولد، به دستور پدرش به دایه ای پرهیزگار به نام ننه خاور سپرده شد، تا کودک را شیر دهد و از او التزام می گیرد تا زمانی که فرزندش را شیر می دهد، از غذای دیگری نخورد، در عوض غذای ننه خاور تا زمان حیات خود (سید مصطفی) و پس از شهادت وی تا ۲ سالگی عمر کودک، از منزل او تأمین می شد. (رجبی: ۹۸)

### از کودکی تا دهه دوم زندگی

روح الله دوران کودکی را در خمین گذراند. سپس در مکتب خانه آخوند ملا ابوالقاسم به تحصیل پرداخت. او برای فراگیری دروس ادبیات و عربی نزد شیخ جعفر رفت و بعد از آن پیش میرزا محمود افتخار العلماء دروس ابتدایی را آموخت. بعد از آن مقدمات را نزد میرزا مهدی- دایه خود- شروع کرد، سپس نزد میرزا رضا نجفی منطق را فرا گرفت. در ادامه درس های منطق، مطول و سیوطی را نزد آیت الله مرتضی پسندیده (برادرش) فرا گفت. (ستوده: ۲۸ و پسندیده: ۵۰) روح الله در سن ۱۶ سالگی عمه و مادرش را از دست داد و از نعمت وجود آن دو بزرگوار نیز محروم گردید. (انصاری: ۱۴). وی چند سال بعد از مرگ مادر، در سال ۱۳۳۹ ه. ق (۱۳۰۰ ش) برای ادامه تحصیل از خمین به حوزه علمیه سلطان آباد (اراک کنونی) رفت. در آن زمان اراک یکی از مراکز علمیه ایران بود و آیت الله حائری یزدی- مؤسس حوزه علمیه قم- در آنجا تدریس می کرد. شهرت حوزه علمیه اراک باعث شده بود تا طلبه های بسیاری از شهرهای مختلف ایران برای ادامه تحصیل به آن حوزه بروند و سید روح الله نیز یکی از آنان بود. امام خمینی (ره) خود در این باره

می نویسد: «سنه ۱۳۳۹ قمری برای تحصیل رفتم و نزد مرحوم آقا شیخ محمدعلی بروجردی، مطول، و نزد مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی، منطق و نزد مرحوم آقا عباس اراکی، شرح لمعه را فرا گرفتم. (خمینی: ۸) آقا روح اله در سن ۱۹ سالگی وارد شهر اراک شد.

حدود یک سال از ورود ایشان به اراک گذشته بود، که در ماه رجب سال ۱۳۴۰ ه. ق (۱۳۰۱ ش) آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، به درخواست روحانیون قم به آن شهر مهاجرت و حوزه علمیه قم را تأسیس کرد. حدود چهار ماه بعد از مهاجرت آیت الله حائری، آقا روح الله نیز به قم رفت و در حجره ای از مدرسه دارالشفا ساکن شد و به تحصیل مشغول گردید.

در سال (۱۳۰۴ ش) که انتخاب اسم فامیل (شهرت) برای ایرانیان اجباری شد، برای آقا روح الله، فامیل مصطفوی، برای مرتضی، فامیل پسندیده و برای نورالدین، فامیل هندی انتخاب شد. از آن پس نام شناسنامه ای امام، سید روح الله مصطفوی شد. سید روح الله، در سن ۲۵ سالگی (۱۳۰۰ ش) به مرحله اجتهاد رسید و دو سال بعد نخستین کتاب خود، شرح دعای سحر را که حاوی نکات عمیق عرفانی، فلسفی و کلامی است، در سن ۲۷ سالگی، به زبان عربی نوشت.<sup>۱</sup> وی در سال ۱۳۰۸ ش با خدیجه ثقفی، دختر حجه الاسلام میرزا محمد ثقفی ازدواج کرد. حاصل این ازدواج دو پسر به نام های سید مصطفی و سید احمد و سه دختر به نام های صدیقه، فریده و فهیمه بود. دو دختر نیز به نام های لطیفه و سعیده در کودکی فوت کردند.<sup>۲</sup> سید روح الله در سال ۱۳۱۲ ش به زیارت خانه خدا رفت. از آن به بعد، آقا روح الله در بین طلبه ها به حاج آقا روح الله معروف شد.

آقا روح الله از دوران کودکی و نوجوانی، تا ورود به حوزه علمیه قم و تا زمان رحلت آیت الله حائری (۱۳۱۵ ش) با حوادث



سیاسی و اجتماعی زیادی روپرو شد، که هر کدام در پرورش روحیهٔ ظلم‌ستیز و انقلابی او مؤثر بود:

۱. امام خمینی، زمانی که کودکی ۴-۵ ساله بود، انقلاب مشروطیت ایران در سال ۱۳۲۴ ه.ق (۱۲۸۵ ش) به پیروزی رسید.

در این سال، مظفرالدین شاه به خواسته‌های مشروطه‌خواهان گردن نهاد و در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش فرمان مشروطیت را صادر کرد. وی در همان سال درگذشت.

بعد از مظفرالدین شاه، پسرش محمدعلی شاه به پادشاهی رسید. محمدعلی شاه از همان آغاز سلطنت خود با مشروطه‌خواهان اصطکاک پیدا کرد. او در ۲۸ دی ۱۲۸۵ ش جشن تاج‌گذاری خود را برگزار کرد و از اشراف و نمایندگان دولت‌های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، اما از نمایندگان مجلس شورای ملی دعوت نکرد. وی اساساً انسانی خودکامه بود. ملت را بنده و برده خود می‌پنداشت و آنان را

برای دخالت در امور کشور و مشورت در سیاست لایق نمی‌دانست. (ملک زاده: ۲۲۰) اوج مخالفت محمدعلی شاه با مشروطیت به توپ بستن مجلس اول شورای ملی بود که این کار را در سال ۱۲۸۷ ش با مشاوره و فرماندهی لیاخوف روسی انجام داد. مجلس به توپ بسته شد و به دنبال آن تمام خانه‌های مشروطه‌خواهان به غارت رفت و مأموران به دستگیری مشروطه‌خواهان پرداختند. بدین گونه دوباره برای مدتی

استبداد حاکم شد.

بعد از به توپ بستن مجلس، شهرهای ایران بویژه: تبریز، رشت و اصفهان، در مقابل اقدامات محمدعلی شاه به مقاومت دست زدند. مقاومت اصلی از تبریز شروع شد و دو تن از مجاهدان نام آور آن سرزمین به نام‌های سستارخان و باقرخان، بیش از نه ماه در برابر سربازان اعزامی تهران مقاومت کردند. تلگراف‌ها و نامه‌ها و فتوای آیت‌الله محمد کاظم خراسانی و حمایت

آیت‌الله عبدالله مازندرانی و آیت‌الله میرزا خلیل تهرانی، نقش مهمی در حمایت‌های دیگر عالمان دینی از نهضت مشروطه داشت. (مدنی: ۲۵۷)

سرانجام سپاهی از مردم اصفهان و بختیاری و سپاهی از گیلان راهی تهران شدند و در سال ۱۲۸۸ ش تهران را فتح کردند و مشروطه‌خواهان قدرت را به دست گرفتند. به دنبال این پیروزی محمدعلی شاه به سفارت روسیه پناهنده

شد و مجلس شورای ملی بار دیگر کار خود را از سر گرفت. اعدام شیخ فضل‌الله نوری و ترور سید عبدالله بهبهانی از رهبران انقلاب مشروطیت نیز از وقایع پس از مشروطه بود.

امام خمینی در این زمان کودکی ۷-۸ ساله بود اما به تدریج که بزرگ می‌شد، از راه‌های مختلف در جریان انقلاب مشروطیت و حوادث بعد از آن قرار می‌گرفت اخباری که از تهران می‌رسید، نامه‌ها و نقل قول‌های شفاهی داماد عمه‌اش، سید محمد کمره‌ای، روایات و خاطرات سایر افراد فامیل که جزو باسوادان و اعیان کمره بودند، همه اینها او را به خود متوجه می‌ساخت.

آقا روح‌الله با پسر تقی خان صارم همایون (یکی از مشروطه خواهان دو آتشه کمره) و با فرزندان کوچک‌خان بهادر الملک (سردسته گروهی از سواران مشروطه خواه) آشنایی و تا حدودی رفاقت داشت. از سوی دیگر تعدادی از نزدیکان وی از جمله دایی‌اش میرزاهدی و شوهر عمه‌اش ملا محمد جواد در شمار مخالفان مشروطه بودند که نشست و برخاست ایشان با هر گروهی دامنه آگاهی‌شان را گسترش می‌داد» (مرادی نیا: ۷۵)

مجموعه این حوادث و اطلاعات باعث شد که امام خمینی (ره) بعدها تحلیل خود را از انقلاب مشروطیت چنین ارائه دهد. «در جنبش مشروطیت همین علما در رأس بودند. اصل مشروطیت اساسش از نجف... و ایران به دست علما شروع شد... لیکن بعد از آن که [مشروطه محقق شد] دنباله‌اش گرفته نشد. مردم بی‌طرف بودند، روحانیون هم رفتند و هر کسی [رفت] سراغ کار خودش.» (امام خمینی، ج ۱۵: ۲۰۲) بنابراین امام علت شکست انقلاب مشروطیت را، کنار کشیدن و سرخوردگی روحانیت از رهبری انقلاب و به تبع آن کنار کشیدن مردم از صحنه مبارزه می‌داند.

۲. جنگ جهانی اول و پیامدهای آن نیز، از جمله حوادثی بود که بر امام خمینی تأثیر گذاشت. به‌طوری که این دوران را تلخ‌ترین روزهای زندگی امام ذکر کرده‌اند. (مرادی نیا: ۸۱) ایران با اینکه در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرد، لیکن مورد تهاجم کشورهای درگیر جنگ جهانی اول واقع شد. در جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م) تعدادی از نمایندگان مجلس سوم شورای ملی و شخصیت‌های سیاسی از تهران مهاجرت کردند. آنها نخست در قم کمیته دفاع ملی تشکیل دادند سپس به اصفهان و از اصفهان به کرمانشاه رفتند. مهاجرین بر سر راه خود مدتی نیز در خمین اقامت کردند. امام خمینی در این زمان ۱۴ ساله بود و از نزدیک با شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان مجلس آشنا شد. محمدجواد مرادی نیا می‌نویسد: «حضور بزرگانی چون آیت‌الله سید محمد طباطبایی، آیت‌الله سید حسن مدرس، عزالمالک اردلان، حاج میرزا محمود دولت‌آبادی، عارف قزوینی، وحیدالملک شبیانی و... در خمین، فرصت خوبی برای آقا روح‌الله محسوب می‌شد، تا از نزدیک با کسانی آشنا شود که نامشان را از برادر بزرگش آقا مرتضی یا بزرگان فامیل شنیده و یا در جراید خوانده بود. هر چند این آشنایی نمی‌توانست عمیق باشد، اما در عین حال آثار طبیعی خود را بر فکر و ذهن آقا روح‌الله در پی داشت.» (مرادی نیا: ۸۵)

در این زمان سید محمد کمره‌ای که از آزادی خواهان بود، وارد خمین شد. وی نیز در آشنایی امام خمینی (ره) با مسائل سیاسی نقش مهمی داشت. بدین ترتیب امام از همان دوره جوانی در معرض آخرین اخبار و رویدادهای سیاسی ایران قرار گرفت. (بهشتی سرشت: ۵۲)

۳- یکی دیگر از حوادث دوره جوانی امام خمینی، ورود قوای روسیه به ولایت کمره بود. هدف روس‌ها برقراری ارتباط با انگلیس در غرب و جلوگیری از نفوذ

آلمانی‌ها در میان مردم بود. امام خمینی (ره) در خمین نظاره‌گر ورود ارتش روسیه بود. ایشان در این باره می‌گویند: «من کوچک بودم لیکن مدرسه می‌رفتم و سربازهای شوروی را در همان مرکزی که ما داشتیم، در خمین، من آن‌جا آن‌ها را می‌دیدم و ما مورد تاخت و تاز واقع شدیم در جنگ جهانی اول...» (امام خمینی، ج ۱۲: ۳۷۴) بی‌شک این گونه حوادث نقش مهمی در روحیه بیگانه‌ستیزی امام داشت.

۴. ظلم و ستم یاغیان و حکام محلی نیز نقش مهمی در پرورش روحیه ظلم‌ستیزی امام داشت. در این دوره علاوه بر حکام، یاغیان محلی نیز دائماً به خمین و روستاهای اطراف آن حمله می‌کردند. «به طوری که مردم هیچ پناهگاهی جز خانه و بیوت علمای نافذ نداشتند و از همین رو خانه اجدادی امام، همچون دژهای مستحکم در مقابل هجوم اشراک، ایستادگی و مقاومت می‌نمود.» (بهشتی سرشت: ۴۹)

امام خمینی حوادث آن دوران را این گونه نقل می‌کند: «من از بچگی در جنگ بودم... ما مورد هجوم ذلّی‌ها بودیم. مورد هجوم رجبعلی‌ها بودیم و خودمان تفنگ داشتیم و من در عین حالی که تقریباً شاید بلوغم بود و بچه بودم دور این سنگرهایی که بسته بودند در محل‌ها، و این‌ها می‌خواستند هجوم کنند و غارت کنند، آنجا می‌رفتیم سنگرها را سرکشی می‌کردیم.» (امام خمینی ج ۱۱: ۱۳-۱۲)

۵. یکی دیگر از حوادث مهم کشور، قبل از ورود امام خمینی (ره) به حوزه علمیه قم، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش بود. دو چهره اصلی این کودتا، سید ضیاءالدین طباطبایی (چهره سیاسی) و رضاخان (چهره نظامی) بودند. و شرایط داخلی ایران زمینه را برای قدرت گرفتن رضاخان آماده کرده بود. حوادث تلخ سال‌های پس از مشروطیت و انحطاط و نافرجامی آن باعث سرخوردگی مردم و





### منابع

- ۱- امام خمینی، **صحیفه نور** (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ۲۲ جلد، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۲- انصاری، حمید، **حدیث بیداری**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- ۳- ستوده؛ امیررضا، **پایه‌های آفتاب**، ج ۱، تهران، نشر پنجره، ۱۳۸۲.
- ۴- پسندیده، سیدمرتضی، **خاطرات آیت الله پسندیده**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴.
- ۵- رجبی، محمدحسن، **زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۶- روحانی، حمید، **نهضت امام خمینی**، ۲ جلد، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۱.
- ۷- ملک زاده، مهدی، **تاریخ انقلاب مشروطیت**، ۲ جلد، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- ۸- مدنی، جلال‌الدین، **تاریخ سیاسی معاصر ایران**، ۲ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۹- مرادی‌نیا، محمدجواد، **سطر اول**، تهران، چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵.
- ۱۰- نقیب زاده، احمد، **دولت رضاشاه و نظام ایلی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۱۱- ورهرام، غلامرضا، **نظام سیاسی و سازمان اجتماعی ایران در عصر قاجار**، تهران، انتشارات معین، ۱۳۶۷.
- ۱۲- بهشتی سرشت، محسن، «زمینه‌های تاریخی تکوین اندیشه سیاسی امام خمینی»، مجله متین، تهران، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، ش ۳۰، ۱۳۸۵.
- ۱۳- خمینی، احمد، «زندگی امام به روایت امام»، مجله حضور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ش ۱، ۱۳۷۰.

یکی از محققین معتقد است که: «هنگام وقوع کودتا، از سوی علما و نخبگان مقاومتی صورت نگرفت و همگان در انتظار نتایج باقی ماندند.» (بهشتی سرشت: ۵۵) تنها یک روحانی مبارز در برابر قدرت گرفتن رضاخان مقاومت کرد و آن سیدحسن مدرس بود. امام خمینی که در آن دوران ۲۰ ساله بود، درک عمیقی از حوادث و رویدادها نشان می‌داد. امام در این دوران مردم و روحانیون را سرزنش می‌کرد که چرا مدرس را تنها گذاشته‌اند.

«باز در همان زمان، یکی از اشتباهات این بود که مردم، یا آنهایی که باید مردم را آگاه کنند، پشتیبانی از مدرس نکردند... اگر پشتیبانی کرده بودند، مدرس مردی بود که با منطق قوی و اطلاعات خوب و شجاعت و همه اینها موصوف بود؛ و ممکن بود که در همان وقت شر این خانواده کنده بشود؛ و نشد» (امام خمینی، ج ۴: ۲۶۹)

بنابراین دوران بیست ساله اول زندگی امام خمینی با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش به پایان رسید. دیدن و تجربه کردن این همه حوادث از نزدیک آقا روح‌الله را چون آهنی آبدیده مقاوم کرد و دیگر او بیم و هراس از کسی و چیزی نداشت، پس باید به قم می‌رفت تا جهان بینی خود را کامل کند. (مرادی نیا: ۱۴۱).

بسیاری از رهبران سیاسی و مذهبی ایران شده بود. بروز جنگ جهانی اول و مداخله گسترده بیگانگان در ایران که با غارت منابع ملی، فقر اقتصادی، قحطی، گرسنگی و ناامنی‌های اجتماعی همراه بود، بر دامنه این مصیبت‌ها می‌افزود و استقلال ایرن، با حضور قدرت‌های بیگانه در شمال و جنوب کشور، تهدید می‌شد.

بی‌کفایتی احمدشاه و دولتمردان از یک سو، و سرپیچی حاکمان محلی از فرمانبرداری از حکومت مرکزی، از سوی دیگر، موجب شیوع آشوب و از میان رفتن امنیت در جامعه گردیده بود. از این رو، در میان خواسته‌های مردم نیاز به امنیت یکی از مطالبات اساسی و کاملاً محسوس به شمار می‌رفت. رضاخان که قبلاً موفق به سرکوب چند شورش داخلی شده بود، رفته رفته به عنوان عامل برقراری امنیت در کشور شناخته شد. البته حمایت انگلیس و طرفداری جریان‌ها و حزب‌های سیاسی از رضاخان این باور را در میان مردم تقویت نیز کرده بود. از جمله اقدام‌هایی که نفوذ رضاخان را در میان مردم افزایش داد، سرکوب شیخ خزعل در خوزستان بود. این موفقیت باعث شد که تصویری قهرمانانه و حتی ضد انگلیسی از رضاخان در اذهان مردم ایجاد شود. (نقیب زاده: ۱۶۳-۱۶۰)



## اشاره

نویسنده این مطلب، خود مؤلف درس هفتم کتاب «تاریخ‌شناسی» دوره پیش‌دانشگاهی است. ایشان نوشته‌ای کاربردی و مفید برای تدریس بهتر درس مذکور به دفتر مجله ارسال داشته بود که به دلیل تفصیل زیاد، چاپ همه آن به صورت یکجا میسر نبود. از این رو بخشی از آن به چاپ می‌رسد. امید است در شماره‌های آتی بخش‌های دیگری از آن هم پیش روی شما قرار گیرد.

محسن رستمی گورانی

دبیر تاریخ. کرمانشاه

# هنر و تاریخ

## دانستنی‌هایی درباره‌درس هفتم کتاب «تاریخ‌شناسی»

### استفاده از نقاشی در آموزش تاریخ

با استفاده از آثار نقاشی بازمانده از هر عصر می‌توان به روشن نمودن گوشه‌هایی از تاریخ آن عصر کمک کرد. در این مورد، بهترین روش استفاده از تصاویری است که در کتاب‌های مختلف و از جمله در خود کتاب **تاریخ‌شناسی** یافت می‌شود. از بهترین نمونه‌های این گونه نقاشی‌ها، باید به نقاشی از صحنه‌های زندگی روزمره اشاره کرد؛ یعنی نقاشی‌هایی که در آن‌ها صحنه‌هایی از زندگی مردم عادی به تصویر کشیده شده است. از توجه به جزئیات موجود در این نقاشی‌ها مانند شکل لباس‌ها، نماهای بناها، نحوه معماری، چگونگی آرایش زنان و مردان، وسایل زندگی، نوع و نحوه صرف کردن غذا، وسایل حمل و نقل و شکل شهرها، خیابان‌ها و معابر عمومی ویژگی‌های یک عصر یا دوره تاریخی را نشان داد. همین ویژگی‌هاست که در تبیین تاریخ اجتماعی دوره‌های مختلف کارکرد دارد. به جز این، از تابلوهایی که حاوی مضامین اساطیری‌اند، مانند نقوش موجود بر روی سفالینه‌های یونان باستان، و یا آنها که دارای مضامینی مذهبی هستند، اعم از آثار مسیحی یا اسلامی و ... می‌توان به بیان عقاید و آیین‌های مذهبی عصرها و زمان‌های مختلف پرداخت. به همین شیوه می‌توان به توضیح تابلوهایی پرداخت که دارای صحنه‌هایی از جنگ‌ها، انقلاب‌ها و شورش‌ها هستند و یا صحنه‌هایی با موضوعات مشخص سیاسی (مانند مذاکرات سیاسی، کنفرانس‌ها، سمینارها، ...) را نمایان کرده‌اند.

به طور مثال، در تابلوهایی که نمایانگر صحنه‌های جنگ در زمان‌های مختلف‌اند، نوع و شکل سلاح‌ها چگونگی آرایش جنگی نظامیان در حالات و شرایط مختلف، نوع لباس‌ها، نوع وسایل حمل و نقل نظامی، می‌تواند گویای وضعیت خاص آن دوره باشد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌شناسی، هنر، تاریخ و هنر.

چشم‌شان تکه‌های صدف نصب شده است. این مجسمه‌ها مرحله‌ای تکامل یافته‌تر از تفکرات انسانی را نشان می‌دهند که به موجب نظریه محققان تاریخ هنر مؤید اعتقاد بشر به وجود زندگی پس از مرگ و تمایل انسان به حیات پس از مرگ است.

همچنان‌که درباره تاریخ تطور سبک‌های نقاشی گفته شد، مجسمه‌سازی نیز تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در ادوار مختلف تاریخ رخ داده، سبک‌های مختلفی را

از انسان و حیوان و شکار است. مجسمه‌سازی در آغاز، با تلقی خاصی همراه بوده است. در اعتقاد شکارچیان ما قبل تاریخ، نگارگری صحنه‌های شکار حیوانات بر روی دیواره‌های غارها، موجب موفقیت آنها در صحنه‌های واقعی شکار و نیز سبب زیاد شدن جانوران مناسب برای صید می‌شد. نوعی از مجسمه‌های یافت شده از اعصار کهن (هزاره‌های هفتم و ششم ق.م) مجموعه‌های واقعی انسان است که صورتشان با استفاده از نوعی گچ کم‌رنگ بازسازی شده و در محل

## مجسمه‌سازی

بنا به تعریفی که محققان هنر ارائه کرده‌اند، مجسمه‌سازی اساساً به معنای شکل بخشیدن به توده‌ای از مواد بی‌شکل است.

در گذشته، پیکر تراشی عمدتاً به آفرینش شکل‌های انسانی و طبیعی محدود می‌شد، اما این هنر امروزه هم پای تحولات پدید آمده در تمام ارکان زندگی اجتماعی انسان، همچون سایر هنرها، به شدت متحول شده و به خلق شکل‌های نو، با مواد جدید و اسلوب‌های نو روی آورده‌است.

در اینجا از دو نوع پیکر تراشی نام می‌بریم:

۱. **نقش برجسته:** هنگامی که نقشی از یک موجود، اعم از انسان، حیوان و غیره را روی یک سنگ یا لوح به صورت برجسته نشان دهند به آن «نقش برجسته» می‌گویند. می‌توان گفت تمام آثار تصویری موجود در تخت جمشید و دیگر بناهای بازمانده از ایران باستان نقش برجسته‌اند.

نقش برجسته خود به دو نوع «تمام برجسته» یا «نیم برجسته» تقسیم می‌شود.

۲. **پیکره ایستاده یا همه‌جانبی:** این نوع از مجسمه‌ها، پیکره‌هایی هستند که اثر مورد نظر، مثلاً یک انسان را، به تمامی و در تمامی ابعاد و جهات نشان می‌دهند.

مجسمه‌ها را همچنین براساس اسلوب ساخت آنها به دو نوع، کاهشی (کنده‌کاری) و افزایشی (پیکر تراشی یا پیکره‌سازی) تقسیم می‌کنند.

مجسمه‌سازی یکی از قدیمی‌ترین هنرهای ابداع شده به دست بشر است که کهن‌ترین نمونه‌های آن در غارهای محل زندگانی انسان‌های ما قبل تاریخ مشاهده شده است. این قدیمی‌ترین مجسمه‌ها و بهتر است بگوییم نگاره‌ها، که اغلب بر روی دیواره غارها، یا روی یک صخره در کوه کنده شده عموماً شامل نگاره‌هایی





تجربه کرده است. این سبک‌ها چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ نام‌گذاری شباهتی کامل با سبک‌های مختلف نقاشی دارند. اصولاً شباهت و همانندی‌های فراوان بین دو هنر نقاشی و پیکتراشی به گونه‌ای است که هر دو را در قالب یک مفهوم، یعنی هنرهای تجسمی تعریف می‌کنند. در بعضی از دوران‌ها بسیاری از نقاشان بزرگ مجسمه‌سازان بزرگی نیز بوده‌اند.

### پیشینه پیکتراشی در ایران

شاید بتوان قدیمی‌ترین مجسمه یافته شده در ایران را پیکره آدمکی گلی دانست که در تپه سراب حصار سفید کرمانشاه و از داخل یک قبر متعلق به حدود هفت هزار سال پیش پیدا شده است. باستان‌شناسان ساخت این گونه آدمک‌های گلی را که تحت عنوان کلی «بُت» نام‌گذاری کرده‌اند ناشی از عقاید اقوام باستانی پیرامون ادامه حیات انسان

در دنیای دیگر می‌دانند.

نقوش مربوط به اقوام لولوبی موجود در سرپل‌زهاب کرمانشاه بخصوص نقش آنوبانی‌نی با قدمتی در حدود چهار هزار و دویست سال و نیز سنگ‌نگاره‌های عیلامی موجود در خوزستان و نواحی اطراف از جمله مهم‌ترین آثار پیکره‌سازی متعلق به ایران قبل از ورود آریایی‌ها مجسمه مرمرین گاوی که از زیگورات چغازنبیل شوش به‌دست آمده نیز از جمله عالی‌ترین آثار تجسمی است که از عیلام باستان بر جای مانده است.

همچنین باید به مجسمه‌هایی مفرغی به‌دست آمده از لرستان و سایر نقاط ایران اشاره کرد که نمونه‌هایی جالب توجه از هنرهای تجسمی ایران در دوران‌های پیش از ورود اقوام آریایی محسوب می‌شوند. اما از جمله قدیمی‌ترین سنگ نگاره‌هایی که از ایرانیان آریایی موجود است، سنگ نگاره‌هایی است که در کنار آرامگاه‌های صخره‌ای بازمانده از دوران

ماد در غرب ایران کنونی یافت می‌شود. از جمله می‌توان به حجاری‌های گور دخمه‌های اسحاق‌وند، دکان داود، صحنه (همه در کرمانشاه) و قزقیان (دختر دزد) در خاک کردستان فعلی عراق اشاره کرد. پیکره‌های حجاری شده در پاسارگاد، تخت‌جمشید، نقش‌رستم (همه در فارس) شوش (خوزستان) و بیستون (کرمانشاه) همه و همه نمایانگر اعتلای هنر پیکره‌سازی در ایران دوره هخامنشی است؛ و این‌ها همه به غیر از اشیای فلزی از جمله جام‌ها یا ریتون‌هایی است که از آن عهد باقی مانده و هر کدام نمونه‌ای عالی از هنر حکاکی دوران هخامنشی را در معرض دید همگان قرار می‌دهد.

از دوران سلوکی غیر از نقوش موجود بر روی سکه‌های این دوران و برخی آثار تجسمی باید به مجسمه هرکول در بیستون کرمانشاه اشاره کرد که شاهدی برجسته از فنون مجسمه‌سازی سبک یونان باستان است.

در دوران اشکانی و هم زمان با تسلط سلسله‌ای بر ایران، که در اصل پیشینه شبانکاره‌ای داشتند. هنر مجسمه‌سازی ایران نزول فاحشی پیدا کرد. کافی است که نقوش هخامنشی بیستون را با نمونه‌های نقوش اشکانی در همان محل مقایسه کنیم تا صحت این نظر تأیید شود. اما در دوران ساسانی هنر پیکره‌سازی ایران باز به دورانی از اعتلا بازگشت نشانه این تحول غیر از حکاکی‌های موجود بر روی ظروف و اشیای فلزی، سنگ نگاره‌هایی است که از این عهد در نقش رستم، نقش رجب، فیروزآباد و سایر نقاط فارس، و بخصوص در طاق بستان کرمانشاه، باقی مانده‌است. خبرگان هنر مجسمه‌سازی، نقش شب‌دیز در طاق بستان کرمانشاه را با آثار میکلا آثر قابل مقایسه می‌دانند.

در پی ورود اسلام به ایران و ممنوعیت مجسمه‌سازی و تصویرگری



سکه‌های اشکانی



هنرمندان ایرانی، در قالب‌های دیگری که نمی‌توانست مورد تعرض قرار بگیرد، روی آوردند. از جمله تزیینات ساختمان‌ها، بخصوص اماکن مقدس بود که در شکل گچ‌بری و بیشتر به صورت نقوش گل و بوته و یا آیات قرآنی و در قالب خط زیبای کوفی خود را نشان می‌داد. همین‌طور باید به تزیینات آجرکاری بخصوص در نمای ظاهری مناره‌ها که در قالب نقوش هندسی و یا تحریر آیات قرآنی و کلمات مقدسه (خط معقلی یا بنایی) جلوه می‌کرد، اشاره نمود.

البته نقوش روی سکه‌ها و نیز حکاکی بر روی اشیای فلزی را باید نمونه‌های دیگری از هنر پیکره‌سازی در ایران پس از اسلام محسوب داشت.

از دوران قاجار رفته‌رفته فنون و سبک‌های جدید این هنر، همراه با بسیاری از افکار و اندیشه‌های نوین پیرامون هنرهای مختلف از اروپا به ایران منتقل شد و دوران تازه‌ای را در هنر مجسمه‌سازی ایران پدیدآورد. امری که هنوز هم تداوم دارد.

### کارکرد تاریخی مجسمه‌ها و هنر مجسمه‌سازی

انواع پیکرتراشی و پیکره‌های ساخته شده، همچون دیگر آثار هنری، منبعی از اطلاعات پیرامون گذشته انسان‌ها به شمار می‌آید. دبیران تاریخ می‌توانند با استفاده از مجسمه‌ها و سنگ‌نگاره‌های مختلف به استخراج مطالبی پیرامون تاریخ اجتماعی، آداب و رسوم، عقاید مذهبی، مسایل سیاسی، اقتصادی، حقوقی و هنری ادوار گذشته بپردازند و البته اگر بتوان این کار را ضمن حضور در کنار این‌گونه آثار، مثلاً در موزه‌ها و اماکن تاریخی انجام داد، مسلماً مؤثرتر، مفیدتر و کارآتر خواهد بود.

از جمله در تخت‌جمشید می‌توان به

موجود بر روی پلکان‌ها به آن خط‌ها و زبان‌ها نوشته شده‌اند، به لحاظ فرهنگی - اجتماعی بیانگر بسیاری از مطالب هستند. نقوش گل‌ها و درختان که بر روی خطوط کادر بندی‌های تصویر شده‌اند، نشان دهند، بخشی از عقاید اساطیری و دینی آن دوران است، و بالاخره سلاح‌ها و ابزارهای جنگی که سربازان حمل می‌کنند ما را از تاریخ نظامی دوره هخامنشی مطلع می‌سازد.

#### منابع برای مطالعه بیشتر

۱. گاردنر هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران نگاه و آگاه، ۱۳۷۰
۲. مرزبان، پرویز، خلاصه تاریخ هنر، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸
۳. وزیری، علینقی، تاریخ عمومی هنر، تهران، هیرمند، ۱۳۶۹
۴. گشایش، فرهاد، تاریخ هنر، بی‌جا، عفاف، ۱۳۸۴
۵. آریان‌پور، امیرعباس، جامعه‌شناسی هنر، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا

کمک این حجاری‌ها اقوام تابع حکومت هخامنشی را شناخت و در نتیجه ابعاد جغرافیای سیاسی این امپراتوری را روشن کرد. (تاریخ سیاسی)  
مثلاً لباس‌ها، آرایش‌ها و دیگر جلوه‌های ظاهری هر یک از نمایندگان این اقوام، بخشی از آداب و رسوم و بنابراین قسمتی از تاریخ اجتماعی آن دوران را بازتاب می‌دهد؛ یا مهم‌ترین محصولات هر یک از اقوام که به صورت تحفه برای شاه آورده‌اند، از اقتصاد آن دوران سخن می‌گوید. حضور مادی و پارس‌ها در کنار نمایندگان ملل تابع، به عنوان راهنما، از نظام اداری - سیاسی آن عهد خبر می‌دهد. چگونگی برگزاری مراسم نوروز، حداقل بخشی از آن، عقاید دینی و اجتماعی مردم آن عصر را نمایان می‌سازد. خصوصیات فنی سنگ‌نگاره‌ها از تاریخ هنر در دوران هخامنشی صحبت می‌کند. خطوط و زبان‌هایی که کتیبه‌های



## چکیده

پادشاهی ساسانیان نوعی حکومت دینی بود. اقتصاد و تجارت به عنوان یکی از ابعاد جامعه ساسانی، قوانین و احکام مخصوص به خود را داشت. این قوانین در دین رسمی ساسانیان (یعنی دین زرتشتی) ریشه داشتند و تطبیق آن‌ها با قوانین تجارت بین‌الملل، برای آنان مسئله‌ای اساسی بود.

بنابراین، در مقاله حاضر سعی شده تا با تکیه بر اوستا و سایر متون پهلوی که به دست موبدان و بانیان دین گردآوری و تألیف شده‌اند، قوانین حاکم بر تجارت در ایران عصر ساسانی استخراج و بازخوانی شوند. هدف از این امر، به تصویر کشیدن اوضاع تجاری و جایگاه تجارت و شرایط حاکم بر آن در جامعه ایران آن روز است.

کلید واژه‌ها: ساسانیان، تجارت، قوانین تجارت، شرکت‌های تجاری.

# تجارت و مسائل حقوقی آن در دوره ساسانیان



سکه خسرو پرویز

حسین نادری قره‌بابا

مدرس دانشگاه پیام نور

## مقدمه

در ایران دوره باستان، دولت ساسانی تنها دولتی بود که با نهضت دینی بر صحنه تاریخ پدیدار شد. دین زرتشتی بر قوانین آن دولت تأثیر کامل و فراوان بر جای گذاشت. اساسی‌ترین موضوعی که مدنظر اردشیر بابکان (۲۲۶-۲۴۱ م)، بنیان‌گذار سلسله ساسانی، قرار داشت، امور دینی بود. وی که قصد احیای دین زرتشتی را داشت، در سراسر کشور آتشکده‌هایی بنیاد نهاد. هم‌چنین فرمان داد، همه آموزه‌های زرتشت را در یک کتاب فراهم آورند تا در کارهای دینی منبع قابل اعتمادی باشد و همگان به آن گردن نهند.

اردشیر بابکان برای رسیدن به این مقصود، از مغان سراسر شاهنشاهی، انجمنی فراهم آورد و از میان هزاران مؤبد که از همه‌جای کشور گرد آمده بودند، هفت تن

را برگزید و موبد موبدان را به سروری آنان برگماشت. اردشیر برای استوارسازی دین زرتشت، به بانیان آن، قدرت عمل بیشتری بخشید و آنان را در فرمان‌روایی شرکت داد و در هر سو موبدانی گماشت تا بر اجرای امور، طبق دستورهای دینی، نظارت نمایند [عباس، ۱۳۴۸: ۲۱-۲۰].

تقریباً تمامی قوانین دوره ساسانی از «اوستا» و دستورهای دینی آن اقتباس شده بود، اما کاربرد این آموزه‌ها در اقدامات قانونی از جمله تجارت، به صورت غیرمستقیم بود. زیرا اصول و مقررات اوستا که در نسک‌های گوناگون آن منعکس است، چه از لحاظ مدنی و چه از لحاظ جزائی، کامل و رافع همه احتیاجات جامعه ایرانی آن روز نبودند. در مقایسه با تراز پیشرفت جامعه‌ای که در آن به کار بسته می‌شدند، کهنه و ابتدایی به شمار می‌رفتند. این امر در زمینه تجارت که به رکنی از ارکان سیاست‌های داخلی و خارجی دولت ساسانی تبدیل شده بود، بسیار مشهود بود. لذا برای تکمیل آن، وضع قوانین عرفی و اجتماعی و تجاری دیگر ضرورت داشت و این نقیصه را پادشاهان ساسانی با صدور فرامین و وضع پاره‌ای مقررات، مرتفع می‌کردند [احمدی، ۱۳۴۶: ۹۴].



### قوانین از ورای متون دینی

قوانین ایران در دوره ساسانیان تحول و دگرگونی فراوان یافت. اما با این حال، صلاحیت و اعتبار نسک‌های حقوقی هم‌چنان معتبر باقی ماند. در این دوره، تفسیر شفاهی نسک‌های مزبور رواج فراوان یافت و به گفته «قانون‌نامه»، تفاسیر مکتوبی که درباره نسک‌های حقوقی اوستا نوشته شدند، از میانه دوره ساسانی پایه و زمینه اقدامات قانونی را مشخص می‌ساختند. این تفاسیر را «چاشتک»<sup>۱</sup> یعنی «آموزش‌ها» می‌خواندند [یارشاطر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۳].

مبانی حقوق عهد ساسانی، کتاب اوستا و تفاسیر آن و اجماع «نیکان»، یعنی مجموعه فتاوی علمای زردشتی، بوده است [کریستین سن، ۱۳۷۸: ۲۱۸]. ظاهراً مجموعه‌ای قانونی به معنی اخص کلمه «قانون» وجود نداشته است. لکن از خلاصه نسک‌های «داتیک» اوستا که در کتاب «دینکرد» موجود است، چنین استنباط می‌شود که چندین نسک شامل مسائل حقوقی بوده است. این نسک و نسک‌های دیگر اوستا، مقرراتی راجع به اصول قضایی و روابط حقوقی و جرائم، و مقرراتی مربوط به بزهکاران (قاتل، دزد، راهزن و ...) و بردگان و عقود و تعهدات و

غیره دربردارند.

در بخش «وندیداد» در مورد قرض چنین آمده است: «کسی که از بازگرداندن سپرده‌ای به دارنده‌اش خودداری کند، کردارش بدان ماند که آن سپرده را از دارنده‌اش دزدیده باشد. تا هنگامی که آن سپرده را در خانه خویش نگاه دارد، هر روز و هر شب که بدان دست زند و آن را از آن خویش بشمارد، بدان ماند که دیگر بار آن را دزدیده باشد» [دوستخواه، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۸۹].

### مهم‌ترین قوانین تجارت

از مهم‌ترین قوانین تجارت، همان مقررات حاکم بر قراردادهای خرید و فروش بود. سیمای مشخص قراردادهای این دوره، نخست تثبیت قرارداد در شکل نوشته و در یک سند قرارداد بود. دوم، وجود راه‌های گوناگون تضمین انجام تعهدات و سوم حمایت دستگاه قضایی از منافع طرف‌های قرارداد بود. زیرا هر قرارداد رسمی، به طرف‌های آن حق می‌داد آن را به اجرا درآورند.

معمولاً سند قرارداد در چند نسخه تهیه می‌شد، چنان‌که هر طرف قرارداد، یک نسخه را پیش خود نگه می‌داشت و سند را با مهر گلی مهر می‌زدند. هم‌چنین،

ثبت قراردادها در دادگاه‌ها و دفترخانه‌ها، به‌ویژه هنگامی که مال مورد معامله غیرمنقول بود، رواج گسترده‌ای داشت. دفترخانه، نسخه‌ای از هر سند خصوصی را در بایگانی خود نگه می‌داشت [Shaki, 457-460]. حیطة کاربرد قرارداد شفاهی تا آن‌جا بود که عمدتاً به معاملات چیزهای منقول مربوط می‌گشت. عناصری از این شکل باستانی، در آیین بستن قراردادهای شفاهی که مقدم بر سند مکتوب بود، هم‌چنان زنده ماند. طرف‌های قرارداد در پیش گواهان و در برابر قاضی، جملاتی را سه بار تکرار می‌کردند. در بندها و مفاد خود قراردادها، ردپایی از تأثیر پیمان‌شاهی را می‌توان دید.

یک روش برای تضمین انجام قرارداد، تصریح گرفتن جریمه یا تاوان از طرف زیر پاگذارنده قرارداد بوده است. چنین ماده کیفری، در بخش دوم از فرگرد چهارم وندیداد به چشم می‌خورد. روش دیگر، ضمانت اجرای قرارداد که در ماده ۴۵ قانون‌نامه «ماتیکان هزار داتستان» ذکر شده، شرایط گرفتن غرامت بوده است [Farrax-marti, 1980: 176].

مواد مربوط به جریمه‌ها و غرامت‌ها، هرگاه در سند قید می‌گردید، به هر یک از طرف‌های قرارداد حق می‌داد در صورت

جانشینان او به کاشتن زمینی که در قبال پرداخت اجاره بهای معین به تصرف او داده شده، پرده از ماهیت واقعی معامله برمی دارد [همان، ۱۵۰].

انتقال حق واقعی به خریدار، به محض این که وی بهای کالا را می پرداخت، انجام می گرفت، اما تحول خود کالا ممکن بود با تأخیر انجام گیرد. فروشنده ملزم بود تا هنگامی که کالای فروخته شده را به خریدار تحویل نداده است، از آن به خوبی نگه داری کند و اگر از روز معامله تا زمان تحویل کالا به خریدار، درامدی از آن به دست آورد، از آن نیز به دقت مراقبت کند [همان، ۲۴۷]. از سوی دیگر، خریدار حق داشت، اگر کالایی که خریده، در این مدت آسیبی می دید، از فروشنده غرامت بخواهد. اگر فروشنده می خواست کالایی را که فروخته است، مدتی دراز پیش خود نگه دارد، غالباً با خریدار قراردادی تازه می بست و آن کالا را از وی به امانت می گرفت.

در کتاب حقوقی «داتستان دینیک» نیز در مورد اقلام کالاهای مورد مبادله، احکام و قوانین بسیاری موجود است. در این کتاب، در زمینه احتکار گندم و گران فروشی چنین حکم شده است:

«اگر گندم را در مواقع وفور برای روز مبادا و مواقع کمیابی انباشته سازند، امری پسندیده است، اما اگر آن را به هنگام ارزان بودن خریداری کنند و به هنگام قحطی و گرانی با قیمت گزاف بر هم دینان خود بفروشند، مرتکب گناه می شوند. گناه بزرگ تر این است که گندم انباشته شده فاسد شود. در این صورت، لعن و نفرین کسانی که در نتیجه این امر آسیب می بینند، متوجه فرد محترک خواهد بود» [Manuski, 174-6; har, 1970].

در جای دیگر این کتاب، در مورد شرایط خرید و فروش گندم چنین آمده است:

عدم اجرای قرارداد یا موادی که در قرارداد آمده، مثلاً انجام ندادن قرارداد در دوره زمانی معین، به دادگاه مراجعه کند و در آن جا علیه طرف دیگر، به طرح دعوی بپردازد [همان، ۱۰۲]. تعیین کفیل یا ضامن که با توافق خاصی همراه بود، جدا از توافقی انجام می گرفت که تعهد وعده دار ایجاد و ضامن انجام آن را ضمانت می کرد. وی در حضور دست کم سه گواه، جملاتی را بر زبان می راند که به گفته «ماتیکان هزار داتستان» در ماده ۴۰ چنین بوده است: «من نسبت به این چیز (یعنی بدهی) ضامن فلان کس هستم» [همان، ۱۴۲]. نقش او در مقام ضامن، در سندی که قرارداد اصلی در آن آمده بود، ثبت می شد. قرارداد ضمانت، شخص ضامن را در برابر بستانکار مسئول می ساخت و هرگاه عاقد قرارداد اصلی (بدهکار) از انجام تعهد خود در مدت مقرر کوتاهی می ورزید، ضامن ملزم بود بدهی او را بپردازد. از سوی دیگر، پرداخت بدهی بدهکار به ضامن حق می داد که پس از پرداخت بدهی، به بدهکار رجوع کند و بدهکار نیز ملزم بود هزینه ای را که ضامن متحمل شده بود، جبران کند.

اما اگر برای یک بدهکار چندین ضامن وجود داشت که خود را ضامن مشترک اعلام کرده بودند، آن ها را دارای مسئولیت مشترک می دانستند و بستانکار می توانست از هر یک بخواهد که تمامی بدهی او را بپردازند، زیرا در اصل، هر یک از ضامن ها (هم پائیندان) زیر سند وام را امضا کرده بودند. قراردادهای شراکت<sup>۲</sup> نیز مسئولیت مشترک پدید می آورد. قراردادهای شراکت غالباً میان بازرگانان (شرکت های بازرگانی) بسته می شد [همان، ۱۷۶].

چون فروش اموال غیر منقول مستلزم انتقال حق واقعی آن بود، غالباً در سندی آن را به ثبت می رساندند. اما قرارداد اجاره دائمی، در شکل قرارداد فروش انجام می گرفت و تنها قید تعهد «خریدار» و

از مهم ترین قوانین تجارت، همان مقررات حاکم بر قراردادهای خرید و فروش بود. سیمای مشخص قراردادهای این دوره، نخست تثبیت قرارداد در شکل نوشته و در یک سند قرارداد بود. دوم، وجود راه های گوناگون تضمین انجام تعهدات و سوم حمایت دستگاه قضایی از منافع طرف های قرارداد بود



کرتیر. نقش رستم



در قانون نامه «ماتیکان هزار  
داتستان»، انواع قراردادها، معاملات  
و حل معضلات مربوط به آن‌ها، طبق  
شرایط متعدد از جمله شرایط رسیدن  
کشتی به لنگرگاه، وجود کالا در کشتی  
و حمل آن به محل فروش، درج شده  
است

حال، فروش دام به بیگانگان برای کشتار  
(که طبعاً به کاهش دام‌ها در ایران زمین  
می‌انجامد)، از سنگین‌ترین گناهان است»  
[همان، ۳-۱۸۲].  
با تفاسیری که گفته شد، می‌توان  
دریافت که فروش برخی کالاها از قبیل  
دام به پیروان سایر ادیان، منع شرعی داشته  
است.

### قانون تجارت برده

برده نیز مانند هر چیز دیگری بود که  
یک فرد، پادشاه یا پرستشگاه، بر آن حق  
واقعی می‌یافت و می‌توانست مورد معامله،  
خرید و فروش، بخشش و کرایه قرار گیرد.  
در «ماتیکان هزار داتستان» آمده است که تا  
دوره حکومت بهرام پنجم ساسانی (۴۳۸-  
۴۲۰ م) بردگی از طریق پدر به فرزند منتقل  
می‌شد، حال آن‌که از زمان بهرام پنجم به  
بعد، این انتقال از طریق مادر به فرزند معتبر  
بود [Farraxmarti, 1980: 27].  
از برده به عنوان وثیقه و گرو استفاده

مگر این‌که شراب محتاطانه از کسانی که  
در نوشیدن آن افراط می‌کنند، مضایقه  
شود و به کسانی فروخته شود که اعتدال  
را رعایت می‌کنند. [پیروان زرتشت] آن را  
باید به کسانی بفروشند که با مصرف آن  
امکان بهتر شدن اعمال و رفتارشان وجود  
دارد».

این رأی، چنین خلاصه می‌شود:  
«هنگامی که مؤمنان به اعتدال بنوشند،  
پیشرفت گناه کند می‌شود و اعمال نیک  
رواج می‌یابد...» [همان، ۷-۱۷۶].

در ماده ۵۳ «داتستان دینیک» در مورد  
فروش دام توسط بی‌دینان به تجار بیگانه و  
پیروان ادیان دیگر، حکم بدین قرار است:  
«این مبادله اگر از روی سودجویی  
باشد، نامشروع بوده و گناهی سنگین  
محسوب می‌شود. اما اگر بی‌دینان کسب  
و کار دیگری برای ارتزاق و حفظ حیات  
خود نداشته باشند، می‌توانند کار دیگری  
را که گناه کمتری دارد، انجام دهند. یعنی  
دام را به بی‌دینی دیگر بفروشند. در هر

«سؤال: اگر شخصی از بابت خرید  
گندم پولی را به صاحب آن بپردازد و در  
آن بگوید که من باقی پول را به صورت  
قسط تا آخر ماه خواهم پرداخت، چنان‌که  
در طی این یک ماه شخص خریدار گندم  
خریداری شده را چندین برابر گران‌تر  
بفروشد، حکم در این مورد چگونه است؟  
جواب: اگر طرفین معامله با آگاهی و  
اختیار به این معامله دست زده باشند، به  
دلیل دست به دست شدن کالا و صورت  
گرفتن کالا روی آن، منافع حاصله تنها از آن  
خریدار (یعنی پرداخت‌کننده پول) خواهد  
بود. در غیر این صورت، سود حاصل از آن  
میان فروشنده اصلی و پرداخت‌کننده قسط  
تقسیم خواهد شد» [همان، ۱۸۲-۱۸۰].

شراب نیز یکی دیگر از کالاهای  
صادراتی ایران عصر ساسانی بود. در کتاب  
حقوقی «داتستان دینیک» در مورد فروش  
شراب به بیگانگان و غیرمؤمنان (غیر  
زرتشتیان) چنین حکم شده است:  
«این عمل گناهی بسیار سنگین است،



پارچه. دوره ساسانی



شاهنشاه به شمار می‌رفت، اما در آزادی ناتمام، تنها بخشی از برده آزاد می‌شد. برای مثال، اگر برده‌ای آزادی یک دهم داشت، چنان‌که فرزندی از او متولد می‌شد، آزادی این فرزند نیز در همین حد یک دهم بود [همان، ۲۷].

موبدان در تلاش برای جلوگیری از نابودی اعضای جامعه خود چنین نوشتند: «فروش برده به غیرزرتشتیان مجاز نیست... به علاوه، اگر صاحبان جدید، برده را به دین دیگر بگروانند، آن‌گاه مسئولیت تمام گناہانی که به سبب اعتقادات غیرزرتشتی مرتکب شود، به عهده کسی است که او را فروخته است [همان، ۲۸].

### وام

وام نیز یکی دیگر از مواردی بود که مشمول قانون تجارت می‌شد. در بخش ۴۱ از فرگرد سوم وندیداد، دادن وام با ربا به دیگران و گرفتن بهره از آن، از سنگین‌ترین گناہان به شمار آمده است [دوستخواه، ۱۳۷۰: ۶۸۵]. این گونه بازرگانی، یعنی تجارت با پول و به‌ویژه با غله، و در تنگنا قراردادن وام‌گیرندگان، در مزدیسنا گناه محسوب می‌شود و احکامی درباره آن ذکر شده است. کسانی که به این گونه رفتار کنند، مرتکب گناه شده و در این جهان برخوردار از حد شرعی می‌شوند و در آن جهان در دوزخ عذاب می‌افتند و پادافره خواهند یافت.

در دولت ساسانی که بازرگانی فعالی داشتند و کالاهای بازرگانی از این کشور به سرزمین‌های دور دست برده یا از آن‌ها آورده می‌شد، دادن وام پولی برای تأمین سرمایه بازرگانی دریایی یا کاروانی، پیشرفت فراوانی کرده بود. بازرگانی در اغلب موارد به صورت وام و اعتبار انجام می‌گرفت و بازرگان پس از فروش کالا، حساب خود را پاک می‌کرد. در این دوره که برای مضاربه‌های بازرگانی

می‌کردند یا اگر وامداری قادر به پرداخت وام خود نبود، برده‌اش را به تنهایی یا همراه با یک قطعه زمین، در اختیار وام‌دهنده می‌گذاشت تا با کار کردن برای طلبکار، اصل و فرع وام را مستهلک سازد. قانون به برده‌دار اجازه می‌داد تا با تعقیب قانونی، از طریق دادخواهی مدنی، برده‌ای را که گریخته بود، پس بگیرد.

در اواخر دوره ساسانی و در کتاب «ماتیکان هزار داتستان» فروش برده زرتشتی مذهب به غیرزرتشتیان، منع شده است. برده‌ای که آیین زرتشتی داشت، می‌توانست مالک کافر خود را ترک گوید و برده مخدوم شخص زرتشتی گردد. اگر چنین حادثه‌ای روی می‌داد، مالک پیشین حق نداشت بخواهد که برده نزد او بازگردد، بلکه تنها می‌توانست از مالک تازه به اندازه بهای برده خسارت بخواهد [همان، ۲۸].

رهایی از بردگی از طریق آزادسازی انجام می‌گرفت. آزادسازی اقدامی قانونی بود که برده به موجب آن، آزادی خود را از صاحبش می‌گرفت. یکی از شرایط آزادی، زرتشتی بودن برده و غیرزرتشتی بودن مالک بود. آزادسازی به دو صورت کامل و ناتمام بود. در آزادی کامل، برده تحت حمایت قانون درمی‌آمد و جزو رعیت

به دلیل اهمیتی که بستن عهد و پیمان در دین زرتشت داشت، در مورد شکستن هر یک از عهد و پیمان‌ها نیز متناسب با آن‌ها مجازات و کفاره‌هایی تعیین شده بود که بیشتر به صورت جریمه نقدی پرداخت می‌شد

متحمل می‌شد، آن هزینه‌ها را به او پس می‌دادند. قراردادی از این گونه را باید روی کاغذ می‌نوشتند و از آن سند مکتوب تهیه می‌کردند. قراردادی را که بر سر آن به توافق قطعی رسیده بودند، در صورتی که دو طرف قرارداد به فسخ آن تمایل داشتند، می‌توانستند برهم بزنند و اعلام کنند که قراردادشان اجرا نخواهد شد. در برخی از قراردادها، یک مهلت سه روزه تعیین می‌کردند و از لحظه‌ای که قرارداد بسته می‌شد تا سه روز، هر یک از دو طرف قرارداد در صورت تمایل می‌توانست قرارداد را فسخ کند.

گذشته از اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی نیز می‌توانستند یکی از دو طرف قرارداد باشند و کارگزاران و گماشتگان به نمایندگی از آن‌ها در تنظیم قرارداد حضور یابند. برای نمونه، «قانون‌نامه» از یک مورد قرارداد وام یاد می‌کند که میان یک آتشکده و یک شخص حقیقی بسته شده بود و وام‌دهنده آتشکده بود. لازم به ذکر است، روحانیان از بزرگ‌ترین وام‌دهندگان بودند و قدرت مالی بسیار بالایی داشتند [رضی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۴۶۷]. منبع ثروت روحانیون عبارت بود از اجرای بسیاری از امور مردم، چون: انجام معاملات، نوشتن و رسمی کردن یا شرعی کردن امور تجاری و فلاحتی، فیصله دادن به مرافعات در دادگاه‌ها، نوشتن اسناد ملکی و اخذ حقوق شرعی و کتابت و عواید حاصل از املاک و مستغلات وابسته به معابد و آتشکده‌ها و غیره.

### شرایط بازرگانی و حدود دارایی

در «روایت پهلوی، بخش ۴۲» در مورد شرایط بازرگانی و مازاد درآمد، روایت بدین گونه است:

«این که بازرگانی چگونه باشد که در گناه نباشد. اگر در شهری یک دست جامه چهار درهم ارزد، به چهار درهم بخرد و

سبب تغییراتی در قراردادها و معاملات می‌شد که با نوع کالا و اطمینان‌بخش بودن محل استقرار آن در زمان معین، رابطه نزدیک داشت. در معاملات و قراردادها، امکان فاسدشدن و آسیب دیدن کالا و مخاطراتی که ممکن بود در جریان حمل آن پدید آید، منظور می‌شد و مورد توجه قرار می‌گرفت.

اهورا مردا در برابر سؤال زرتشت مبنی بر تعداد پیمان‌ها چنین پاسخ می‌دهد: «۱. عهد و پیمان‌شفاهی؛ ۲. عهد و پیمان با فشردن دست؛ ۳. عهد و پیمان به ارزش یک گوسفند؛ ۴. عهد و پیمان به ارزش یک گاو؛ ۵. عهد و پیمان به ارزش یک انسان؛ ۶. عهد و پیمان به ارزش یک قطعه زمین آباد و حاصل‌خیز» [دوستخواه، ۱۳۷۰: ۶۸۹].

به دلیل اهمیتی که بستن عهد و پیمان در دین زرتشت داشت، در مورد شکستن هر یک از عهد و پیمان‌ها نیز متناسب با آن‌ها مجازات و کفاره‌هایی تعیین شده بود که بیشتر به صورت جریمه نقدی پرداخت می‌شد.

از «قانون‌نامه ایشوع بوخت» آگاهی داریم که دعاوی مربوط به «وام‌های مضاربه‌ای» را در دادگاه‌های رسمی نمی‌پذیرفتند، بلکه دادگاه حکمیتی که اصناف یا بازرگانان تشکیل می‌دادند، به این دعاوی رسیدگی می‌کرد [پیشین].

در کار بازرگانی، قراردادی از اهمیت فراوان برخوردار بود که در آن وکالت یا قدرت وکیل به کس دیگر داده می‌شد. غالباً در قرارداد، نوع وکالت تصریح می‌شده است. ممکن بود بگویند: «من به فرخو<sup>۳</sup> اختیار داده‌ام برای واریز کردن بدهی من، پول را بپردازد و وثیقه مرا از گرو آزاد کند»، یا به وکیل وکالت داده می‌شد که چیزی را بفروشد [Matakani Hazar Datastan, 183].

اگر وکیل به ضرورت هزینه‌هایی را

شرکت بیمه‌ای وجود نداشت، دادن وام برای بازرگانی دریایی (یا بازرگانی از راه خشکی) خطرات فراوانی دربرداشت و ای بسا که سرمایه اصلی نیز از میان می‌رفت [یارشاطر، ۱۳۸۰: ۶۳].

در این گونه معامله، «وام‌دار» بازرگانی بود که برای خرید کالا و رساندن آن به جایی که می‌توانست با سود آن را بفروشد، نیاز به پول داشت. یا ناخدا و یا کاروان‌سالاری بود که به گونه‌ای به کارهای بازرگانی می‌پرداخت که لازمه‌اش فراهم ساختن کالا و بردن آن به جایی دور دست بود و برای خرید این کالا، به پول احتیاج داشت و یا این که کالایی را که نیاز داشت، نسبه می‌گرفت. برای وام‌هایی از این گونه، کالاهایی که برای فروش به سرزمین‌های دور دست برده می‌شدند، خود وثیقه یا ضمانت بازگشت پول بودند. معمولاً ارزش این کالاها بسیار بالاتر از مبلغ وام بود. چون در آن روزها سفرها با خطراتی چون خطر غارت، کشتی شکستگی و مانند آن‌ها همراه بود، ای بسا بی‌آن که وام‌دار کوتاهی کرده باشد، وثیقه وام در میانه راه از دست می‌رفت. اگر چنین حادثه‌ای پیش می‌آمد، وام‌دار از زیر بار وام رهایی می‌یافت و وامی که گرفته بود، بخشیده می‌شد. بدین ترتیب، وام‌دهنده به معامله‌ای قمار مانند دست می‌زد. اما تنها تا هنگامی که کالاها در راه بودند، زیرا پس از این که کالاها به سر منزل می‌رسیدند، دیگر هرگونه خسارت و آسیب احتمالی، به گردن وام‌دار بوده است [همان، ۶۴].

### انواع قراردادها

در قانون‌نامه «ماتیکان هزار داتستان»، انواع قراردادها، معاملات و حل معضلات مربوط به آن‌ها، طبق شرایط متعدد از جمله شرایط رسیدن کشتی به لنگرگاه، وجود کالا در کشتی و حمل آن به محل فروش، درج شده است. هر یک از شرایط مذکور،



**پاره‌ای قوانین تجاری دیگر وجود داشتند که توسط مأموران دولت و از طریق اخذ حقوق گمرکی در طول راه‌ها و دریافت عشریه (یک دهم) در بازارها اعمال می‌شدند**

به شهر دیگری ببرد و بدان جا که برد، ده درهم ارزد، به ده درهم بدهد، مزد و روزی خویش و ستور را از آن بستاند و مازاد را به صدقه بدهد، ثواب بزرگی است. و اگر مازاد را به صدقه ندهد، بدان زمان جایز نیست که با آن پول از راه کشاورزی و دام‌داری، خواسته (مال و دارایی) جمع کند. این بدان سبب است که اگر خواسته را برای زندگی بهتر لازم دارد، برای زندگی بهتر، تا سیصد «استیر»<sup>۴</sup> اندوختن جایز است. از آن بیشتر، چون سود از آن آید، جز هزینه خویش، باید بقیه را به صدقه بدهد...» [میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۵۱].

به روشنی و وضوح از این مسائل برمی‌آید که در دوران ساسانیان، از دیدگاه شرع، برای دارایی حد و اندازه‌ای وجود داشته و ثروت اندوزی سخت نکوهش می‌شده است و البته این امر طبقه بازرگان را محدود می‌کرد. اضافه درآمد مردم باید به محاکم شرع و ادارات شاهی تأدیه و پرداخت می‌شد، و گرنه مالشان حرام و خودشان گناهکار محسوب می‌شدند و بی‌گمان در صورت آگاهی محاکم، اموالشان مصادره می‌شد. به همین جهت است که خزائن آتشکده‌ها و معابد، ثروتمندتر و پرمایه‌تر از خزائن شاهی بوده است. چون مردم علاوه بر مالیات‌های دینی و مقرر که باید به محاکم و دیوان شرع می‌پرداختند، به عنوان کمک، ندور، صدقات و... به اداره‌های مالی موبدان پرداخت‌های فراوان نقدی، جنسی و نیروی کار نیز داشتند [مانکجی رستمچی اونوالا، ۱۹۲۲: ۵۸].

«روایات داراب هرمزدیار» راجع به امر بازرگانی می‌افزاید:

«پرسش: کدام بازرگانی است که در بازرگانی مرگ ارزان<sup>۵</sup> شود؟

پاسخ: این که آن چه خرنند و فروشند، یزدان بر آن خرید و فروخت روا نداشته و نغموده است. فروشنده و خرننده هر دو ریمن<sup>۶</sup> و مرگ ارزان باشند و بی‌بها هم

مرگ ارزان. پس چون ایدون است، در همه کاری فرمان یزدان کوشی باید داشت» [همان، ۵۸ و ۵۷].

از موارد فوق می‌توان استنباط کرد که در جامعه ساسانی، بازرگانی از لحاظ دینی برای بی‌دینان منع شرعی داشته است و این حکم در مواقع قدرت و میدان‌داری موبدان و هم‌چنین تعصب‌ورزی پادشاهان ساسانی، حتی در مورد پیروان سایر ادیان موجود در قلمرو ساسانی نیز اعمال می‌شد. و سخت‌گیری‌های «کریتر»<sup>۷</sup> نسبت به اقلیت‌های مذهبی و تبعید یهودیان و مسیحیان، دلیل موثق است بر این ادعا.

### شرکت‌های تجاری

بازرگانی توسط شرکایی از افراد عادی یا جماعات دینی که سرمایه‌های خود را به اشتراک می‌گذاشتند و شرکتی تشکیل می‌دادند، انجام می‌گرفت. اصطلاح مورد استفاده برای شرکت‌های این چنینی، واژه «همبایی» [دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۱]. لازم به ذکر است که این اصطلاح نه تنها به شرکت‌های تجاری، بلکه به شرکت‌های دیگری از قبیل شرکت‌های حفاری و بازسازی کانال‌های آب و مانند آن نیز اشاره دارد.

در ماده چهارم از کتاب «ماتیکان هزار داتستان»، به تفصیل از وضع شرکت‌ها سخن رفته است. در این فصل، پیرامون حقوق و وظایف اعضای شرکت‌ها که به نظر می‌رسد در اقتصاد ایران مقام مهمی داشتند نظریات گوناگونی ارائه شده است. اصول کلی شرکت‌ها به شرح زیر آمده است:

«هرگاه کسانی شیئی را به هر تعداد خریداری کنند و به تملک خود درآورند و چنین توافق کنند که همه اموال و یا شیء خریداری شده به ما تعلق دارد، پس آن‌گاه همه اموال و یا شیء خریداری شده، به تساوی متعلق به آنان خواهد بود» [Far-raxmarti, 1980: 147].

موجب تحریک حس کنجکاوای غربیان و دست‌یابی آنان به اکتشافات جدید شد، به طوری که در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی توانستند قلمرو ایران و عثمانی را از شمال و جنوب دور بزنند و به سرزمین‌های ادویه و ابریشم دست یابند [Ziskind, 1973: 35-49].

#### پی‌نوشت

1. Čaštak
2. Hambayih
3. farraxv

۴. هر استبر برابر با چهار درهم بوده است.
۵. مرگ ارزان = مستوجب کشتن
۶. ریمن = ناپاک، از دین بیرون
۷. کرتیر = هیربذهری‌بذان در دوره چهار پادشاه اول ساسانی

#### منابع

۱. احمدی، اشرف. **قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان**. انتشارات وزارت فرهنگ و هنر. تهران. ۱۳۴۶.
۲. اوستا. گردآوری جلیل دوستخواه. نشر مروارید. تهران. ۱۳۷۰.
۳. دریایی، تورج. **شاهنشاهی ساسانی**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. انتشارات ققنوس. ۱۳۸۳.
۴. **روایات پهلوی داراب هرمزدیار**. به اهتمام موبد مانکجی رستمجی اونوالا. بمبئی. ۱۹۲۲.
۵. **روایت پهلوی** (متنی به زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی). ترجمه مهشید میرفخرایی. انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. ۱۳۶۷.
۶. عباس، احسان (گردآورنده). **عهد اردشیر**. ترجمه محمدعلی امام شوشتری. انجمن آثار ملی. تهران. ۱۳۴۸.
۷. کریستن سن، آرتور. **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه رشید یاسمی. انتشارات صدای معاصر. تهران. ۱۳۷۸.
۸. **وندیداد**. ترجمه هاشم رضی. انتشارات فکر روز. تهران. ۱۳۷۶.
۹. یار شاطر، احسان و دیگران. **تاریخ ایران**. کمبریج (ج ۳). گردآورنده: جی.آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۸۰.
10. Farraxmarti Vahraman; **Matakdani Hazar Dadistan**, by Mina Garsoian, Mazda Publishers, New York, 1980.
11. Manuskihar; **Dadistan dinik**, Translated by E.W.West, Motilal Banarsidass, delhi, 1970.
12. Shaki. Mansour; **documents in the Sasanian Periods**, Iranica Encyclopedia.
13. Ziskind. Jonathan; **The International Legal Status of the sea in Angiquity**, Acta Orientalia, Copenhagen.

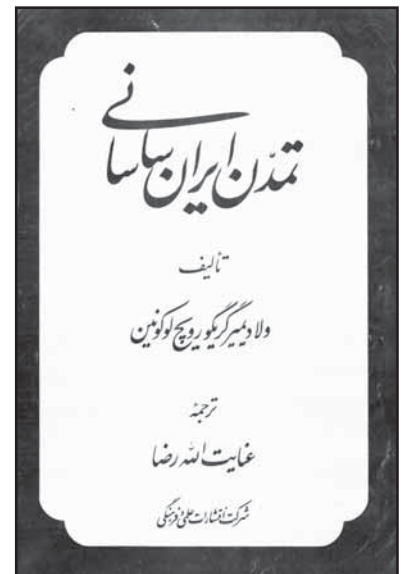
در طول راه‌ها و دریافت عشریه (یک دهم) در بازارها اعمال می‌شدند. احداث گمرک‌خانه‌های متعدد در بنادر خارک، سیراف و ابله بدین منظور بوده است و به موجب پیمانی که بین **خسرو انوشیروان** و **ژوستی نیان** (امپراتور بیزانس) بسته شد، بازرگانان آزادانه در قلمرو طرفین به داد و ستد کالا پرداختند و شهرهای «نصیبین» در جانب دجله و «کالی نیک» در سمت فرات و «ارتاکزاتا» در ناحیه ارمنستان، به عنوان محل اخذ عوارض گمرکی بین دو دولت تعیین شدند [کریستین سن، ۱۳۷۸: ۹۱].

قانون دیگر، به انحصار دولتی خرید و



فروش پاره‌ای کالاها از قبیل مواد معدنی و اشیای فلزی و مخصوصاً ابریشم خام مربوط بود که خرید و فروش آن‌ها به دست مأموران دولتی صورت می‌گرفت و قیمت و میزان آن‌ها را دولت تعیین می‌کرد [یارشاطر، ۱۳۸۰: ۱۴۱].

در سطح بین‌المللی، در این دوره مسئله مالکیت قانونی بر آب‌ها مطرح بود، به طوری که تجار دریانورد ایرانی، از رفت‌وآمد کشتی‌های بیزانسی و حبشی از طریق آب‌های خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند جلوگیری می‌کردند. بعدها پی‌گیری این سیاست توسط عثمانی‌ها



طبق اصول و مقررات شرکت‌ها، سرمایه، درآمد حاصله و یا اموال و اشیای متعلق به شرکت، به تساوی میان کلیه اعضای شرکت قابل تقسیم بود.

اصل عمده در شرکت و مهم‌ترین عامل آن، مالکیت عمومی اعضا و جمعیت آن بود. اصل تقسیم برابر و رعایت کامل آن، پایه محکم و مطلق برای شرکت‌ها به‌شمار می‌رفت. فروش سهم یکی از اعضا بدون جلب موافقت قبلی دیگر اعضای شرکت، غیرممکن بود.

بدین روال، شرکت رواج و گسترش فراوان داشت و در آن نه تنها بازرگانان، بلکه افراد دارای اموال غیرمنقول از جمله صاحبان مزرعه و خانه نیز که این اموال غیرمنقول را به اجاره می‌دادند، در شرکت سهامی می‌شدند. درآمد حاصله از اموال آن‌ها نیز درآمد عمومی شرکت به‌شمار می‌رفت. بر پایه مطالب ارائه شده می‌توان مدعی شد که رواج گسترده شرکت و تعاون، هدف کسب سود را دربرداشت. این مهم از راه بازرگانی، بهره‌کشی، وام و اجاره میسر بود.

علاوه بر این، پاره‌ای قوانین تجاری دیگر وجود داشتند که توسط مأموران دولت و از طریق اخذ حقوق گمرکی



# تشیع در دوره آل بویه

علی زواری

دبیر تاریخ - شهرستان نقده

کلیدواژه‌ها: تشیع، آل بویه، خلیفه عباسی.

## مقدمه

دولت آل بویه برجسته‌ترین دولت شیعی و ایرانی نژاد بود که در حدود ۱۳۰ سال (۴۴۷ - ۳۲۰ هـ. قمری) بر بخش بزرگی از ایران و عراق تا مرزهای شام فرمان می‌راند. این دولت که خود برآمده از جنبش‌های استقلال طلبانه ایرانیان بود و در پی ظهور دولت‌های مستقل و نیمه مستقل پدید آمد خود از بزرگ‌ترین عوامل ضعف خلافت عباسی، و تغییرات بنیادی در نهادهای سیاسی و دینی و اقتصادی آن روزگار شد.

اساساً شیعیان عراق انسجام خود را در برابر اکثریت سنی مذهب، مدیون غلبه بویان بودند که برخی از رسوم شیعه را بنیاد نهادند.

قلمرو آل بویه در عهد عضدالدوله به نهایت گسترده‌گی و وحدت سیاسی رسید؛ به طوری که عراق و سراسر ایران تا رود سند (به استثنای خراسان و سیستان که متعلق به سامانیان بود) تابع آن دولت گشت و در شبه جزیره عربستان نیز از عمان تا سرزمین دور

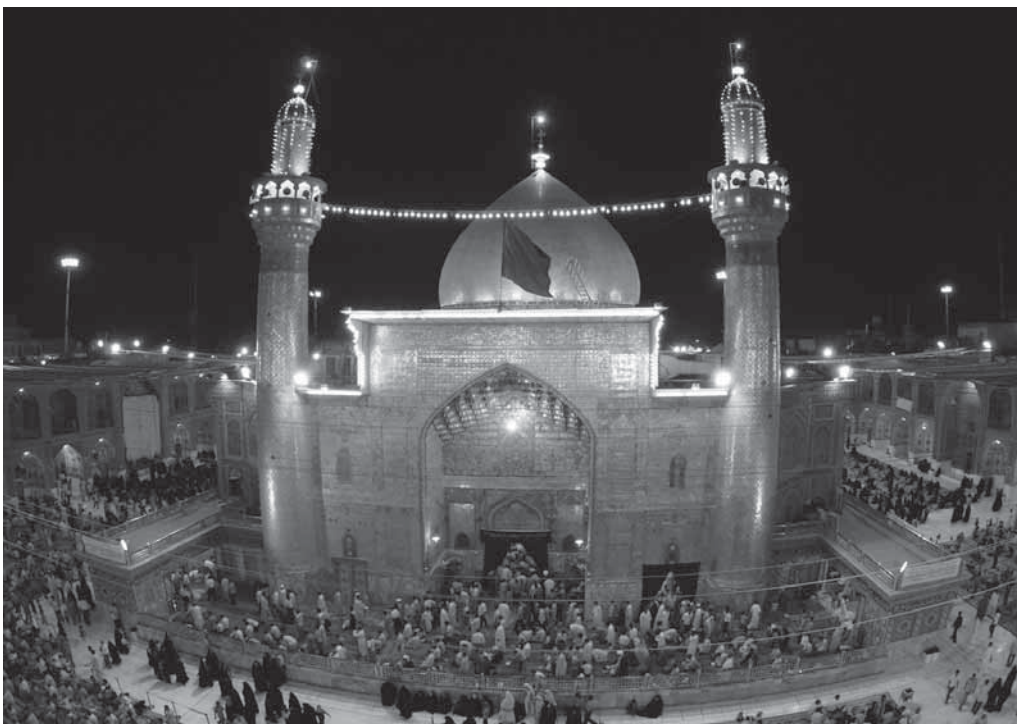
دست یمن تحت فرمان آل بویه درآمد. ابن خلدون می‌نویسد: «آل بویه صاحب دولتی چنان عظیم شدند که اسلام بر سایر امت‌ها بدان مباحثات می‌کند» [خسروی، ۵۲]. حکومت آل بویه (۴۴۷ - ۳۲۰) بر ایران و عراق بیش از یکصد و بیست سال طول کشید. در این مدت حکمران واقعی و تصمیم گیرنده حقیقی، امرای آل بویه بودند و خلفای بغداد از خود چندان اختیاری نداشتند و باز چپ‌های در دست آنان به حساب می‌آمدند. [همان، ۵۳]

از میان امرای آل بویه عضدالدوله اول کسی است که خود را پادشاه خواند. وی که در سال ۳۵۶ هجری به حکومت رسید، با دانشمندان رفتاری خوش داشت و نسبت به مقام شامخ علی بن ابيطالب (علیه السلام) از خود کرنش خاصی نشان می‌داد. بقعه مبارکه امام علی (ع) در نجف و امام حسین (ع) در کربلا را به طرز با شکوهی تعمیر کرد، و در اطراف شهر مدینه نیز حصار کشید. عضدالدوله همچنین برای شیخ مفید، عالم برجسته شیعی زمان خود، احترام قائل بود و به دیدنش می‌رفت.

ابوطاهر (جلال الدوله): سیزدهمین امیر آل بویه نیز پس از درگذشت مشرف الدوله، برادرش جلال الدوله جانشین او شد و مدت ۱۷ سال پادشاهی کرد و در شعبان سال ۴۳۵ هجری درگذشت. جلال الدوله چنان به اهل بیت و ائمه شیعه علاقه داشت که پیوسته به زیارت مرقد امام اول و امام سوم شیعیان می‌رفت و چون به یک فرسخی شهر می‌رسید، پیاده می‌شد و خود را پا برهنه به حرم می‌رساند.

## تشیع در عهد آل بویه

از اوایل قرن چهارم هجری به تدریج شکوه و جلال خلافت سلسله عباسیان افول کرد، وحدت حکومت درهم شکست و قدرت و نفوذ آن به ضعف و ناتوانی



گنبد و بارگاه امام علی (ع)



گرایید. این ضعف از هنگامی آغاز شد که ایرانیان بر خلفای عباسی چیره شدند و مناصب بزرگ دولتی را به دست گرفتند و بدان رنگ ایرانی دادند و موقعیت عرب را متزلزل ساختند.

### شیعه در دوره عباسی

اگر چه وضع شیعیان پس از انقراض امویان و روی کار آمدن عباسیان روبه بهبود رفت اما چیزی نگذشت که وضع به صورت سابق برگشت و شیعیان مورد تعقیب و آزار خلفای عباسی قرار گرفتند.

عقیده شیعه این بود که خلافت حق آل علی (ع) است ولی بنی عباس همچون بنی امیه، آن را غصب کرده اند. از این رو شیعیان از خلافت بنی عباس ناراحت بودند و می گفتند ما از رنج امویان و مروانیان نجات یافتیم و گرفتار رنج آل عباس شدیم.

آزار و اذیت شیعیان به وسیله بنی عباس در بعضی شهرها بسیار شدید و ظالمانه بود و داغ کردن پیشانی شیعه یکی از اقسام شکنجه ها بود.

سایر پیروان مذاهب و گروه های مختلف اسلامی نیز با قلم و زبان و در برخی موارد با شمشیر به جان یکدیگر افتاده خون یکدیگر را می ریختند. اختلاف فکری و تعصب و جهالت در موارد بسیاری به جنگ و خونریزی منجر می شد.

شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی (از علمای بزرگ قرن ششم) در کتاب خود می نویسد: در آن روزگار شیعیانی بودند که در کوچه و بازار حرکت می کردند و قصائدی در مدح و منقبت اهل بیت و ائمه هدی به خصوص امیرالمومنین علی (ع) با صدای بلند می خواندند که به آنان «مناقب خوان» می گفتند ولی بنی عباس آنها را سرکوب می کردند و حتی زبان آنها را می بریدند.

### آشکار سازی شعارهای شیعه

قبل از آل بویه، شعارهای شیعه علنی

فاصله را پیمود.» [ابن اثیر، ۵۰۹۱] پادشاهان آل بویه علاوه بر این که خود به زیارت کربلا، نجف و کاظمین می رفتند برای امام زادگان و علویان نیز نذر می کردند و غالباً وصیت می کردند که اجسادشان را در جوار یکی از آنها و مراقد ائمه به خاک بسپارند.

### پیامدهای اقتدار تشیع در دوره آل بویه

۱. تبدیل شدن عراق به یکی از کانون های شیعه بویژه آزادی عمل یافتن شیعیان محله شیعه نشین کرخ در بغداد.

۲. اعلام روز عاشورا به عنوان روز عزای عمومی و اجرای شعائر مربوط به آن و رفع سنن ناپسند بنی امیه.

۳. اعلام شادمانی در روز عید غدیر خم، روز جانشینی حضرت علی (ع) به جای حضرت محمد (ص) به نشانه دل بستگی به علی (ع).

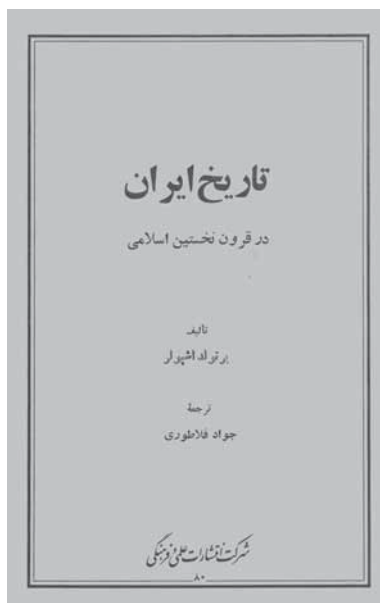
۴. تجدید بنای مقابر ائمه اطهار و آباد نمودن نجف اشرف و تعیین اموال وقف برای اماکن متبرکه بویژه برای امام حسین (ع) و تامین آسایش زائران.

۵. شوق روز افزون شیعیان به زیارت مقابر امامان از جمله تشویق به سفر زیارتی به مشهدالرضا که بعدها در عصر صفوی، شاهان نام آوری همچون شاه عباس اول به همراه متفکران نخبه شیعی همانند شیخ بهایی

نمود و به ندرت اتفاق می افتاد که شیعیان بتوانند شعائر خود را ظاهر سازند اما از زمان تسلط آل بویه بر عراق و کاستن از اختیارات خلیفه فعالیت ها و شعارهای شیعه، کم و بیش آزاد و علنی شد.

ابن جوزی می نویسد: در سال ۳۵۲ معزالدوله مردم را به اقامه مراسم عاشورا بزرگ ترین روز شیعه امر کرد. شیعیان نیز بازارها را بستند و خرید و فروش موقوف شد. قصابان ذبح نکردند و آشپزها غذا نپختند و سقاها از کار باز داشته شدند. در بازارها قبه هایی برپا شد، پرده ها را در آویختند و مردم عزادار با موی آشفته و صورت های سیاه کرده و گریبان های چاک زده، نوحه کنان و بر سر و صورت زنان، در شهر به گردش درآمدند. مراسم سوگواری شهادت امام حسین (ع) نخستین بار همراه با عزاداری عمومی در روز دهم محرم این سال برگزار شد.

«در سال ۴۳۱ جلال الدین (نوه عضدالدوله) با فرزندان و جمعی از یاران خود برای زیارت مرقد مطهر امام حسین (ع) رهسپار کربلا و نجف شد. در کربلا، وی قبل از ورود به محدوده حرم امام حسین پا برهنه شد و در نجف نیز از خندق شهر تا حرم امیرالمومنین (ع) که یک فرسنگ فاصله بود، پیاده شد و با پای برهنه این



گسترش فعالیت‌های علنی خود بهره‌مند شدند. از سوی دیگر آل‌بویه از شرایط مساعدی که در پرتو تبیین و تشریح عقاید شیعه به وسیله عالمانی مانند شیخ مفید و سید رضی به وجود آمد به عنوان پشتوانه معنوی و عقیدتی حکومت خود استفاده کردند.

باید دانست که گسترش اعتزال نیز در گسترش تشیع تأثیر داشت، چرا که معتزله از علویان حمایت می‌کردند و وجود قرابت‌های فکری بین شیعه و معتزله همچون عدل‌گرایی شیعه و عقل‌گرایی معتزله جریان امر را تسریع می‌کرد.

### ابقای خلیفه عباسی

امیران و سرداران ترک هر گاه یکی از خلفای عباسی را می‌کشتند و یا عزل می‌کردند بی‌درنگ یکی از افراد همین خاندان را به جای خلیفه سابق برمی‌گماشتند طوری که دستگاه خلافت حتی یک روز هم بی‌خلیفه نمی‌ماند. در مواقعی هم که قصد عزل خلیفه را نداشتند. به جنگ خلیفه می‌آمدند، او را شکست می‌دادند و سپس با او بیعت می‌کردند و خود را فرمانبردار دستگاه خلافت معرفی می‌نمودند، مثلاً عضدالدوله دیلمی با این



از این سفرهای زیارتی بارها برای تثبیت و استقرار بخشیدن مذهب شیعه بهره جستند. ۶. تشکیل مجالس مذهبی، اعم از روضه‌خوانی و مجالس جشن و سرور ۷. تجلیل از بزرگان شیعه همانند شیخ صدوق، شیخ مفید و ... ۸. تجلیل از احفاد علی (ع) و احترام به علویان.

### علل و عوامل ترویج تشیع

در قرن‌های سوم و چهارم ظهور نهضت اسماعیلیه در قلمرو خلافت اسلامی و نیز خیزش‌های استقلال طلبانه در پاره‌ای از سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران، به افول قدرت خلافت انجامید. در عین حال، قرن چهارم، قرن آزادی عقاید و آرا بود و شیعیان توانستند با استفاده از این شرایط راه خود را برای تجلی میان طرق دیگر انتخاب کنند. در قرن چهارم، چهار دولت شیعی پا به صحنه گذاشتند: دولت زیدیان در یمن، دولت حمدانیان در شام (سوریه) دولت آل‌بویه در ایران و دولت فاطمیان در مصر. در واقع سرکوبی‌های شدید شیعیان در دهه‌های قبل نتیجه معکوس داده بود و نه فقط به محو مذهب تشیع نینجامید، بلکه به پیدایش فرقه‌های شیعی دیگر نیز در قرن چهارم منجر گردید.

آشفته‌گی اوضاع سیاسی و کشاکش‌های حکومت‌های رقیب با یکدیگر موجب به قدرت رسیدن آل‌بویه شد و آل‌بویه توانستند بدون تزاخم، به ترویج عقاید شیعی بپردازند. علمای بزرگ شیعی نیز از آن فرصت نادر بهره جستند و به پدیدآوردن آثار مهمی در زمینه معارف شیعی پرداختند.

آل‌بویه از بستر مساعدی که علویان طبرستان در قرن سوم ایجاد کرده بودند و همچنین از جاذبه معنوی و وجاهت علویان به سود مقاصد خویش بهره‌ها بردند عالمان شیعه از آزادی نسبی پدیدآمده و بهره‌گیری از حمایت سیاسی آل‌بویه، برای

که شیعی مذهب بود و خلفای عباسی را غاصب مقام خلافت می‌دانست و همه نوع قدرت و نفوذ هم داشت وقتی بر بغداد استیلا یافت دارالخلافه و دیگر عمارات وابستگان خلیفه را تعمیر کرد و در اکرام و اعزاز خلیفه بسیار کوشید.

### منابع

۱. زرین‌کوب، عبدالحسین: تاریخ مردم ایران، ج ۲، تهران، امیرکبیر چاپ چهارم، سال ۱۳۷۳
۲. آدام، متز: تمدن اسلامی در قرن چهارم، جلد اول، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۶
۳. ابن اثیر عزالدین: کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، برگردان: حمیدرضا آذری، چاپ اول، جلد ۱۲، سال ۱۳۸۳، انتشارات اساطیر
۴. جعفری، سید حسین محمد: تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه دکتر سیدمحمدتقی آیت‌اللهی، چاپ ششم، سال ۱۳۷۲
۵. خسروی، محمدعلی: شیخ صدوق (ره)، چاپ اول سال ۱۳۷۰ انتشارات اسوه
۶. زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ هشتم سال ۱۳۷۳ چاپخانه سپهر تهران
۷. دایره‌المعارف تشیع: (سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع)، چاپ اول سال ۱۳۷۳، نشر سعید محبی تهران
۸. برتولد اشپولر: ایران در قرون نخستین اسلامی، جلد اول، ترجمه جواد فلاطوری، شرکت انتشارات علمی تهران ۱۳۶۹
۹. طباطبایی، علامه فقید سید محمد حسین: شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم

# ۷ قاعده

## برای آموزش مؤثر و پر نشاط درس تاریخ

نویسنده: لی دبلیو فورم والت  
استاد تاریخ دانشگاه‌های ایندیانا و ایالت آلبانی ایالات متحده آمریکا  
مترجم: سید رضا وسمه‌گر

کلیدواژه‌ها: آموزش تاریخ، آموزش مؤثر، تدریس.

اشاره

لی دبلیو فورم والت (lee. w. formwalt) مدیر اجرایی انجمن مورخان آمریکایی است. او در دانشگاه ایالتی آلبانی و دانشگاه ایندیانا تاریخ آمریکا و جهان تدریس می‌کند. اگر چه همان گونه که در متن مشخص است توصیه‌های او متوجه جامعه و تاریخ ایالات متحده و نظام آموزشی آن کشور است، اما در واقع، اصول عقاید او با اندک تغییراتی می‌تواند قابل انطباق بر هر نظام آموزشی دیگر نیز باشد.

### قاعده اول: اشتیاق

ایجاد اشتیاق اولین و مهم‌ترین شیوه برای آوردن نشاط به هر کلاسی است. حتی اشتیاق خود شما برای موضوع درس و آموزش آن کلید موفقیت است. هر گونه فقدان نشاط، برای دانش‌آموزان غیرقابل قبول است. اما اشتیاق چیست؟ این واژه (enthusiasm) که ریشه‌اش به یونان باستان برمی‌گردد به معنای ایجاد شور و حال در شماست. به عبارت دیگر اشتیاق آن حالتی است که شور و شوق را برانگیزاند. آموزگاران باید برانگیخته شوند و دانش‌آموزانشان را نیز برانگیزانند. برای برانگیخته شدن، شما باید به آن‌چه تدریس می‌کنید عشق بورزید. لازم است که موضوع درستان را بشناسید و هر روز در مورد آن مطالب بیش‌تری بیاموزید و آن‌چه را تدریس می‌کنید بخشی از وجودتان سازید. هنگامی که دانش‌آموزانتان این کیفیت را ببینند و درک کنند خودشان برانگیخته و نسبت به آموختن تاریخ مشتاق می‌شوند.

تاریخ شرکت کننده در کارگاه آموزشی پیشرفته - برگزار شده در سن آنتونیو - و هم‌چنین آموزگاران از سراسر کشور که در مؤسسات تابستانی درباره آموزش نهضت حقوق مدنی درجکسون ایالت می‌سی‌سی‌پی و آتلانتای ایالت جورجیا در میان نهاده بودم، از نو مورد توجه قرار دادم.

بعد، هنگامی که به بلومینگتون (ایالت ایندیانا - م) بازگشتم به فکر دایره وسیع‌تری از مخاطبان افتادم که می‌توانستم از طریق مجله OAH (History) (۱) با آن‌ها مواجه شوم. سپس، در اداره اجرایی مجله، به این نتیجه رسیدیم که شاید خوب باشد تا در مجله ستونی را به استادان تاریخ اختصاص دهیم تا بتوانند مؤثرترین روش‌هایشان را در امر آموزش با هم در میان بگذارند. بنابراین ما ستونی را درباره این موضوع، با عنوان «هفت قاعده برای آموزش مؤثرتر تاریخ» آغاز می‌کنیم که امیدواریم به بخشی منظم در مجله تبدیل گردد.

طی سالیان متمادی و به مناسب‌های مختلف از من دعوت شده است تا برای آموزگاران تاریخ پیش‌دانشگاهی درباره راه‌های مؤثرتر آموزش تاریخ به دانش‌آموزان دبیرستانی سخنرانی کنم. من در تدریس خود، برخی اوقات بر منابع دست اول دخیل در مباحث کلاسی تمرکز می‌کردم و گاهی نیز بر استفاده از موضوعات محلی متمرکز می‌شدم. هنگامی که چهار سال پیش از من خواسته شد تا یک کارگاه آموزشی را برای آموزگاران مطالعات اجتماعی در آلبانی، ایالت جورجیا، ترتیب دهم، من راه‌های مختلفی را که به وسیله آن‌ها علایق دانشجویان را در دانشگاه ایالتی آلبانی برانگیخته بودم، سرو سامان داده و برای آموزگاران ارائه دادم. در طول سه سال گذشته، در «مؤسسه مورخان آمریکایی» من فرصت مسافرت به سراسر کشور و مصاحبت با آموزگاران پیش‌دانشگاهی را داشته‌ام و در تابستان جاری آن «هفت قاعده» را که در جورجیا سرو سامان داده و با آموزگاران





شیوه دوره بازسازی را خیلی بهتر از این که اگر آن‌ها را فقط در جزوه‌های درسی مطالعه می‌کردند به یاد خواهند آورد؛ یا این که از دانش‌آموزان بخواهید روایت‌های مربوط به دوره بازسازی را در روزنامه‌های محلی مطالعه کنند. سر دبیر روزنامه، درباره تغییراتی که به همراه آزادی بردگان اتفاق افتاده، چگونه می‌اندیشیده است؟ این امر چه تأثیری بر زندگی روزمره خوانندگان داشته است؟

شما حتی می‌توانید از تاریخ محلی برای آموزش تاریخ جهان بهره ببرید. چندین سال پیش هنگامی که من در جورجیا، تاریخ جهان آموزش می‌دادم، ما بر مصرف گرایی نوین در دهه ۱۹۲۰، با توجه به تبلیغات ویژه در فروشگاه‌های بزرگ، تمرکز نمودیم. در ابتدا من تاریخچه‌ای از فروشگاه‌ها و شیوه‌های تبلیغاتی آن‌ها در روزنامه‌ها برای ایجاد اشتیاق به کالاهایشان به دانش‌آموزان ارائه دادم (روندی به سوی افزایش اشتیاق در میان مردم). شما چگونه مردم را به خرید کالاها مشتاق می‌سازید؟ ارزش‌های آن‌ها در چیست؟ چگونه تبلیغاتچی‌ها اشتیاق برای خرید را در مردم ایجاد می‌کنند؟ ما از کتاب «کشف گذشته جهانی: نگاهی به شواهد» اثر مری. ای. وایز، ویلیام بروس ویلر، فردریک ام. دورینگ و ملوین ای. پیچ، که حاوی تبلیغات فروشگاه‌های بزرگ از روزنامه‌های ایالات متحده، بریتانیای کبیر، فرانسه، برزیل، کانادا، استرالیا و آفریقای جنوبی بود، بهره بردیم. فرهنگ عامه در مورد تبلیغات در همه این کشورها به وضوح در آگهی‌های بازرگانی مشخص بود.

بنابراین من دانش‌آموزان را به یک سال در دهه ۱۹۲۰ ارجاع داده و از آن‌ها خواستم برای جست‌وجو درباره تبلیغات فروشگاه‌های بزرگ در روزنامه محلی (ایالت) آلبانی به کتابخانه عمومی بروند. آن‌ها مکلف بودند که رونوشتی از یک تبلیغ

باز خرید بردگان (۸) چنانچه به خوبی تدریس نشوند، می‌توانند برای دانش‌آموز به واقع کسل کننده باشند. حال اگر شما در جنوب امریکا تدریس می‌کنید یک رو نوشت از قرارداد منعقد میان یک کشاورز محلی و بردگان پیشینش در تابستان پس از رهایی را میان دانش‌آموزان توزیع کنید. این تمرین نتایج فراوانی دارد. این قرار داد یک منبع دست اول است و نشان می‌دهد که دوره بازسازی برای افراد عادی - یک کشاورز و افراد آزاد شده در زراعتش - چه معنی می‌داده است، لذا دانش‌آموزان را به ارتباط برقرار کردن با گذشته وا می‌دارد. این چهره‌های تاریخی، فرهنگ واقعی بشر در ناحیه‌ای هستند که شما تدریس می‌کنید. من تضمین می‌کنم که دانش‌آموزان با این

بالتر شما شاید بتوانید چگونگی پدیدار شدن این مقوله را نیز تبیین کنید.



## قاعده پنجم: از تاریخ محلی به میزان فراوانی برای آموزش تاریخ استفاده کنید

برخی رویدادهای تاریخی، چنانچه دانش‌آموز بتواند نمودی محلی از آن‌ها ببیند، می‌توانند اثری بسیار عمیق‌تر بر او بگذارند. برای نمونه آموزش این سه مرحله از دوره بازسازی ایالات جنوبی بعد از جنگ‌های داخلی امریکا؛ یعنی مسائل مربوط به ریاست جمهوری، رادیکال‌ها و طرفداران



می‌کنند، می‌توانند همین‌گونه که در یک کنسرت اتفاق می‌افتد، احساسات بسیار گوناگونی را بیان کنند.

فیلم نیز می‌تواند شیوه‌ای قدرتمند برای جلب توجه دانش‌آموزان باشد. اما باید مواظب باشید که از فیلم به جای تدریس استفاده نکنید. به جای آن، فیلم را آموزش دهید. به دانش‌آموزان بگویید که در فیلم به دنبال چه هستید. فیلم را در لحظات حساس متوقف کنید و اظهار نظر آن‌ها را بخواهید. احساس نکنید که ناچارید همه فیلم را پخش کنید. از فیلم نیز به مانند هر منبع دیگری استفاده کنید. برخی فیلم‌ها هستند که شما می‌خواهید تمام آن را آموزش دهید، درست مانند هنگامی که شما تمامی زندگینامه خود نوشت و کوتاه فردریک دوگلاس را به کار گیرید. شاید

ترانه‌ها، رشد دهند. این امر نشان می‌دهد که مباحث چه قدر برای شما اهمیت دارند و به خصوص کمک می‌کند تا آن‌ها آوازهای خوانده شده در گویش‌های متفاوت را نیز بفهمند. در اجرای نسخه‌های گوناگون یک آهنگ تردید نکنید تا با این کار نشان دهید که چگونه مردم می‌توانند یک آهنگ را از اوضاعی گرفته و برای هدفی دیگر بازسازی کنند. نمونه‌ای مناسب از این امر ترانه نهضت کارگری به نام «شما کدام طرفی هستید؟» است که به سرودی مهم برای نهضت حقوق مدنی تبدیل شد. دیگر آوازهای نهضت حقوق مدنی از کلیسای سیاهان استخراج شده‌اند که نشان‌دهنده پیوند میان این دو (نهاد و نهضت) است. این آهنگ‌ها همچنین برخلاف ترانه‌های متینگی‌های سیاسی که یک هدف را دنبال

چاپی به کلاس آورده، آن را تشریح کنند و مشخص کنند که آن آگهی چه چیزی را برای فروش تبلیغ می‌کند و با استفاده از چه ارزشی (برای مثال صرفه‌جویی، منزلت اجتماعی و غیره) می‌خواهد اشتیاق به خرید را ایجاد کند. برخی اوقات شما با نتایجی غیر منتظره مواجه می‌شوید! وقتی که ما به آگهی‌های بازرگانی نگاه کردیم، متوجه شدیم که تبلیغات در اوائل دهه ۱۹۲۰ به سمت مردان معطوف است، در حالی که در پایان این دهه به سوی زنان معطوف می‌شود. بنابراین ما درباره این «تغییرات در تبلیغات و در فرهنگ» بحث کردیم.

شما می‌توانید از روزنامه‌های محلی، به صورت گوناگون استفاده کنید. مردم محلی که در جنگ شرکت نکردند، با جنگ جهانی دوم چگونه تعامل داشتند؟ چگونه جنگ بر تبلیغات اثر گذاشت؟ در دهه ۱۹۴۰ در مقایسه با دهه ۱۹۲۰، چه ارزش‌هایی اهمیت دارند؟ شما می‌توانید برای هر دانش‌آموزی یک روز مثلاً روز تولد خودش و یا پدر و مادرش را تعیین کنید، تا به نشریه محلی منتشره در آن روز مراجعه کند اخبار مهم آن روز چه بودند؟ آگهی‌های تجاری چه بودند؟ ارزش‌های نمایان در این تبلیغات از چه نوعی بودند؟



### قاعده ششم: از موسیقی [سرود] و فیلم برای تحریک آن دسته از احساسات که با مطالعه برانگیخته نمی‌شوند بهره‌بردار

موسیقی می‌تواند احساسات را به طرز بی‌همتا برانگیزد. شروع درس با یک آهنگ می‌تواند یخ بحث را که ما اغلب در هنگام شروع کلاس با آن رویه‌رویم، بشکند. به دانشجویان کمک کنید تا مهارت‌های شنوایی خود را از طریق بر روی کاغذ آوردن معانی دریافتی از

عکس: اعظم لاریجانی





دارد نمی تواند صحیح باشد. منبع اطلاعات آن چیست؟ شما چگونه می توانید پاسخ دهید؟ با استفاده از این شیوه نه تنها درکی بهتر از گذشته به دست می آورند، بلکه مهارتی می آموزند که می تواند در دیگر وجوه زندگیشان نیز مورد استفاده قرار گیرد. هنگامی که شما تاریخ را برای دانش آموزانتان هیجان انگیز می سازید آن ها انگیزه می یابند که بیش تر بیاموزند و بنابراین درکی عمیق تر از معنای گذشته به دست می آورند. از این رو به استفاده از فناوری های نوین در تدریستان توجه نشان دهید. دانش آموزان شما به خاطر محرک های چالش برانگیزی که ارائه داده اید سپاسگزار شما خواهند بود.

#### پی نوشت

۱. این مجله که در سال ۱۹۰۷ م تأسیس شده است، مطالب بسیار محققانه ای تحقیق و تدریس تاریخ ایالات متحده ارائه می دهد.

2. frederick douglass (an american slave)
3. harriet jacobs (incidents in the life of a slave girl)
4. jacob riis (how the other half lives)
5. ida b. wells (southern horrors)
6. w. e. b du bois (souls of black folks)
7. melba patillo beal (warriors don, t cry)

۸. در جریان مناقشات برده داری در میان ایالات شمالی و جنوبی آمریکا (اواسط قرن نوزدهم) سه جریان و طرز فکر اساسی وجود داشت: الف - ریاست جمهوری (آبراهام لینکلن) که ضمن مخالفت مخالف با برده داری در ایالات جنوبی با تجزیه این ایالات از دولت مرکزی نیز موافق نبود. ب - طرفداران شورش مسلحانه و جنگ علیه برده داران. پ - طرفداران باز خرید و نجات بردگان. این مناقشات با اعلامیه ریاست جمهوری و تسلیم ارتش جنوب به سود مخالفین برده داری به پایان رسید و دوره بازسازی (reconstruction) ایالات جنوبی پس از جنگ آغاز گردید.

9. merry e. wiesner, william bruce wheeler, frederick m. doeringer and melvin e. page: discovering the global past: a look at the evidence (boston: houghton, mifflin company, 1997, 2: 320 - 42)

#### منبع

1. <http://www.oah.org/pubs/magazine/ww1/formwalt.html>

serve های فراوانی برای آموزگاران تاریخ، تاریخ آمریکا، تاریخ جهان و هر شاخه قابل تصور دیگری از این دست، وجود دارد. بهترین پایگاه های اطلاعاتی را، برای مطالبی که آموزش می دهید، بیابید و آن ها را به دانش آموزانتان معرفی کرده و بحث کنید که در این سایت ها چه یاد گرفته اند. درست همان گونه که شما به دانش آموزانتان تشخیص میان منابع چاپی سودمند و ضعیف را می آموزید، به همان صورت نیز باید به آن ها یاد بدهید که از چنان تفاوت گذاری برای استفاده از منابع الکترونیک نیز استفاده کنند. سال ها ما به دانش آموزانمان آموخته ایم که مطلبی به صرف این که در کتابی آمده است صحیح نیست، حال ما ناچاریم این مطلب را روشن سازیم که یک مطلب به صرف این که در اینترنت وجود

شما بخواهید فقط از بخش هایی از فیلم های دیگر استفاده کنید، به مانند زمانی که شما به دانش آموزانتان در عوض مشاهده کامل فیلم قسمت هایی از روزنامه یا مجلات را برای مطالعه می دهید. به یاد داشته باشید فیلم ابزاری است که به شما کمک می کند، بهتر بتوانید درکی عمیق از دوره تاریخی مورد آموزش خود بیان کنید.



### قاعده هفتم: سواد خود را درباره رایانه افزایش دهید

در مورد راه هایی که اینترنت به غنی سازی شیوه تدریس شما یاری می رساند، مطالعه کنید. در یک List-serve درباره رشته تان ثبت نام کنید. List-





# فعالیت‌های عمرانی تیموریان در دوره سلطنت شاهرخ میرزا (۱۴۴۷-۱۴۰۵)

مؤلف: پروفیسور اسماعیل آکا

مترجم: اکبر صبوری

## اشاره

این پژوهش در پی بررسی فعالیت‌های عمرانی انجام شده در عصر تیموریان خاصه در زمان شاهرخ میرزا است. در واقع شاهرخ بعد از خاتمه بخشیدن به بحران پدرش تیمور جانشینی، که بعد از مرگ او به وجود آمده بود، و تثبیت اوضاع سیاسی، به فعالیت‌های عمرانی نیز اهتمام ورزید. در این امر خطیر همسران وی **گوهرشاد خاتون و ملکیت آغا** و پسرانش الغ‌بیگ، بایسنقر و ابراهیم نیز شرکت داشتند. علاوه بر این امرای نامداری چون علاءالدوله علیکه کُکلتاش و امیر فیروزشاه نیز به تبعیت از ولی نعمت خویش به امر احداث ساختمان‌ها و آبراهه‌ها مشغول شدند.

به‌طور کلی، با کاخ‌ها، مساجد، مدارس، پل‌ها، خانقاه‌ها و رباط‌هایی که در این زمان در شهرهای مختلفی چون سمرقند، هرات و مشهد و شیراز احداث گردید می‌توان تیموریان را آغازگر صنعت معماری اسلامی قلمداد کرد که، از نظر اهل فن، سبک معماری آن‌ها، بر معماری‌های ایرانی از نظر احتشام و عظمت مزیت دارد.

**کلیدواژه‌ها:** تیموریان، عصر شاهرخ، فعالیت‌های عمرانی، گوهرشاد.

کرت‌ها (۱۳۸۹-۱۲۴۵ م/۷۹۲-۶۴۳ ق) احداث شده بود، در عهد شاهرخ مرمت شد آنگاه باغ‌های زاغان از طرف شاهرخ به عنوان امارت حکومتی به کار رفت و باغ سفید نیز در سال ۱۴۱۰ م/۸۱۳ ق بازسازی شد و با بعضی الحاقات (ابرو، ج ۱، ص ۴۶۵؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ۱۹۱-۱۹۰)، اقامتگاه بایسنقر میرزا گردید.

امیر فیروز شاه و علیکه ککلتاش، که از سوی شاهرخ مأمور عمران و آبادانی هرات شده بودند، در شمال شهر و در امتداد کانال‌های انجیل و خیابان، برای خودشان عمارات و باغ‌هایی احداث کردند. این فعالیت‌های عمرانی بعداً در زمان سلطان حسین بایقرا نیز ادامه پیدا کرد و علیشیر نوائی هم بناهایی در این محل احداث نمود.

گوک‌سرای (کاخ کبود) بود (بابر، ۱۹۴۳، ج ۲، ص ۴۸)، که آن‌را به‌منظور جای خزانة و یا محل زندانیان و مقصرین ساختند. بنای آرامگاهی که اکنون قبرهای تیمور، میرانشاه، شاهرخ، الغ‌بیگ و محمدسلطان در آن واقع است، در جوار مدرسه‌ای ساخته شده که به دستور تیمور، پس از بازگشت از نبرد آنقره (آنکارا) ساخته شد (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۰).

آبادترین نواحی هرات در دوره تیموری، سرزمین‌های اطراف گازرگاه بود که جغرافی‌نویسان قرن دهم از آن‌ها به‌عنوان سرزمین خالی از سکنه یاد کرده‌اند. باغ‌های زاغان (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۳۳۶؛ اسفزاری، ج ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۴۱؛ خواندمیر، ۱۳۴۵، ص ۲۷) و سفید (هروی، ۱۹۴۴، ص ۷۱۳) که در زمان حکمرانی

تیمور، اگرچه از نظر سفاکیت و خون‌ریزی در سرزمین‌های تحت اشغال خود چیزی کمتر از چنگیز خان نداشت، اما در خلال لشکرکشی‌هایش تا فرصت می‌یافت به فعالیت‌های عمرانی نیز می‌پرداخت. او برای آبادانی شهرها، به‌ویژه توسعه شهر سمرقند - پایتخت خود اهمیت زیادی قایل بود. تیمور هنرمندان و صنعتگرانی را از سرزمین‌های مفتوحه به سمرقند انتقال داد و در حومه این شهر دهکده‌هایی را با نام‌های شهرهای بزرگی چون دمشق، مصر، شیراز، سلطانیة و بغداد بنیان نهاد (ابن عربشاه، ۱۳۳۹، ص ۳۰۸). همچنین در اطراف و حاشیة شهر نیز باغ‌هایی با نام‌های دلگشا، شمال، نقش جهان، چنار و تخت قراچا برای همسران خود ساخت. یکی از بناهای معظمی که به‌دستور تیمور ایجاد گردید،



## شاهرخ میرزا

پس از مرگ تیمور، شاهرخ در سال‌های آغازین حکومتش فرصت و مجال کافی برای پرداختن به فعالیت‌های عمرانی نیافت؛ تنها برای تأمین امنیت شهر هرات دستور مرمت قلعه اختیارالدین را صادر کرد (حافظ ابرو، ج ۱، ص ۳۶۵b عبدالرزاق سمرقندی، ۱۰، ۱۳۶۰ و به بعد)²، و بعد، هنگامی که اوضاع سیاسی به نفع او تغییر یافت، به فعالیت‌های عمرانی نیز اهتمام ورزید. شاهرخ، هنگامی که در سال ۱۴۱۰ م/ ۸۱۳ ق در بادغیس اقامت داشت، فرمان داد، شهر مرو را که از زمان حمله مغول‌ها به ویرانی کشیده شده بود، از نو مرمت و آباد کنند. علاوه بر آن، خواستار انجام فعالیت‌های عمرانی در سرتاسر خاک خراسان شد. پس از آن، و به دستور او راه‌های زیادی احداث گردید، پل‌های جدیدی ساخته شد و پل‌های قدیمی نیز مرمت و بازسازی شدند. در ادامه، برای

تعمیر سد مرو که آب آن از نهر مرغاب تأمین می‌شد و نیز برای عمران و آبادانی خود شهر مرو، امرای نامداری مثل علاءالدوله علیکه ککلتاش، امیر موسی و امیرعلی چغانی را به این امر خطیر مأمور کرد و آن‌ها تمامی این کارها را در اندک مدتی به اتمام رسانیدند. در این اقدام، در سال اول، پانصد جفت گاو میش، در امر زراعت به‌کار گرفته شدند و افرادی از اطراف و اکناف مملکت بدانجا آورده و اسکان داده شدند. شهر با مسجد، بازار، گرمابه، خانقاه، مدرسه و دیگر بقاع خیریه مزین شد، و رونق و شکوه سابق را باز یافت (ابر، ج ۱، ص ۴۵۲a - ۳۶۵b عبدالرزاق سمرقندی ۱۳۶۰، ص ۱۸۵).

شاهرخ، همچون پدرش تیمور که توجه خاصی به سمرقند داشت، در تمامی ایام سلطنتش، با ساختمان‌هایی که احداث کرد، برای تبدیل شهر هرات به عنوان پایتخت خود تلاش بسیار نمود. بدین سبب، در اوایل سلطنت خود، در

شمال شهر، در دامنه قلعه اختیارالدین دستور به احداث خانقاه و مدرسه‌ای عالی داد که هر دو در سال ۱۴۱۰ م/ ۸۱۳ ق به اتمام رسید (ابر، برگ ۴۶۵a؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۸۵). پس از آن، از چهار دانشمند معروف به نام‌های یوسف اوبهی، یوسف حلاج، عبدالرحیم یاراحمد و لطف‌الله برای تدریس در این مدرسه دعوت کرد. در روز اول جلسه درس نیز، سلطان خودش در مدرسه حاضر شد. مدرسان در موضوعاتی چون فقه و تفسیر به تدریس اشتغال ورزیدند. شاهرخ منصب شیخی خانقاه را به شیخ الاسلام علی چشتی تفویض کرد و دیگر متصدیان و مباشران لازم، چون امام، مدرس، واعظ و... را نیز تعیین نمود زمین‌های زیادی را برای هر دو بنا وقف کرد. (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۸۸ و بعد)². در این مدرسه به تدریج امرای نامداری چون جلال‌الدین فیروزشاه و علیکه ککلتاش به‌همراه علمای هرات نیز

شرکت می‌جستند و در بین آنها مباحث علمی صورت می‌گرفت (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۴، ص ۷).<sup>۴</sup>

چنان‌که می‌دانیم شاهرخ دارالشفا یا بیمارستانی در شهر هرات ایجاد کرد (خواندمیر، برگ ۴۶۵a؛ اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۶).<sup>۵</sup> و بر مزار خواجه عبدالله انصاری (وفات ۱۰۸۸/۱۴۸۱ق) نیز - که زیارتگاهی واقع در ۲/۵ کیلومتری شمال شرقی هرات بود، آرامگاه بزرگی (در سال ۱۴۲۵م/۸۲۹ق) ساخت (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۵۶۲ و به بعد).

### گوهرشادآغا

گوهرشادآغا همسر شاهرخ که نفوذ فوق‌العاده‌ای در امور دولتی داشت در فعالیت‌های عمرانی نیز شرکت می‌جست. در زمان گشایش مسجد جامع مشهد، که ساخت آن از سوی این خانم به معمار نامدار عصر، استاد قوام‌الدین شیرازی واگذار شد و در سال ۱۴۱۸م/۸۲۱ق به اتمام رسید، شاهرخ و گوهرشادآغا نیز حضور یافتند و شاهرخ به مرقد امام رضاع، که در جوار مسجد جامع واقع است، قندیلی به وزن ۳۰۰۰ مثقال طلا هدیه کرد. همچنین در شرق مشهد باغ و مهمان‌سرای بنی بنا کرد. گفته می‌شود او در مشهد نیز مدرسه‌ای احداث نمود (ابرو، برگ ۵۴۶a؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۳۷۸ و به بعد).<sup>۶</sup>

گوهرشاد، علاوه بر مشهد، در هرات نیز، در سر محله خیابان در کنار نهر انجیل، مسجد جامعی ساخت. خطاطی‌های این مسجد که با دو مناره و با کاشی‌های چینی کبودرنگ منظره زیبایی پدید آورده بود کار خطاط مشهور آن عصر جعفر است، که در نزد فرزندش بایسنقر اشتغال داشت - (سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۲۰).<sup>۷</sup> اما بزرگ‌ترین اثری که به‌دستور گوهرشادآغا در هرات ساخته شد، مدرسه‌ای است که در کنار

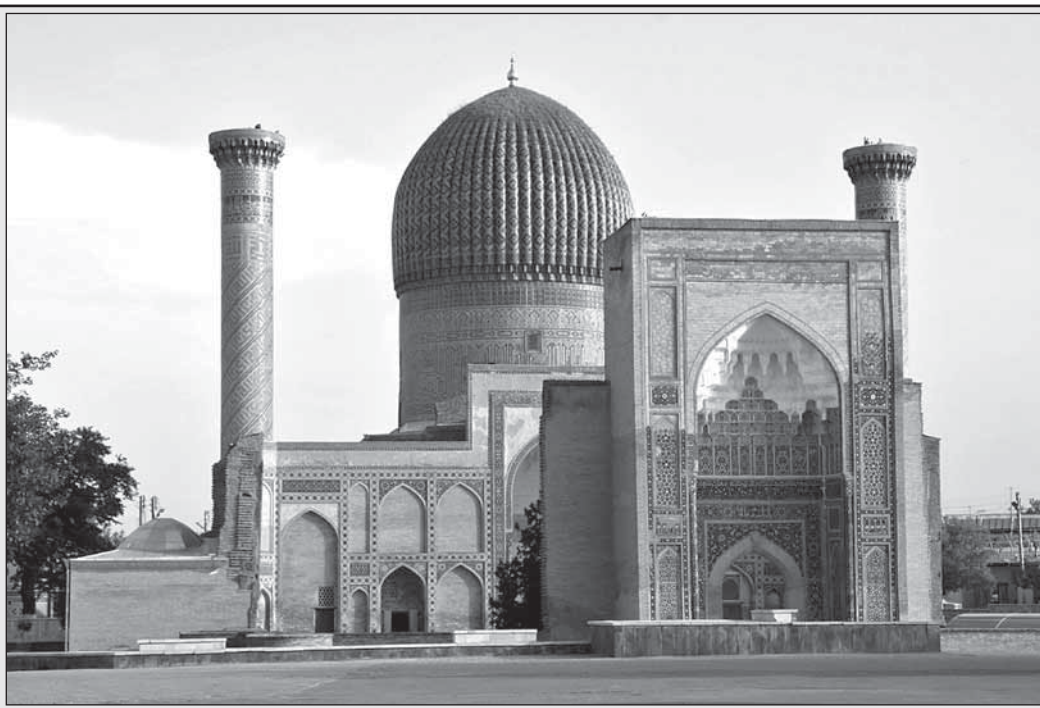
مسجد جامع احداث شد و تاریخ اتمام ساخت آن به سال ۸۳۶م (۱۴۳۷ق) بود (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۶۴۵). اگرچه از کتیبه سردر مدرسه چنین استنباط می‌شود که احداث مدرسه در سال ۸۲۱ (۱۴۱۸م)، یعنی همزمان با تأسیس مسجد جامع گوهرشاد مشهد شروع شده و در سال ۸۴۱ (۱۴۴۲م) به اتمام رسیده است (سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۱۷).<sup>۸</sup> هنگامی که خواندمیر به تألیف آثار خویش مشغول بود، همان‌طور که وی تدریس چهار نفر را در این مدرسه بیان می‌کند (اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۷؛ علیشیر نوایی، ۱۳۲۳، ص ۹۲-۹۱)،<sup>۹</sup> بابر نیز می‌گوید که در سال ۹۱۲م (۱۵۰۶-۱۵۰۷ق) از این محل دیدن کرده است (ص ۲۱۰). در آثاری که محققان انگلیسی و فرانسوی در یکصد سال اخیر تألیف نموده‌اند با شگفتی از تزئینات و ظرافت‌های مسجد جامع و مدرسه گوهرشاد یاد کرده‌اند.

متأسفانه این آثار اینک موجود نمی‌باشند زیرا عبدالرحمن خان امیر افغانستان، با تصور تقویت قدرت دفاعی خویش در برابر حمله روس‌ها به هرات دستور تخریب آنها را صادر کرد؛ لذا تنها مناره‌ها و چند آرامگاه به همان وضع باقی مانده است (طوغان، ۱۹۷۵، ص ۴۳۶؛ بارتولد، ۱۳۰۸، ص ۱۱۰).<sup>۱۰</sup>

گوهرشادآغا در شمال آن مدرسه، ساختمان دیگری بنا کرد که بعداً شخصیت‌هایی از جمله بایسنقر فرزند شاهرخ (سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۶۴۵)<sup>۱۱</sup> و عایشه سلطان دختر بایسنقر (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ۷۶۱-۷۶۲a،<sup>۱۲</sup> مریم سلطان دختر شاهرخ (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ۷۶۱-۷۶۲a،<sup>۱۳</sup> شاهرخ میرزا (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۸۹۲)<sup>۱۴</sup> سلطان محمد پسر بایسنقر (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ۱۰۳۲؛ خواندمیر،

۱۳۳۳، ج ۴، ص ۴۶) گوهرشاد خاتون،<sup>۱۵</sup> علاءالدوله پسر بایسنقر (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۲۴۹؛ خواندمیر، ج ۴، ۱۳۳۳، ص ۸۰) ابراهیم فرزند علاءالدوله (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۰۵؛ خواندمیر، ج ۴، ۱۳۳۳، ص ۷۸) سلطان احمد نواده الغ‌بیگ (سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۴۵) و محمد جوکی (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۸۳) میرزا شاهرخ پسر ابوسعید میرزا (خواندمیر، ج ۴، ۱۳۳۳، ص ۱۰۱) امیرحسن صوفی ترخان برادر گوهرشاد (فصیح خوافی، ج ۳، ۱۳۳۹، ص ۲۸۸؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۵۳۹)<sup>۱۶</sup> و محمد فرزند امیر محراب ترخان (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۶۲-۷۶۱)<sup>۱۷</sup> در این مکان به خاک سپرده شدند. گرچه از احداث بقعه دیگری توسط گوهرشاد در قصبه کوسویه (کوسان) صحبت می‌شود (مستمندی، ۱۳۴۶، ص ۸-۱۰؛ سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۴۳)، این موضوع در منابع ذکر نشده است. این بقعه احتمالاً متعلق به گوهرشاد نبوده و به تومان‌آغا، از همسران تیمور که این قصبه به‌عنوان سیورغال بدو واگذار شده بود (Doerfer, 1963, I, 228)، تعلق داشته است. زیرا زمانی که حافظ ابرو از مورخان این دوره (وفات ۱۴۳۰م/۸۳۴ق) اثرش به نام زبده‌التواریخ بایسنقری را تحریر می‌کرد، تومان‌آغا هنوز در کوسویه اقامت داشت و حافظ ابرو، عمران و آبادنی رباط، خانقاه، مدرسه و دیگر آثار خیره‌ای را که وی پی‌افکنده بود، قید می‌کند (ابرو، ۴۷۸a؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱).

ملکت‌آغا دیگر همسر شاهرخ نیز از نظرگاه فعالیت‌های عمرانی از گوهرشاد عقب‌نماند، او، ضمن این‌که در جوار مزار خواجه چهل‌گزین<sup>۱۸</sup> مدرسه‌ای احداث کرد (خواندمیر، برگ ۵۵۶a؛ اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۴) در بلخ نیز مدرسه‌ای تأسیس



افزون بر آن، از تدریس قاضی زاده رومی و شخص الغ بیگ در این مدرسه روایت شده است (کاشفی، ۲۵۳۶، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۵؛ خواجه سمرقندی، ۱۳۴۳، ص ۴۵). تعداد دانش پژوهانی که در مدرسه سمرقند تحصیل می کردند بیش از صد نفر بود (دولت شاه سمرقندی، ۱۹۰۱، ص ۳۶۲؛ نجاتی لوقال، ۱۹۶۷، ج ۲، ص ۴۲). هر شاخه ای از علم که اختیار می شد، اکثر اربابان آن فن در سمرقند اقامت داشتند. در علوم طبیعی هم عالمان بزرگی چون قاضی زاده رومی و علی قوشچی (کاشفی، ۲۵۳۶، ج ۱، ص ۲۳۶) که در کوچه و بازار همچون ترک ها رفت و آمد می کردند و نیز غیاث الدین جمشید و معین الدین که الغ بیگ ایشان را از کاشان به سمرقند آورده بود، به چشم می خوردند (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۲). در دامنه تپه کوهک نیز رصدخانه ای ایجاد گردید (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۲ به بعد).<sup>۲۰</sup> همچنین در روبه روی همان مدرسه

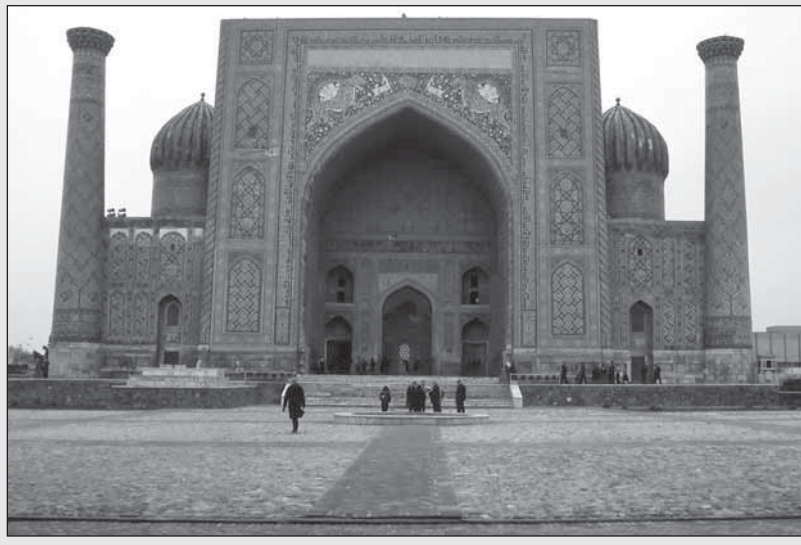
الغ بیگ در سال ۱۴۰۹م (۸۱۲ق) به بخارا رفت، در آن مدرسه اقامت گزید و در بین طلاب و اشخاص مستحق هدایای زیادی پخش نمود (حافظ ابرو، ۴۵۹۵؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۳۹۲). در داخل شهر سمرقند نیز، در نزدیکی ارگ عالی و در موضعی که «سر دو اتیک» می گفتند، مدرسه ای ساخت که بنای آن در سال ۱۴۱۷م/۸۲۰هـ.ق شرع شد و در سال ۱۴۲۰م (۸۲۳ق) خاتمه یافت (حافظ ابرو، ۵۵۹۵؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۱). الغ بیگ بعد از خاتمه بنای مدرسه سمرقند، مولانا خوافی محمد را به عنوان اولین مدرس آنجا تعیین کرد (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۰).<sup>۲۱</sup> خود الغ بیگ همراه با اشخاصی دیگر، بعضی روزها در جلساتی که در مدرسه برپا می گردید، حاضر می شدند و به مباحث علمی می پرداختند (Aydin sayli, 1960, s91). بعضی اوقات بین الغ بیگ و طلاب مدرسه مباحثی در شاخه های مختلف علوم صورت می گرفت (Aydin sayli, 1960, s91).

کرد. وی وقتی در سال ۸۴۴م (۱۴۴۰ق) در کابل وفات یافت در آرامگاهی که به مدرسه خود متصل بود، مدفون گردید (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۵۱). این بانوی نیکوکار، به مانند احداث خانقاه دارالحديث، دارالشفاء (اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۴)<sup>۲۲</sup> و گرمابه ای که در هرات به وی نسبت داده می شود، در نه فرسخی هرات نیز در حد فاصل دره زنگی و چهل دختران<sup>۲۳</sup> رباط وسیعی طرح انداخت (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۶۲۹).

## الغ بیگ

الغ بیگ نیز اندک زمانی بعد از این که از طرف پدرش به حکومت ماوراءالنهر (۱۴۰۹م/۸۱۲ق) تعیین شد به فعالیت های عمرانی پرداخت. بنای مدرسه عالی بخارا که بر سر در آن حدیث «طَلَبُ الْعِلْمِ قَرِيبُهُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»؛ طلب دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است. نوشته شده، در میان ابنیه ای که ساخت اولین مقام را داراست. موقعی که خود





خانقاه دیگری بنا گردید (عبدالرزاق، ۱۳۶۰، ص ۴۲۱؛ بابر، ج ۱، ص ۴۸).<sup>۳۶</sup> الغیبیگ برای اداره مدرسه و خانقاه موقوفات هنگفتی چون کانال‌های آب و مراتع تخصیص داد و زمام امور آن دو بنا را به افراد مجرب واگذار کرد (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۴۲۱).<sup>۳۷</sup>

در عهد الغیبیگ در جوار مدرسه و خانقاه تازه ساخت، گرمابه «میرزایان» نیز ساخته شد که بنا به نوشته بابر، کف آن با سنگ‌های متنوع و زیبا مغروش شده بود. تا آن زمان نظیر گرمابه میرزایان نه در سمرقند و نه در خراسان وجود نداشت (بابر، ج ۱، ص ۴۸). در غرب دامنه تپه کوهک نیز در باغی که «باغ میدان» نامیده می‌شد، چینی‌خانه‌ای ساختند و ظروف و اسبابی را که از چین آورده بودند، در آن قرار دادند.<sup>۳۸</sup>

فرزندان شیخ عمر نیز که بر اصفهان و شیراز حاکم بودند، به‌رغم نزاع‌های طولانی با یکدیگر به فعالیت‌های عمرانی اهتمام ورزیدند. میرزا اسکندر که بلافاصله پس از مرگ تیمور راهی یزد شد، باروی قلعه را به باروی شهر متصل نموده خندقی کند و پلی متحرک در جلوی دروازه شهر برپا داشت و در اندرون قلعه نیز یک قصر عالی سه طبقه و حمام بنا کرد (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۲؛ جعفری، ۱۳۳۸، ص ۴۱). در سال ۸۱۴ق (۱۴۱۱-۱۲م) نیز وی، قلعه جلالی را در شیراز پی‌افکند و دستور داد در گرداگرد آن خندق عمیقی کنند. در اصفهان هم دودانگ و نقش جهان را از شهر جدا کرد و قلعه‌ای از آجر ساخت و خندق اطراف آن را پر از آب نمود. وی، بعد از این‌که در داخل دیوارهای قلعه، باروی دومی را اضافه کرد، عمارت‌های بزرگی نیز مثل گرمابه، بازار، مدرسه و دارالشفا در این محل ساخت. امرای وی نیز به تقلید از او عمارت‌هایی برای خویش

برآوردند (حسینی، ۳۰۲b؛ زریاب‌خویی، ۱۹۶۰، ص ۵۶).<sup>۳۹</sup>

ابراهیم میرزا فرزند دیگر شاهرخ نیز وقتی بعدها والی‌گری فارس بدو واگذار شد، در سال ۸۳۶ق (۱۴۳۲-۳۳م) مدرسه و خانقاهی در شیراز احداث نمود (حسینی، ۳۱۲a؛ زریاب‌خویی، ۱۹۶۰، ص ۷۹). اما این مدرسه مدت مدیدی پابرجا نماند و در سال ۸۴۵ق (۱۴۴۱-۴۲م) به‌سبب بارندگی بی‌وقفه در فارس و جاری شدن سیل، خراب شد (حسینی، ۳۳۰a؛ زریاب‌خویی، ۱۹۶۰، ص ۱۱۱).<sup>۴۰</sup>

برخی از مأموران و عمال دولتی نیز به فعالیت‌های عمرانی همت می‌گماشتند. علی‌که ککلتاش اتابیک و بیگلربیگی شاهرخ، که در سال ۸۴۰م (۸۴۴ق) وفات یافت، مسجد جامعی بنا نهاد (بارتولد، ۱۹۳۰، ص ۱۰۴؛ خواجه ابوطاهر، ص ۵۱). که از آن جمله است آثار خیریه بسیاری که در مرو به نام وی باقی است. (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۱۳)، علاوه بر آن در کنار محله خیابان هرات بناهایی چون مدرسه،<sup>۴۱</sup> خانقاه، و در دروازه عراق یک حمام رخت (عبدالله واعظ، ۱۳۵۱، ص ۸۷؛ سلجوقی، ۱۳۴۳، ص ۹۶) و رباطی نیز در ۵ فرسخی شرق هرات که تاکنون پابرجا مانده است، احداث کرد (خواندمیر، ۱۳۳۳،

ج ۳، ص ۶۲۹).

علیکه ککلتاش که در زمان مرگ بیش از ۹۰ سال داشت، در آرامگاهی، در جوار مدرسه‌ای که خود احداث نموده بود، مدفون گردید (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۴۶؛ خواندمیر، ج ۳، ص ۶۲۹).

می‌دانیم که مسجد جامع، مدرسه، خانقاه و باغی که جلال‌الدین فیروزشاه از امرای نامدار، در هرات پی‌افکنده بود، تا قرن ۱۶ پابرجا بودند (خواندمیر، ۴۶۵b؛ اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۶). گفته می‌شود وی تأسیسات عام‌المنفعه و کاروان‌سراهای زیادی را برای استفاده عموم مردم در نواحی مختلفی ایجاد کرده بود (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۸۴۰).<sup>۴۲</sup>

از دیگر امرای نامدار تیموری امیرشاه ملک بود-وی نخست اتابیک الغیبیگ بود، بعدها هم والی خوارزم شد. امیرشاه ملک زمانی که در هرات منصب اتابیکی داشت، در آن شهر مدرسه (کاشفی، ۲۵۳۶، ج ۲، ص ۴۲۳)، مسجد جامع (خواندمیر، ۴۵۶a؛ اعتمادی، ۱۳۴۵، ص ۱۵) و باغی (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۷۲۳) ساخت و در جوار کوسویه نیز رباطی بنیاد نهاد (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۳۴؛ اسفزاری، ۱۳۳۹، ص ۵۶۹). او سرانجام در مدرسه‌ای که خود در نزدیک

ایرانی شمرده می‌شوند، لیکن از نظر عظمت و نیز نمای بیرونی برتر از نمونه‌های معماری ایرانی هستند. نخستین نوآوری مهم در معماری این دوره ارتفاع بناها و لعاب‌های درخشان بود که جهت مصارف عمومی به کار می‌رفت. برخلاف سبک‌های معماری ادوار سابق، به بزرگی و حجم داخلی گنبدها و منارها نپرداختند، در عین حال سردر همه بناها با مقرنس‌کاری‌های قطره‌ای شکل و در کنار گنبدهای عریض و طویل، گنبدهای گلابی شکل با ویژگی‌های منحصر به فرد به کار برده شدند. استفاده از عناصر و اسلوب نوین بناسازی کاملاً در گنبدهای فوق‌العاده مرتفع به چشم می‌خورد. این نوع گنبد علاوه بر خاصیت حمل‌کننده‌اش، این فایده را داشت که به مکان‌هایی که در زیر آن بود، ارتفاع طبیعی می‌داد.

دیگر عنصر مهم معماری این عصر، وفور رنگ بود که تا آن زمان به این غنا نرسیده بود. چینی‌ها که قسمت اعظم و قابل توجه بنا را تزئین کرده بودند، خطوط و رنگ‌های زیبا و باشکوهی را عرضه می‌کردند. آثار برجسته معماری و ابنیه

ص ۹۸) و باغات (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۲۱۲) احداث نمودند و چاه‌های آب جاری ساختند (کاتب یزدی ۱۳۴۵، ص ۲۲۴؛ جعفری، ۱۳۳۸، ص ۱۵۹).

افزون بر آن، تعداد زیادی مسجد، مدرسه، رباط، خانقاه، پل، آرامگاه، گرمابه و بناهای عام‌المنفعه دیگری که متعلق به دوره‌های سلجوقیان و مغولان بود، در این عصر بازسازی شد و دگرباره مورد استفاده قرار گرفت. تعداد این آثار، بنا به گفته احمد بن حسین علی کاتب-ازمورخان این عهد- به هزار باب می‌رسید (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۸). شهر یزد در زمان تیموریان درخشان‌ترین دوره خود را تجربه کرد. زیبایی شهر به زودی شاهرخ را چنان دچار حیرت کرد که وی پس از قتل اسکندر بن شیخ عمر، زمانی که به شهر یزد رسید (۱۴۱۴م/۸۱۷ق) از بالای بلندی، شهر را نظاره کرده از یکایک ابنیه‌ای که دارای منظره زیبایی شده بودند، سؤال کرد که هریک در چه موضعی است و بانی آن کیست (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۱۴۹).

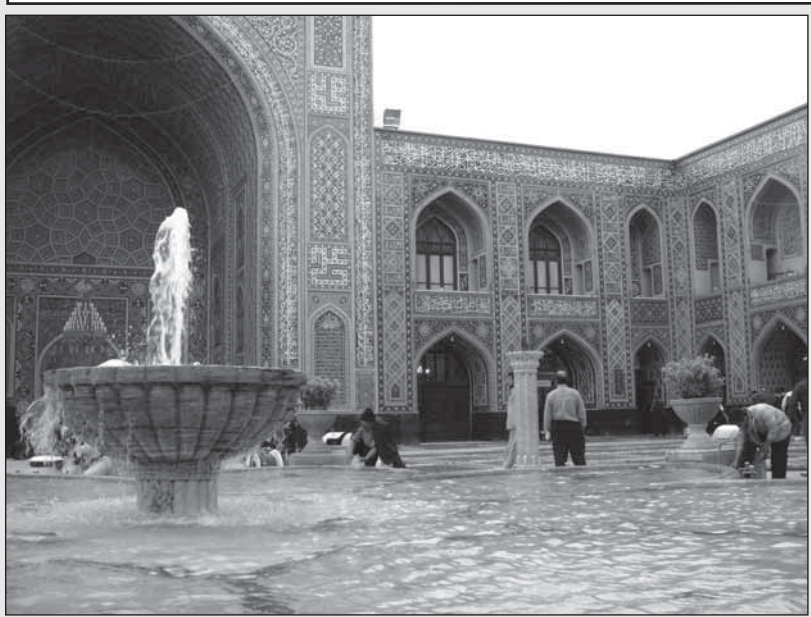
اگرچه عمارت‌هایی که در دوره تیموریان ساخته شد جزو آثار معماری

بارگاه امام رضا در مشهد ساخته بود، به خاک سپرده شد (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۵۶۹).

روبه روی مدرسه‌ای که پریزاد، از زنان خدمتکار گوهرشاد آغا، در مشهد بنا نهاده بود، یوسف خواجه بهادر بن شیخ علی بهادر از امرای نامدار عصر شاهرخ نیز در سال ۱۴۳۹م/۸۴۳ق مدرسه‌ای معروف به «مدرسه دو در» تأسیس کرد و خودش نیز در آرامگاهی که در جوار آن ساخته بود، دفن شد.

مدرسه پیر احمد خوافی (معروف به مدرسه غیاثیه)، از کارکنان دیوان مالیه در خرگرد که بنای آن از سوی قوام‌الدین معمار آغاز شد و به دست غیاث‌الدین معمار در سال ۱۴۴۴م/۸۴۸ق به اتمام رسید و به نام او مدرسه «غیاثیه» نام گرفت (Pope, II, 1127; مشکوتی، ۳۵۷)، همچنین مسجد جامعی (مشکوتی، ص ۳۵۸-۳۵۹) که پیر احمد در همان ایام در تأیید طرح انداخت و مسجد جامع (خواندمیر، ۶۷b) و مدرسه (کاشفی، ۲۵۳۶، ج ۲، ص ۵۴۷) امیرچخماق در هرات در بین ابنیه باشکوه و برجسته این عصر قرار می‌گیرند.

این امیر مملوکی، یعنی امیرچخماق، هنگامی که در اردوی مملوکان بود به جغتایی‌ها پناهنده شد و در نزد جغتایی‌ها از جایگاه والایی برخوردار شد. وی با فاطمه سلطان دختر بایسنقر ازدواج کرد و خصوصاً به سبب اقامت طولانی در یزد به فعالیت‌های عمرانی زیادی دست زد. امیرچخماق و زوجه‌اش در یزد مسجد (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۷؛ جعفری، ۱۳۳۸، ص ۷۹)، کاروانسرا (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۷)، خانقاه (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۷؛ افشار، ۱۳۴۵، ج ۲، ص ۱۹۶)، گرمابه (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۹)، قنادخانه (کاتب یزدی، ۱۳۴۵، ص ۹۹، آسیاب (کاتب یزدی، ۱۳۴۵،



مسجد گوهرشاد، مشهد رضوی

احداث شده، هم از لحاظ فن معماری و هم از جهت تکمیل و توسعه تزئینات، درحقیقت با تلاش‌های معمار نامدار عصر استاد قوام‌الدین شیرازی به نقطه اوج خود رسید، به‌طوری‌که به پیدایش اصطلاح اروپائی «رنسانس تیموری» کمک کرد. عناصر این سبک معماری در قرن ۱۶م/ ۱۰ق به صفویان منتقل شد که تا امروز همواره از مشخصه‌های ویژه این سرزمین محسوب می‌شوند (رویمر، ص ۲۳۶-۲۳۷).

### پی‌نوشت

۱. همچنین علاءالدوله و ابوسعید هم در این محل اقامت گزیدند (گویا اعتمادی، فصلی، ص ۲۷).
۲. قلعه در سال ۸۱۸ هـ. ق (۱۴۱۵ق) نیز به شدت تخریب شد (حافظ ابرو، همان، ۵۱۹a-b؛ عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۲۹۹ و به بعد).
۳. هنگامی که عبدالرزاق سمرقندی در سال ۱۴۷۰م به تألیف اثر خود مشغول بوده از آبادانی این دو بنا یاد کرده است (همان). خواندمیر (وفات ۱۵۳۵) نیز به تدریس آن چهار نفر در این مدرسه و آبادانی خانقاه اشاره کرده است (گویا اعتمادی، همان، ص ۱۵). امیر علیشیر نوایی، هم از تدریس برهان‌الدین عطاءالله رازینی- کسی که شعر می‌سرود و معما طرح می‌کرد- در زمان خویش در این مدرسه ذکر می‌کند (مجالس نفایس، ترجمه فارسی و تصحیح، علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۳ هـ. ش، ص ۴۴).
۴. گفته می‌شود شاهرخ هم مدرسه‌ای در مشهد تأسیس کرد (عبدالحمید مولوی، مسجدشاه، هنر مدرن ۱۳۴۷ هـ. ش) شماره ۷۴/۷۵، ص ۷۵-۷۶؛ گویا اعتمادی، فصلی، ص ۴۴).
۵. از خانمی به نام مهری که در منابع عصر شاهرخ به‌عنوان طبیب حاذق شناخته شده و با گوهرشاد همسر شاهرخ رابطه صمیمی داشت (روضات‌الجنات، ج ۲، ص ۳۵؛ مجالس نفایس، ص ۲۱)، مولانا نظام‌الدین و محمدبن آدم نام برده می‌شود. فرد اخیر که اهل تایباد و فرد دینداری بوده بیمارانش را با تلقین مداوا می‌نموده است (بارتولد، الغیبه و زمان وی، ترجمه اقدس نعمت طاهر اوغلی، استانبول، ۱۹۳۰ ص ۱۱۷؛ سمرقندی، ص ۷۶۲؛ فصیح خوافی، مجمل فصیحی، تصحیح محمود فرخ، مشهد، ۱۳۳۹ هـ. ش، ص ۲۹۰).
۶. کتیبه‌های آن را بایسنقر میرزا نوشته است. درباره این کتیبه‌ها و دیگر ملحقات رک: نصرت‌الله مشکونی، از سلاجقه تا صفویه، تهران، ۱۳۴۳ هـ. ش، ص ۵۳۰ و به بعد.
۷. تاریخ ساخت مسجد جامع روشن نیست اما احتمالاً



این بنا همزمان با مدرسه گوهرشاد احداث شده است. زیرا از مرگ محمد الوند-کسی که به‌خاطر عزل شیخ شهاب‌الدین امام و کاتب این مسجد، جانشین وی گردیده بود در اثری بیماری وبا که در سال ۱۴۳۵ روی داد-سخن به میان می‌آید (عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۶۴۷؛ فصیح خوافی، همان، ص ۲۷۵؛ خواندمیر، همان، ج ۴، ص ۱۳). درباره فعالیت‌های جعفر خطاط رک:

M. Kemal Ozergin, Temurlu Sanatma ait eski bir belge: Tebrizli Cafer Bir Arzio Istanbul Edebiyat Rakultesi, Sanat Tarihi yilligi (1976), VI, 471-518.

۸. پریزاد، یکی از جاریه‌های گوهرشاد، نیز در مشهد مدرسه‌ای بنا نهاده بود (مشکونی، همان، ص ۳۵۴). این مدرسه اکنون در داخل حرم رضوی قرار دارد.
۹. گویا اعتمادی، فصلی، ص ۱۷. علیشیر نوایی (مجالس النفایس، ص ۹۲-۹۱) از تدریس کمال‌الدین مسعود شیروانی در این مدرسه که در حدود ۱۰۰ نفر طلبه داشت (درباره وی رک: خواندمیر، حبیب‌السیر، ج ۴، ص ۳۴۳) می‌نویسد. کمال‌الدین مسعود به شاعری نیز متمایل بود و اشعارش موجود است.
۱۰. درباره نقشه مدرسه رک:

Arthur Pope, A Survey of Persian Art, London-Newyork 1939, II, 1129.

۱۱. او در روز شنبه هفتم جمادی‌الاول سال ۸۳۷ (بیستم دسامبر ۱۴۳۳) وفات یافت (همان، ص ۶۵۷، فصیح خوافی، همان، ج ۳، ص ۲۷۲).
۱۲. درباره کتیبه رک: خیابان، ص ۱۹.
۱۳. بدین جهت فصیح خوافی (همان، ص ۲۸۹) مرگ وی را در روز جمعه ۱۲ شعبان سال ۸۴۴ (۶ ژانویه ۱۴۴۱) و خاک‌سپاری وی را در باغ امیرشاه ملک بیان می‌کند.
۱۴. فصیحی (همان، ص ۲۹۰) می‌نویسد که وی در روز پنج‌شنبه ۲۴ محرم سال ۸۴۵ (۱۱ حزیران ۱۴۴۱)

وفات یافت.

۱۵. گفته می‌شود بعدها الغیبه جسد پدرش را به سمرقند منتقل نمود و در مقبره‌ای که تیمور و بعضی از منسوبین خانواده‌اش در آن دفن شده بودند، به خاک سپرد (عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۹۶۰ و ۹۶۳؛ میرخواند، روضه‌الصفاء، تهران، ۱۳۳۸ هـ. ش، ج ۶، ص ۷۵۴؛ خواندمیر، حبیب‌السیر، ج ۴، ص ۲۹). درباره کتیبه سنگ قبر، رک:

A. A. Semenov, Gur-I Emir Turbesindeki Timur un ve Ahfadinin Mezar Kitabeleri, Cev Abdulkadir Inan, belleten (196), XXIV/93, s154v.vd.

در این مقاله انتقال جسد شاهرخ توسط پاینده بیگم دختر شاهرخ به سمرقند، گذاردن لحد و سنگ قبر توسط وی ذکر می‌گردد. هرچند سیمونف در بین منابع مورد ملاحظه از این دختر شاهرخ نام نمی‌برد (ص ۱۵۵) در معزالانساب نام این دختر شاهرخ را می‌بینیم (Birt.mus.or.467,13).

۱۶. در منابع از دفن گوهرشاد در این مکان صحبت می‌شود، حتی امروزه در بین منابع از دفن وی در هرات هم صحبت می‌شود. برای نمونه رک: میرخواند، همان، ج ۶، ص ۸۳۵. مدرسه گوهرشاد آغا که... مدفن مهدعلیا...

۱۷. عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۵۳۹. فصیح خوافی می‌گوید (همان، ص ۲۵۵) او در پنجم رجب سال ۸۲۷ (۳ ژوئن ۱۴۲۴) وفات یافت.

۱۸. درباره نقشه مقبره رک: A. Pope, Persian, Art, II, 1135

۱۹. این مکان که در آن زمان در پشت باغ زاغان قرار داشت و به‌عنوان قبرستان شناخته می‌شد، امروزه رو به ویرانی نهاده است. برای توصیف این محل رک: سید اصیل‌الدین عبدالله واعظ، مقصد الاقبال سلطانیه و مرصاد آمال خاقانیه، تصحیح مایل هروی، تهران، ۱۳۵۱ هـ. ش، ص ۴۵؛ همان، تصحیح فکری سلجوقی، کابل، ۱۹۶۷، ص ۵۹.

۲۰. در این مدرسه در اوایل قرن ۱۶ غیاث‌الدین بهار آبادی تدریس می‌کرد (خواندمیر، خلاصه‌الخبار، ۴۷۴a؛ گویا اعتمادی، فصلی، ص ۴۹).

۲۱. زمانی که خواندمیر آثار خویش را تألیف می‌کرد درویش علی طبیب نیز در این محل تدریس و بیماران را معالجه می‌نمود (خواندمیر، خلاصه‌الخبار، ص ۴۷۴b؛ گویا اعتمادی، فصلی، ص ۵۰).

۲۲. درباره این محل و توصیف آن رک: اسفزاری، همان، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲۳. برای وضعیت مدرسه در قرون بعدی رک: بارتولد، الغیبه و زمان وی، ص ۱۰۳.

۲۴. ... روزی در هرات مولانا علی قوشچی به هیئت و رسم ترکان جغتایی عجیب بر میان بسته...

۲۵. درباره فعالیت‌های رصدخانه سمرقند رک: Aydin Sayli, The Observatory in Islam, Ankara 1960, s. 260-289 Aydin Sayli, The Observatory in Islam, Ankara 1960, s. 260; ayni muelhf, Ulug Bey ve



نجاتی لوقال، آنکارا، ج ۲، ۱۹۶۷.

۱۷. کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی. **تاریخ جدید یزد**، به تصحیح ایرج افشار، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۵ ه. ش.

۱۸. کوهستانی، مسعود. **تاریخ ابوالخیر خانی**، موزه بریتانیا، ضمیمه 324a-b26.

۱۹. مستمندی، گویا، **بنایی به نام گوهرشاد در کوسان هرات**، آریانا (۱۳۴۶ ه. ش)، شماره ۲۷۴.

۲۰. میرخواند، **روضه الصفا**، تهران، ۱۳۳۸ ه. ش.

۲۱. نوایی، امیر علیشیر. **مجلس نفایس**، ترجمه فارسی و تصحیح، علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۳ ه. ش.

۲۲. واصفی هروی، **بدایع الوقایع** در تاریخ سمرقند، هرات، تاشکند، بخارا و بدخشان. به کوشش الکساندر بولدیرو، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ج ۱، ۱۳۴۹ ه. ش.

۲۳. واعظ، اصیل الدین عبدالله. **مقصد الاقبال السلطانی**، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۸.

۲۴. هروی، سیف بن محمد بن یعقوب، **تاریخ نامه هرات**، تصحیح محمد زبیر صدیقی، کلکته، ۱۹۴۴.

۲۵. یزدی، شریف الدین علی، **ظفرنامه**، تصحیح محمد عباسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۳۶ ه. ش.

26. Aka, Ismail. XV. Yuzylin ilk yarisinda Timurlular;da Zirai ve Ticari faaliyetler, Tarih Enstitusu Dergisi (1979-80), X-XI, s117v. dv.

27. Aubin, Jean. Le Mecenat Timouride a Chiraz, studia Islamica (1957), VIII, 76.

28. Babur. Gazi Zahiruddin Muhammad. Vakayi, dogu Turkesinden ceviren Rasit Rahmati Arat, Ankara, I, 1943.

29. Doerfer, Turkische Und Mongolische Elemente im Neupersische, Wiesbsden, I, 1963.

30. Ozergin, M. Kemal. Temurlu Sanatina ait eski bir belge: Tebrizli Caferin Bir Arzio Istanbul Edebiyat Fakultesi, Sanat Tarihi yilligi (1976).

31. Pope, Arthur. A Survey of Persian Art, London-Newyork 1939.

32. Roemer, Hans Robet. Timurlular, I. A (islam ansiklopedisi), Istanbul, milli egitim basim evi, 1975.

32. Sayli, Aydin. Ulug bey ve Semerkanddeki ilim faaliyeti hakkında Giyasuddin kasinin mektubu, Ankara 1960o metino s57 turkce terc, s91.

33. -----, The Observatory in Islam, Ankara 1960, s.260-289 Aydin Sayli, The Observatory in Islam, Ankara 1960.

آنها، خانه، مغازه و اراضی وقف نمود (حافظ ابرو، زبده التواریخ، ۵۹۹b؛ عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۵۶۸ و به بعد).

۳۴. درباره وقف نامه آن رک: ایرج افشار، یادگارهای یزد، تهران، ۱۳۵۴ ه. ش، ج ۲، ص ۱۶۲ و به بعد.

**منابع**

۱. ابرو، حافظ، **زبده التواریخ بایستغری**، نسخه کتابخانه فاتح، شماره 4370/465a.

۲. ابن عربشاه. **عجایب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور**. ترجمه فارسی، محمدعلی نجاتی، تهران، ۱۳۳۹ ه. ش.

۳. اسفزاری، معین الدین زمجی. **روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات**. تصحیح محمدکاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۳۹ ه. ش.

۴. افشار، ایرج. **یادگارهای یزد**، تهران، ج ۲، ۱۳۵۴ ه. ش.

۵. الحسینی، جعفر بن محمد، **تاریخ کبیر**، کتابخانه عمومی لنینگراد - ترجمه به زبان آلمانی، عباس زریاب خویی،

6. Der Berich uber Die Nachfolger Timurs aus dem Tarih-i J. Aubin, Le Mecenat, s75; Kabir des Gafari b. Muhammad al-husaini, maninz 1960-s56.

۷. الکاشفی، علی بن الوعظ. **رشحات عین الحیات**، تصحیح، علی اصغر معینان، تهران، بنیاد نیکوکاری نورانی، ج ۱، ۲۵۳۶.

۸. بارتولد، **تذکره جغرافیایی ایران**، ترجمه فارسی، حمزه سردادور، تهران، انتشارات توس، ۱۳۰۸ ه. ش.

۹. جعفری، جعفر بن محمد، **تاریخ یزد**، تصحیح ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸ ه. ش.

۱۰. خواجه سمرقندی، ابوطاهر. **سرمایه**، تصحیح ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۳ ه. ش.

۱۱. خواندمیر، **فصلی از خلاصه الاخبار**، تصحیح گویا اعتمادی، کابل، ۱۳۴۵ ه. ش.

۱۲. ----- **حبیب السیر**، تصحیح محمد دبیرسیاقی و مقدمه جلال الدین همایی، تهران، انتشارات خیام، ج ۴، ۱۳۳۳ ه. ش.

۱۳. ----- **خلاصه الاخبار**، کتابخانه ایاصوفیا، شماره 3190/465a.

۱۴. سلجوقی، فکری، خیابان، کابل، انجمن جامی، ۱۳۴۳ ه. ش.

۱۵. سمرقندی، عبدالرزاق. **مطلع السعدین و مجمع البحرین**، تصحیح، محمد شفیع، لاهور، ۱۳۶۰، ص ۱۹۱-۱۹۰.

۱۶. سمرقندی، دولتشاه. **تذکره الشعرا**، تصحیح ادوارد براون، لیدن-لندن، ۱۹۰۱م، ص ۳۶۲؛ ترجمه ترکی،

Semerkand'deki ilim Faaliyeti hakkında Giyasuddin-i Kasinin mektubu, s7-31; Ulug Bey ve Zamanios 110 v. vd.

۲۶. «گنبد خانقاه فوق العاده بزرگ است. می گویند هیچ گنبدی در عالم به بزرگی آن وجود ندارد».

۲۷. مؤلف زیاد بودن درآمد موقوفه نسبت به مخارج آن و جمع آوری کردن پول را در آنجا بیان می کند.

۲۸. برای توصیفات این بنا رک: بابر، همان، ص ۴۹. ولی این جا در زمان الغیبیگ، در سال ۸۵۲ (۱۴۴۸) در زمان اقامت در خراسان، توسط اوزبیکان غارت و تخریب شد (عبدالرزاق سمرقندی، همان، ص ۹۵۸ و به بعد؛ اسفزاری، روضات الجنات، ج ۲، ۱۴۴). درحالی که مسعود کوهستانی مورخ ابوالخیر (تاریخ ابوالخیرخانی، موزه بریتانیا، ضمیمه 324a-b) از اقدام ابوالخیرخان در ممانعت از غارت آنجا و ملاقات او با اهالی سمرقند صحبت می کند. درباره آثار الغیبیگ در سمرقند رک: الغیبیگ و زمان وی، ص ۱۰۱ و به بعد.

۲۹. در بین بناهای ساخته شده در اصفهان در این دوره از بیوت الشتا (لطف الله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تهران ۱۳۵۰ ه. ش، ص ۱۲۱ و به بعد) و تالار تیموری (همان، ص ۳۲۷) که توسط عمادین مظفر ورزنی به سال ۸۵۱ (۱۴۴۷) احداث شده اند ذکر می شود. اما این که این آثار به دستور کی بنا شده است، معلوم نیست.

۳۰. کتیبه های مدرسه را خود ابراهیم سلطان نوشته بود (قاضی احمد قمی، گلستان هنر، تصحیح، احمد سهیلی خوانساری، تهران ۱۳۵۲ ه. ش، ص ۳۰).

۳۱. تاریخ ساخت مدرسه بایستی پیش از سال ۸۳۸ (۱۳۴۳-۳۵) باشد، زیرا در این تاریخ نورالله الخوارزمی که در آنجا تدریس می کرد (درخصوص وی رک: مقصد الاقبال سلطانی، تصحیح مایل هروی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، ۱۳۵۱، ص ۸۳-۸۳). همان، تصحیح فکری سلجوقی، همان، ص ۹۱-۹۰؛ خواندمیر، حبیب السیر، ج ۳، ص ۱۳) وفات نمود (مجمل فصیحی، ص ۲۷۵) خواندمیر، هنگام ذکر دو مدرس این مدرسه در زمان خودش (خلاصه الاخبار، ۴۷۶b؛ گویا اعتمادی، فصلی، ص ۲۱) از یکی از این دو به نام امیر شمس الدین محمد بن یوسف نام می برد (همان، ۴۷۲a؛ گویا اعتمادی، همان، ص ۴۳) از پابرجا بودن خانقاه و مدرسه تا اوایل قرن بیستم صحبت می شود (فکری سلجوقی، رساله مزارات هرات، کابل، ۱۹۶۷، ص ۱۸۸، شماره ۲).

۳۲. امیر مذکور، در آرامگاهی واقع در جوار مدرسه ای در اطراف پل انجیل به خاک سپرده شد. شیخ محمد قیرنگی از مدرسان آن در سال ۸۳۸ وفات یافت (مجمل فصیحی، ص ۲۷۶).

۳۳. درباره آرامگاهی که اینک در جوار بارگاه امام رضا بدو نسبت داده می شود رک: عبدالحمید مولوی، مسجدشاه یا مقبره امیر غیاث الدین ملکشاه (هنر مدرن ۱۳۴۷)، شماره ۷۴/۷۵، ص ۷۵-۹۲ او در مناطق مختلف قلمرو تیموریان سی بنای عام المنفعه شامل مسجد، مدرسه، خانقاه، رباط و حوض بنا نهاد و برای



محمدنقی صالحی

دبیر تاریخ زنجان

# پیآمدهای اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم

کلیدواژه‌ها: اشغال، ایران، متفقین.

## مقدمه

با آغاز جنگ جهانی دوم در اول سپتامبر ۱۹۳۹ م. / ۹ شهریور ۱۳۱۸ ش.، دولت ایران بی‌طرفی خود در این جنگ را رسماً اعلام کرد. اما طولی نکشید که با حمله آلمان به شوروی، دامنه جنگ به مرزهای ایران نیز کشیده شد. موقعیت راهبردی و سوق‌الجیشی ایران از یک سو و اهداف سیاسی و نظامی متفقین از سوی دیگر موجب گردید تا در سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ ش. ارتش شوروی از شمال و ارتش انگلیس از جنوب و غرب - به بهانه حضور جاسوسان آلمانی در ایران - وارد کشور ما شوند و پس از تصرف شهرهای سر راه، به سوی تهران پیش‌روی کنند. در پی این رویداد، طی چند هفته، ارتش ایران به سرعت متلاشی شد. رضاشاه استعفا داد و در ۲۵ شهریور فرزندش محمدرضا با کمک محمدعلی فروغی و موافقت متفقین به سلطنت رسید.

متفقین پس از اشغال ایران و در طی سال‌های جنگ و پس از آن، کلیه منابع و امکانات ایران از قبیل راه‌آهن سراسری، نفت، وسایل حمل و نقل، کارخانجات، گمرکات، تولیدات کشاورزی و دامی و نیروی انسانی و... ایران را تصاحب کردند. غارت منابع و امکانات ایران در مجموع سر به میلیاردها ریال زد، و این در حالی بود که کشور در آتش قحطی، ناامنی، بیماری و فقر می‌سوخت. به علاوه، فشارهای سیاسی و دخالت‌های اشغالگران موجب ناپایداری دولت‌های ایران در سال‌های اشغال شد. در مدت چهار سال نزدیک به ده دولت در ایران روی کار آمدند. مداخله اشغالگران در امور داخلی ایران، عوامل و عناصر نامطلوب را بر شئون سیاسی کشور حاکم گردانید. روس‌ها و انگلیسی‌ها، خود شورش‌ها و قیام‌های متعددی را در مناطق مختلف ایران ترتیب دادند که به هرج و مرج، ناامنی و بی‌ثباتی بیشتر کشور منجر شد و سال‌ها طول کشید تا ایران شرایط عادی خود را بازیابد. در این مقاله گوشه‌هایی از پیآمدهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی اشغال ایران در این جنگ را، به اختصار، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## الف. پیآمدهای اقتصادی

یکی از مهم‌ترین پیآمدهای اشغال ایران، گسیختگی و ناپسامانی اقتصادی بود. محمدعلی کاتوزیان می‌نویسد: «پیآمدهای اقتصادی اشغال ایران ویران‌کننده بود. متفقین به مواد غذایی، توتون، مواد خام و جز این‌ها برای مصارف نیروهای خود در ایران و سایر نقاط نیاز داشتند. از این‌رو دولت ایران را عملاً وادار کردند تا این منابع اقتصادی را در اختیارشان قرار دهد. این اقدام با استفاده از «سیاست» پولی و به‌ویژه کاهش ارزش پول ایران، بسط عرضه پول و افزایش اعتبارات انگلیس و شوروی به انجام رسید... به زبان ساده، کل قضیه، یعنی کاهش ارزش پول، انتشار اسکناس و اعطای وام به انگلیس و شوروی دزدی مسلحانه‌ای بود از ملتی بسیار ضعیف و فقیر...» (کاتوزیان، ۱۸۷)

**مخبر السلطنه** هدایت نیز در کتاب «خاطرات و خطرات» در خصوص اوضاع اقتصادی دوران اشغال ایران و پس از آن، چنین می‌نویسد: «... ملت گرفتار تنگی و گرانی نرخ‌ها، ... دولت را مجبور به چاپ کاغذ کردند و خریدهای خودشان را به پول مملکت بر گذار کردند و گفتند در مقابل، طلا ذخیره کرده آخر سر قرص خودمان را می‌پردازیم. مقداری هم طلا به بانک رساندند. مبالغ گزاف طلبکار ماندیم؛ که روسیه در مقابل تا امروز که دهم فروردین ۱۳۲۷ است گراوغلی می‌خواند و امریکا جنس می‌پردازد غالب بی‌مصرف. هنوز نرخ‌ها بالاست؛ مردم در زحمت و نگرانی...» (هدایت، ۴۲۶)

**به‌طور کلی ابعاد اقدامات اقتصادی و چپاولگری‌های متفقین که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارت بود از:**

۱. تصاحب مناطق نفتی و بهره‌برداری

از نفت ایران

اهمیت راهبردی نفت ایران در جنگ

حمل و نقل و موتوریزه و هواپیماها از معدن نفت جنوب که امتیاز آنرا انگلیس ها دارند حداکثر استفاده را نمودند و نفت ایران در تسهیل عملیات جنگی آن ها رُل عمده ای را بازی نمود. وزارت امور خارجه از مقدار استفاده هایی که از نفت ایران شده اطلاع کامل ندارد و شاید وزارت دارایی اطلاع داشته باشد.» [تبرائیان، ۴ - ۵۸۳]

## ۲. تسلط بر راه های ارتباطی به ویژه راه آهن ایران

راه آهن سراسری ایران که در دوران حکومت رضاشاه احداث شد، پس از اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰، به تصرف نیروهای نظامی اشغالگر روس و انگلیس درآمد و همین خط آهن یکی از عوامل عمده پیروزی متفقین در

نفت ایران توسط متفقین در زمان اشغال را نقل می کنیم.

وزارت امور خارجه

اداره سوم سیاسی

تاریخ تحریر: ۲۰/۲۳۱۱

استفاده از نفت:

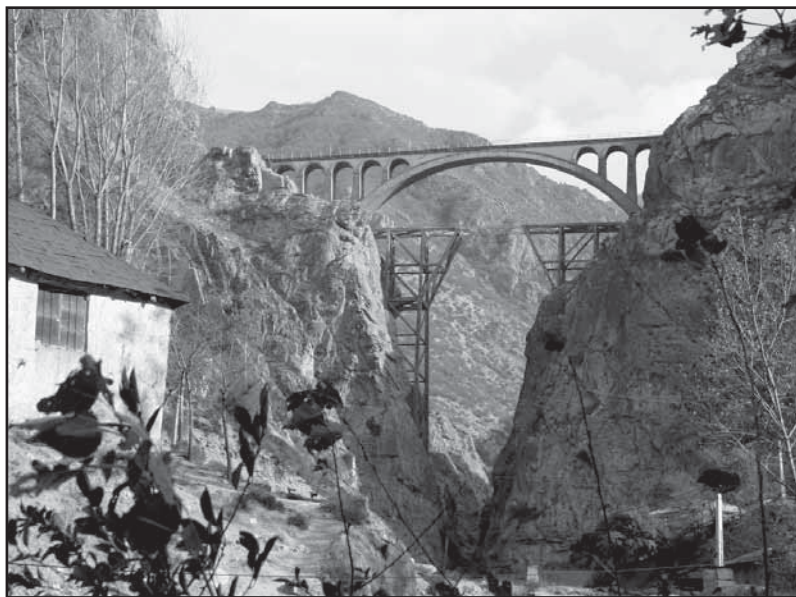
اهمیت نفت در پیشرفت جنگ به حدی روشن است که توضیح در این قسمت را زاید دانسته و فقط متذکر می گردد که متفقین ما در این جنگ از چنین ماده حیاتی که در این سرزمین به اختیار آن ها گذاشته شده بود کاملاً بهره مند شده و در آن موقعی که از معادن مهم نفت برمه و هند هلند محروم شده بودند و امنیت راه های مدیترانه و دریای احمر در خطر افتاده بود... برای مصرف سوخت کشتی ها، ماشین آلات، وسائط

جهانی دوم بر کسی پوشیده نیست. اساساً این نفت ایران بود که ماشین جنگی متفقین را سرپا نگهداشت. «متفقین با در پیش گرفتن سیاست استخراج نامحدود نفت از چاه های ایران و تأمین نیازهای سوختی ارتش های خود به طور رایگان از نفت ایران، ضمن چپاول ثروت ایران، از مخارج ماشین جنگی خود به طرز فاحشی کاستند...» [الهی، ۶ - ۲۰۵]

بی شک نفت ایران، که با ظرفیت چند برابر بهره برداری می شد، یکی از عوامل اصلی پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم بود. مشخص نشد چه مقدار و چگونه این ثروت ملی مردم ایران در دوران جنگ و اشغال به غارت رفت. یادداشتی از وزارت امور خارجه ایران در خصوص استفاده از

◀ بی شک نفت ایران، که با ظرفیت چند برابر بهره برداری می شد، یکی از عوامل اصلی پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم بود. مشخص نشد چه مقدار و چگونه این ثروت ملی مردم ایران در دوران جنگ و اشغال به غارت رفت





## ◀ چرچیل نخست‌وزیر زمان جنگ انگلیس «پل ورسک» در مسیر راه‌آهن سراسری ایران را «پل پیروزی» لقب داد

کشاورزی و دام‌های کشور را در مناطق  
اشغالی چپاول می‌کردند. «سیاست اقتصادی  
شوروی در ایران در طی جنگ جز استثمار  
و بهره‌برداری از منابع ایران هدف دیگری  
نداشت. در پائیز سال ۱۹۴۲ (۱۳۲۱) دولت  
شوروی قراردادی با ایران منعقد کرد که  
به موجب آن دولت ایران متعهد شد که  
برای برآوردن نیازهای شوروی سالیانه  
۷۰۰۰ تن گندم و ۱۵۰۰۰ تن جو و ۲۰۰۰۰  
تن برنج به دولت شوروی تحویل دهد...»  
[ذوقی، ۱۳۵]

### ۴. کنترل گمرکات شمال و جنوب

#### کشور توسط قوای اشغالگر

قوای اشغالگر گمرکات ایران را در  
کنترل خود گرفتند و مأموران ایرانی را  
از محل کار خود راندند. بنابراین ورود و  
خروج هر نوع کالا با نظر متفقین صورت  
می‌گرفت. معلوم بود که بدین ترتیب منابع  
کشور توسط عوامل متفقین خارج می‌گردید  
و به جای آن، در آن شرایط قحطی، کالاهای  
مصرفی با چندین برابر قیمت واقعی وارد  
می‌شد.

«... در طول مدت جنگ مرزهای بین  
دو کشور ایران و شوروی عملاً از میان  
برداشته شده بود. گمرکات مرزهای شمالی  
نیز عملاً از میان برداشته شده بود. کارکنان  
ایرانی گمرک از محل کار خود رانده  
شده و اصولاً امور گمرکی نیز صورت  
نمی‌گرفت...» [همان، ۱۳۰]

### ۵. در اختیار گرفتن وسایل حمل و نقل

#### خصوصی و ملی

در طول جنگ، کلیه وسایل حمل و نقل

درصد، متفقین نزدیک به ۱۴۰ میلیون دلار  
به ایران بدهکارند، حال آن‌که آن‌ها تنها  
حاضر به پرداخت ۵/۲ میلیون دلار بودند  
و ظاهراً دولت ایران نیز از دریافت این مبلغ  
خشنود بود...» [کاتوزیان، ۱۸۸]

سیستم حمل و نقل کالا و مواد مصرفی  
و غذا در سطح کشور به کلی از هم پاشید  
و گرانی و قحطی را گسترش داد. اثرات  
مخرب از هم گسیختگی خطوط ارتباطی  
و فرسودگی وسایط نقلیه در ایران حتی  
سال‌ها بعد از خاتمه جنگ ادامه یافت و  
ضایعات مالی و جانی غیرقابل محاسبه‌ای  
به وجود آورد.

### ۳. استثمار و بهره‌برداری از منابع

#### کشاورزی

در شرایطی که مردم با کمبود ارزاق  
عمومی مواجه بودند، عده زیادی از مردم  
در شهرهای مختلف ایران بر اثر قحطی و  
گرسنگی تلف می‌شدند. متفقین تولیدات  
کشاورزی دام‌های مردم را می‌ربودند و  
درختان جنگل‌ها را می‌بریدند و مورد  
استفاده قرار می‌دادند. انگلیسی‌ها حتی  
قسمتی از احتیاجات غذایی نظامیان خود در  
عراق را از ایران تأمین می‌کردند [تبرائیان،  
۲۳۷] و روس‌ها نیز همین‌طور منابع

جنگ جهانی دوم گردید. به‌طوری‌که  
چرچیل نخست‌وزیر زمان جنگ انگلیس  
«پل ورسک» در مسیر راه‌آهن سراسری  
ایران را «پل پیروزی» لقب داد. این راه‌آهن  
با چندین بربر ظرفیت مورد بهره‌برداری  
متفقین قرار گرفت و در پایان جنگ  
تقریباً مستهلک شده بود. مردم ایران برای  
مسافرت و یا حمل بار از متفقین اجازه  
می‌گرفتند. روس‌ها راه‌آهن شمال را به‌طور  
کامل در اختیار گرفته بودند.

«روس‌ها تمام راه‌آهن و راه‌های شمال  
کشور در استان‌های پنج‌گانه شمال را مورد  
استفاده تام و تمام خود قرار داده بودند  
ولی نگهداری و تعمیرات راه‌آهن و راه‌ها  
همچنان به عهده دولت ایران بود و تنها حق  
عبور ناچیزی به دولت ایران می‌پرداختند که  
آن‌را هم بعدها قطع کردند و به بهره‌برداری  
کامل از خطوط و راه‌ها پرداختند...» [ذوقی،  
۱۲۷]

متفقین طبق قرارداد متعهد شده بودند  
که در مقابل استفاده از راه‌آهن سراسری  
ایران ۶ درصد سود به ایران بدهند، اما  
پس از چهار سال استفاده رایگان به تعهد  
و توافق خود عمل نمی‌کنند و مبلغ ناچیزی  
به ایران می‌دهند. «... براساس نرخ بهره ۶



## ب. پی‌آمدهای سیاسی و امنیتی اشغال ایران

### ۱. فشارهای سیاسی

رفتار و خواسته‌های متفقین در ایران به‌نحوی بود که می‌توان آن‌را به سیاست مشخص و شناخته شده دولت‌های انگلیس و شوروی، در آن زمان، در جهت تضعیف حکومت مرکزی و تدارک زمینه لازم برای دخالت در امور کشور توجیه کرد.

«... مقامات انگلیس و شوروی با این اندیشه نابجا که ایران در اشغال و تصرف نیروهای نظامی آن دو دولت است، علی‌رغم مفاد پیمان اتحاد سه جانبه، هر یک به‌نحوی در امور ایران مداخله و موجبات ضعف دولت‌ها و چیرگی عوامل و عناصر مخرب را بر شئون سیاسی کشور فراهم می‌ساختند...» [بیانی، ۲ - ۸۱]

از فشارهای سیاسی دیگر، دایر کردن کنسولگری‌های روس در اغلب شهرهای ایران برای کنترل و دخالت مستقیم در امور داخلی ایران بود: «... دولت شوروی از اشغال ایالات شمالی ایران بهره‌برداری خوبی در جهت توسعه کنسولگری‌های خود در ایران نمود. کمی پس از اشغال ایالات شمالی، دولت شوروی رسماً از دولت ایران خواست تا کنسولگری‌های شوروی در تبریز، مشهد، رشت، شیراز، اهواز، اصفهان، کرمان، کرمانشاه، بندرعباس و خرمشهر دایر گردند. تا قبل از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ شوروی تنها یک کنسولگری در بندرپهلوی و ایران نیز تنها یک کنسولگری در باکو داشت. دولت ایران با تقاضای تأسیس کنسولگری‌های شوروی در تبریز و مشهد، مشروط به تأسیس کنسولگری‌های ایران در تفلیس و اشک [عشق] آباد، موافقت کرد...» [ذوقی، ۱۳۳]

### ۲. دخالت در انتخابات مجلس

متفقین تلاش می‌کردند عوامل و

داد، هیچ جوابی نداده‌اند. لاعلاج به آستان مقدس شکایت نمودم. سه ماه است ماشین را خریدم ۸۰۰۰۰ ریال بدهکار، دارای چند نفر عائله هستم، طلبکار فشار آورده برای پول هیچ راهی ندارم. در خامه راضی نشوید ۲۵ نفر عائله از بین بروند. ورود به دفتر ریاست وزراء  
شماره: ۸۴۰۴

تاریخ ۲۴/۲۰/۲۰۷ [تبرائیان، ۱۵۰]

### ۶. تصاحب تجهیزات نظامی و کارخانجات مهمات‌سازی ایران

روس‌ها مقادیر زیادی سلاح و مهمات ارتش ایران را غصب و مصادره کرده و به شوروی حمل می‌نمایند. دولت ایران برای جلوگیری از این امر و کسب رضایت روس‌ها ناگزیر به عقد معاهده‌ای با دولت شوروی می‌شود. به موجب این معاهده که در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۴۳ به امضاء می‌رسد کارخانه‌های اسلحه‌سازی ایران زیر نظر و با مشورت متخصصین فنی شوروی اقدام به تولید سفارشات ارتش سرخ می‌کند و دولت ایران متعهد می‌شود تا ۸۰ درصد تولیدات کارخانه‌های مهمات‌سازی خود را نیز در اختیار شوروی قرار دهد. کلیه مخارج و هزینه‌های تولید این کارخانجات در طول مدت قرارداد به‌عهده دولت ایران بود و تعیین قیمت محصولات آن‌ها که دولت شوروی متعهد به پرداخت آن بود به آینده موکول شد [ذوقی، ۱۳۴]

### ۷. در اختیار گرفتن بنادر جنوب و شمال

بنادر جنوب کشور در اختیار انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها قرار داشت و بنادر شمال در کنترل روس‌ها بود. کارکنان بنادر ایران اخراج شده و یا در استعمار متفقین بودند. «علاوه بر راه‌ها و راه‌آهن، دولت شوروی تمام بنادر شمال را با تمام شمال را با تمام متعلقات آن در اختیار خود گرفته بود...» [همان، ۱۳۷]

خصوصی و ملی ایران نیز توسط روس‌ها و انگلیسی‌ها برای حمل و نقل مهمات و مواد غذایی و نفقات ارتش خود، مصادره شد. این درحالی بود که در کل ایران بیش از چهار هزار کامیون وجود نداشت. «... تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ چهار هزار دستگاه کامیون برای رفع حوائج ایران موجود بود که در شهریور ۱۳۲۰ ششصد دستگاه کامیون را مأمورین شوروی برای احتیاجات خود مصادره کردند. اتحادیه بازرگانی انگلیس U. K. C. C هم برای حمل و نقل مواد و مهمات از جنوب به شمال ایران متجاوز از دو هزار دستگاه از کامیون‌های ایران را تصاحب کرد و بقیه هم به‌علت کمبود لاستیک از کار افتادند...» [همان، ۸ - ۱۳۷]

و در سند دیگری، از مصادره کامیون‌های ایرانی توسط نظامیان ارتش سرخ برای حمل آذوقه، مهمات و نفقات تصریح شده است که در اینجا به اصل سند اشاره می‌کنیم.

وزارت پست و تلگراف و تلفن  
تلگراف از دامغان

تاریخ وصول: ۲۳/۷/۱۳۲۰

دفتر مخصوص شاهنشاهی، رونوشت  
ریاست وزراء، رونوشت مجلس شورا  
چهارم شهریور در شاهرود نظامی‌های ایران ماشین اسودیکر [کذا] باری شماره ۲۷۹۹ ط، ماتور [= موتور] ۱۶۹۶۵۸، پروانه گمرک ۵۵۹۷ خرمشهر، به نام علی اکبر فدائیان را گرفته بین راه گرگان با قشون سرخ مصادف نمود، [سربازان قشون سرخ] ماشین را از نظامی‌های ایران گرفته به گرگان برده، حقیر گرگان رفته عریضه به کاپیتان رئیس قشون سرخ نموده، ذیل عریضه به سربازخانه نوشته ماشین را تحویل بدهند. سربازخانه جواب داد ماشین را به عشق آباد بردند. تلگراف [به] سفارت شوروی، وزارت خارجه از گرگان نمود، عریضه به سفارت انگلیس و مجلس شورا



طرفداران خود را به هر شکلی که شده وارد مجلس کنند و به اهداف سیاسی و غارت منابع این ملت و دیگر اعمال نامشروع خود صورت قانونی بدهند. راه دیگری که شوروی و انگلیس برای اعمال نفوذ بیشتر در ایران در نظر داشتند همان دخالت در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بود که در سال ۱۹۴۳ برگزار می‌گردید... در فاصله بین سال‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ روس‌ها از حزب توده و انگلیس از احزابی مانند حزب اراده ملی حمایت و به این ترتیب در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند [همان، ۳-۱۴۲]

### ۳. بازداشت رجال سیاسی و مأموران کشوری و لشکری

در سال ۱۳۲۲ از طرف متفقین، برخی از ایرانیان که در بین آن‌ها افرادی همچون آیت‌الله کاشانی، حبیب‌الله نوبخت، نماینده مجلس، و تعداد زیادی از امرای ارتش و رجال سرشناس سیاسی بودند دستگیر و زندانی شدند.

«بازداشت ایرانیان بدون هیچ دلیلی، و مصادره و غصب دارایی‌های خصوصی

و اموال عمومی از جمله اقدامات عادی روس‌ها در ایران به‌شمار می‌رفت. سربازان و افسران ارتش شوروی در ایران هیچ نوع برخورد رسمی و اداری با مأمورین کشوری دولت ایران نداشتند...» [همان، ۱۳۲]

سرریدر پولارد هم به دستگیری ایرانیان اعتراف می‌کند، و می‌نویسد: «پس از مدتی توانستیم موافقت دولت ایران را برای بازداشت ایرانی‌هایی که تصور می‌شد به فعالیت علیه متفقین مشغولند جلب کنیم، تا بتوانیم این افراد را مدتی تحت نظارت مراجع ایرانی و انگلیسی در توقیف نگهداریم.» [پولارد، ۱۰۰]

### ۴. خلع سلاح نیروهای نظامی ایران

رفتار سربازان روسی و انگلیسی با نیروهای نظامی ایران بسیار تحقیرآمیز بود؛ به‌ویژه در شمال و جنوب ایران، نیروهای ایران تنها با اجازه اشغالگران اجازه حمل سلاح داشتند. در اکثر نقاط ایران ارتش و شهربانی ایران توسط متفقین خلع سلاح شده بودند. «نیروهای شوروی در بدو هجوم خود به ایران پادگان‌های نظامی ارتش، ژاندارمری و نیروهای پلیس در

◀ یکی از عوامل عقب‌ماندگی ایران در دهه‌های بعدی قرن بیستم، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم توسط دولت‌های انگلستان، شوروی و ایالات متحده بود



مرکز استان‌ها و شهرستان‌ها خلع سلاح کرده و بعد هم از تعداد نفرات آن‌ها کاستند و زمانی هم که دولت ایران اقدام به فرستادن نیروهای انتظامی به آن مناطق می‌نمود از آن جلوگیری به‌عمل می‌آوردند. و در مواقعی که با مسائل امنیتی روبرو می‌شدند نیروهای اندک و خلع سلاح شده ایران را مسئول حفظ نظم و امنیت می‌دانستند.» [ذوقی، ۱۳۲]

### ۵. تحریک اقوام کشور برای تجزیه‌طلبی

روس و انگلیس هر کدام برای به‌دست آوردن امتیازاتی، و حفظ منافع و رقابت با همدیگر، دست به تحریک اقوام و قبایل در منطقه تحت نفوذ خود می‌زدند. تحریک مردم و قبایل جنوب توسط انگلیسی‌ها و آذربایجان و کردستان توسط روس‌ها از این موارد بود. «در سال‌هایی که اتحاد شوروی با تحکیم مواضع دمکرات‌ها در آذربایجان و کردستان در جهت تجزیه این خطه می‌کوشید، متقابلاً بریتانیا نیز طرح ایجاد آشوب‌های تجزیه‌طلبانه در جنوب ایران را به‌منظور حفظ برتری قوا به سود خود کشید...» [فرو دست، ۴۹]

### ج. پی‌آمدهای اجتماعی و فرهنگی اشغال

حضور متفقین در ایران موجبات ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم آورد. مخبرالسلطنه هدایت این اوضاع را چنین توصیف می‌کند: «... در تهران قشون روی یک‌طرف، قشون انگلیس یک‌طرف، قشون امریکایی دو، سی چهل هزار نفر لهستانی، غالب [غالباً] با دست خالی، وارد تهران شدند و سرباز زحمت‌های دیگر، اضطراب به‌جایی رسید که یازان فراموش کردند عشق...» [هدایت، ۴۲۸]

#### ۱. کنترل و سانسور مطبوعات

سرریدر پولارد در گزارش خود از اوضاع ایران در تاریخ ۲۲ مه ۱۹۴۵ م. به

◀ **روس‌ها تمام راه‌آهن و راه‌های شمال کشور در استان‌های پنج‌گانه شمال را مورد استفاده تام و تمام خود قرار داده بودند ولی نگهداری و تعمیرات راه‌آهن و راه‌ها همچنان به‌عهده دولت ایران بود و تنها حق عبور ناچیزی به دولت ایران می‌پرداختند که آن‌را هم بعدها قطع کردند و به بهره‌برداری کامل از خطوط و راه‌ها پرداختند**

مرکزی گسیخته شده و بر اثر توطئه روس‌ها آذربایجان دستخوش حوادث ناگواری گردید [ذوقی، ۱۳۹].

با بررسی موارد ذکر شده و دیگر اقدامات و سیاست‌های اشغالگران در ایران، به این حقیقت پی می‌بریم که اشغال ایران، علاوه بر زیان‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی نیز آسیب‌های شدیدی را به مردم وارد کرد که تبعات آن تا سال‌ها پس از خروج نیروهای اشغالگر در جامعه ایران به‌جای ماند، به‌طوری‌که به جرأت می‌توان گفت یکی از عوامل عقب‌ماندگی ایران در دهه‌های بعدی قرن بیستم، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم توسط دولت‌های انگلستان، شوروی و ایالات متحده بود.

#### پی‌نوشت

۱. الهی، همایون، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، انتشارات پیام نور، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
۲. بولارد، سریدر، شترها باید بروند؟، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر البرز، ۱۳۶۹.
۳. تبرائیان، صفاءالدین، ایران در اشغال متفقین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۴. خانبابا بیانی، غانله آذربایجان، (انتشارات زریاب، تهران، ۱۳۷۵) چاپ اول.
۵. ذوقی، ایرج، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی، جلد سوم، تهران، پازنگ، ۱۳۷۲.
۶. فردوست، حسین، ظهور و سقوط پهلوی، جلد دوم.
۷. کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران «از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی» محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی.
۸. هدایت، مهدیقلی، (مخبر السلطنه)، خاطرات و خطرات (توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و...)، تهران، انتشارات زوار، چاپ ششم، ۱۳۷۵.

ایدن (وزیر امور خارجه) در مورد برقراری سانسور از جانب انگلیس و شوروی بر مطبوعات ایران می‌نویسد: «... برقراری سانسور از طرف انگلیس و شوروی درباره وقایع جنگ که با شدت هرچه تمام‌تر در قسمت اعظم دوره ی تحت کنترل اعمال می‌شد...» [بولارد، ۲۱-۱۲۰] مخبر السلطنه نیز می‌نویسد:

«مقامات شوروی هیچ تردیدی در سانسور اخباری که از نظر آن‌ها غیر قابل قبول بود به‌خود راه نمی‌دهند و وسیله‌ای که برای این کار در اختیار داشتند همان کمیسیون سه جانبه سانسور بود که بر طبق پیمان اتحاد سه‌گانه ۱۹۴۲ بین انگلیس و شوروی و ایران تشکیل یافته بود...» [هدایت، ۱۴۵]

و باز هم بولارد می‌گوید:

«... طبق توافقی که بین متفقین به‌عمل آمده بود آن‌ها اجازه داشتند هر نوع نشریه غیر رسمی را - به شرطی که یکی از سه کشور متفق با ورود آن مخالف باشند - توقیف و ضبط کنند...» [بولارد، ۲۱-۱۲۰]

#### ۲. تجاوز متفقین به حریم خصوصی

##### مردم

متفقین، برخلاف اخلاق انسانی و مقررات و موازین بین‌المللی و برخلاف قول‌هایی که در یادداشت‌های خود داده بودند و برخلاف تسلیم بی‌قید و شرط دولت ایران و درخواست‌های «عاجزانه» برای در امان گذاشتن مردم، همچون مهاجمان وار دشورها می‌شدند و به غارت شهرها، اشغال ادارات و مصادره خواروبار مردم می‌پرداختند و نهایت بدرفتاری را با مردم می‌کردند: «... علاوه بر شکایات اهالی شهرها و قصبات از چپاول و غارت و تعدیاتی که یا در اثر ورود نیروی شوروی رخ داده و یا بالتبع از طرف اشخاص مفسده جو و اشرار حادث گردیده [بود] از بازرگانان و ادارات دولتی نیز شکایات و

گزارشاتی دائر بر اشغال و تصرف اماکن و ادارات دولتی و بنگاه‌های خطوط ارتباط، تلگراف و تلفن و راه‌آهن و غیره رسیده و می‌رسد.» [ذوقی، ۳۲-۱۳۱]

نیروهای آمریکایی مقیم ایران نیز مانند همقطارهای روسی و انگلیسی خود اسباب مزاحمت مردم را فراهم می‌آوردند. گزارش تلگرافی زیر نمونه آن است: «چندی است مأمورین آمریکایی به خانه‌های اهالی وارد [و] به‌نام این که کالای نیروی آمریکایی دارند مزاحم [می‌شوند]. این رویه در اهالی ایجاد نگرانی و حسن تبلیغات مأمورین دولت را خنثی خواهد نمود.» [تبرائیان، ۵۴۲]

اشغالگران، فساد و رذایل اخلاقی جوامع خودشان را به ایران منتقل کردند. رفتار حیوانی آمریکایی‌ها از این نمونه است: «... آمریکایی‌ها به سرعت باشگاه امیرآباد را به مرکز فحشا تبدیل کردند. کامیون‌های آمریکایی به مرکز شهر می‌آمدند و دخترها را جمع می‌کردند و به باشگاه می‌بردند...» [فردوست، ۱۲۴]

#### ۳. انتشار و تبلیغ افکار کمونیستی و

##### غرب‌گرایانه

انتشار و تبلیغ افکار و عقاید کمونیستی و غرب‌گرایانه خطری بود که حاکمیت و استقلال ایران را مورد تهدید جدی قرار می‌داد، به‌ویژه آن‌که تبلیغ عقاید و افکار کمونیستی در منطقه‌ای صورت می‌گرفت که محیط مناسبی برای رشد ایده‌های جدایی طلبانه به‌شمار می‌رفت. از این‌رو کشور ایران عمیقاً مورد تهدید قرار گرفته، پیوند مردم آذربایجان و کردستان با دولت

#### مقدمه

سنگ‌نوشته‌های دوران مشروطیت در پیرغار، در منطقه «میزدج» (نام یکی از محال چهارگانه چهارمحال که عبارت‌اند از: لار، کیار، گندمان و میزدج که این منطقه جزء ملک شخصی خوانین بختیاری بود) [افلاکی، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۰]، در روستای «ده چشمه» از توابع شهرستان «فارسان» و در ۳۹ کیلومتری شهرکرد، مرکز استان واقع شده است، برای پژوهشگران تاریخ معاصر، یکی از منابع اصلی دوران مشروطیت به حساب می‌آید. این سنگ‌نوشته‌ها، علاوه بر شرح وقایع مربوط به اصفهان و تهران و همراهی مجاهدان چهارمحال و بختیاری، با نهضت مشروطه‌خواهی اصفهان به رهبری حاج آقا نوراله نجفی اصفهانی، مبین جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی حاکم بر مرکز و جنوب غربی ایران، مقارن با اعاده مشروطه دوم و سقوط استبداد صغیر در تهران است. به علاوه، عدالت‌خواهی مردم بختیاری و اعاده مشروطه دوم را در حدود ۱۰۰ سال پیش شرح می‌دهند.

محمد تقی پور جلیلی

دبیر تاریخ، ناحیه ۲ شهرکرد

## پیشینه سنگ‌نوشته‌های مشروطیت در چهارمحال و بختیاری

کلیدواژه‌ها: مشروطیت، چهارمحال و بختیاری.

سنگ‌نوشته احتمالاً محل نوشته شدن یادگاری از مهدی قلی‌خان سالار مسعود بختیاری، فرزند سالار ارفع است که در بسیاری از جریانات قدرت‌طلبی پس از اعاده مشروطیت، همراه پدر خود حضور فعال داشت. این قسمت بر اثر مجاورت با رطوبت و عوامل فرسایشی کاملاً از بین رفته است و به طور دقیق نمی‌توان درباره آن اظهار نظر کرد.

سنگ‌نوشته‌های دوره مشروطیت در میزدج به تفکیک بدین شرح است:

#### سنگ‌نوشته «الف»

این سنگ‌نوشته، اوضاع سیاسی و اجتماعی خوانین بختیاری را در سال ۱۲۹۹ هـ.ق روشن می‌کند. شرح واگذاری منصب ایلخان‌گری ایل بختیاری به نجف‌قلی‌خان صمصام‌السلطنه، پسر بزرگ حسینقلی‌خان ایلخانی و هم‌چنین عدالت‌خواهی مردم بختیاری

با فتح اصفهان و سقوط استبداد صغیر در این شهر، راه برای فتح تهران هموار شد. مجاهدان بختیاری تحت فرماندهی سردار اسعد «دوم» راهی تهران شدند و با فتح تهران و سقوط حکومت استبدادی محمد علی شاه، مشروطه دوم که حق مسلم مردم ایران بود، مجدداً به وسیله مجاهدان مشروطه‌خواه استوار شد [ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۰۹۶-۱۰۹۵]. هم‌چنین رک: مشکور، ۱۳۷۲: ۳۷۱].

و اما کتیبه‌های مذکور در چهارمحال و مجازاً روی سینه صخره‌های سیلیسی قرار دارند و به ترتیب حدوث مکانی، حدوث زمانی و وقایع، از راست به چپ حجاری شده‌اند. کتیبه سوم در حد فاصل و زیر دو کتیبه ابتدایی قرار گرفته که خود شامل دو بخش مجزا است. نوع خط کتیبه‌ها نستعلیق است که گاه با شکسته آمیخته شده و از نظر شیوه نگارش، دارای اغلاط دستوری و املائی است. قسمت پایین

مشروطه‌خواهان چهارمحال و بختیاری، از مسیرهای دِزک، جونقان، فرادنبه، فارسان و... به دستور نجفقلی‌خان صمصام‌السلطنه بختیاری و تحت فرماندهی حاج ابراهیم خان ضرغام السلطنه ایل‌بیگی، برای لیبک گفتن به ندای مردم عدالت‌خواه اصفهان و پیوستن به روحانیت مشروطه‌خواه، به سمت اصفهان حرکت کردند [سردار اسعد، ۱۳۶۳: ۵۴۷]. هم‌چنین رک: پور جلیلی، ۱۳۸۴: ۵۰-۴۹]. این حرکت عدالت‌خواهانه و مشروطه‌خواهانه، با شعار «لا اله الا الله، محمد رسول الله» و «علی ولی الله» آغاز شد و پس از الحاق به روحانیت اصفهان، محور حرکت برای فتح اصفهان قرار گرفت و روز نهم ذی‌الحجه ۱۳۲۶ ق وارد اصفهان شد و با کسب اجازه از علمای اصفهان، جنگ را آغاز کرد. [نیکزاد و امیرحسینی، ۱۳۵۷: ۲۱۳-۲۱۲]. هم‌چنین رک: پور جلیلی، ۱۳۸۴: ۵۰].

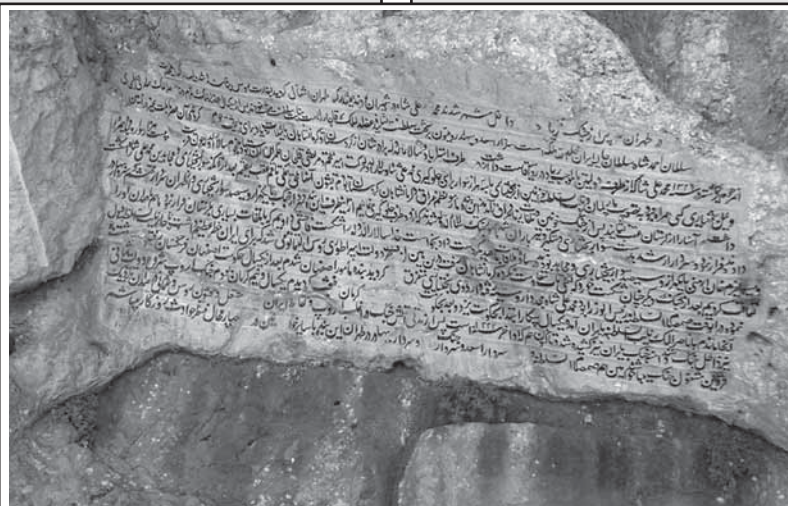
و لشکرکشی بختیاری‌ها به اصفهان و تهران به دستور صمصام‌السلطنه و تحت فرماندهی **ضرغام‌السلطنه** در این سنگ‌نوشته آمده است.

### سنگ‌نوشته «ب»

در این سنگ‌نوشته، اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار حکومت قاجارها، به ویژه اوضاع آشفته محمدعلی شاه قاجار، خلع او و به سلطنت رسیدن **احمد میرزا** فرزند شاه مخلوع، بازگشت

کاردانی و هوشمندی شایانی نشان داد و منشأ خدمات فراوانی شد [دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۱۸۶].

سردار اسعد، پس از سقوط حکومت مشروطه و سلب قدرت بختیاری‌ها در تهران، دیگر در امور سیاسی مداخله نمی‌کرد و کمتر از یک سال بعد، کاملاً نابینا، فلج و خانه‌نشین شد. سردار از آن پس باقی زندگی‌اش را با فعالیت‌های علمی و فرهنگی و گوش دادن به کتاب‌هایی که برایش قرائت می‌کردند،



محمدعلی شاه و برادرش سالارالدوله در غرب کشور برای باز پس گرفتن تاج و تخت سلطنتی، و وقوع جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۴ هـ.ق (۱۹۱۵ م) بین کشورهای اروپایی را مشخص می‌سازد [پورجلیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۱۸۶].

### سنگ‌نوشته «ج»

موضوع این سنگ‌نوشته شجره نامه، ملک شخصی و تاریخ مرگ علی قلی خان سردار اسعد «دوم»، و لغو القاب و عناوین سیاسی در سال ۱۳۰۴ هـ.ش در زمان **رضا شاه پهلوی** به وسیله مجلس شورای ملی است. سردار اسعد نه تنها در امور سیاسی و نظامی دارای شایستگی و ذکاوت بود، بلکه در امور علمی و فرهنگی نیز لیاقت،

گذرانند. سرانجام در ۱۴ محرم ۱۳۳۶/ اول نوامبر ۱۹۱۷ م در سن ۶۳ سالگی به دیار باقی شتافت و جسدش را در «تکیه میرفندرسکی» تحت فولاد اصفهان دفن کردند. [سپهر، ۱۳۶۲: ۴۸۷. هم‌چنین رک: صفایی، ۱۳۶۳: ۲۷۹].

متن کامل کتیبه‌های مشروطیت پیرغار این چنین است. با این توضیح که مواردی که در [] قرار دارد به منظور خوانا نمودن متن اضافه شده است.

### سنگ‌نوشته «الف»

«چنین گوید حاجی خسروخان سردار ظفر: در سنه ۱۳۳۴ [هجری قمری] آزادی خواهان ایران از مقام سلطنت تقاضای مشروطه نمودند. مظفرالدین شاه

قاجار طاب‌ثراه، حکم مشروطیت را دست‌خط و بعد از اندکی زمان به رحمت ایزدی پیوست. محمدعلی شاه بر سریر سلطنت برآمد و در آن وقت، بنده در خدمت برادر والا تبارم، حاج علی قلی خان سردار اسعد، فرنگستان رفته و چهار ماه در آنجا بودیم. به واسطه بی‌مرحمی محمدعلی شاه، اغتشاش در بختیاری فراهم، که بنده از مراجعت و کمک به صمصام‌السلطنه که ایلخانی بود، مجبور شده از پاریس به مسکو [بروم و] از مسکو سیزده روز به بختیاری رسیدیم. بحمدالله انجام صلح و پس از یک سال محمدعلی شاه پارلمان را بمباران نموده و از بختیاری امداد خواست. این بنده، به اتفاق امیر مفتخ و سردار اشجع با چهارصد سرباز به تهران رفتیم. هيجان از تمام رفع [شد] مگر آذربایجان، خصوصاً تبریز با کمال قدرت مقاومت کردند. دو مرتبه سوار بختیاری احضار و با سواران به تهران رفتیم، ولی قصد ما طرفداری ملت بود. این موقع در اصفهان و گیلان هم انقلاب و شورش حادث شد. صمصام‌السلطنه در اصفهان و لنجان، سپهدار در رشت، سردار اسعد هنوز در فرنگستان و با مشروطیون در لندن و پاریس اجتماع داشتند. این اوقات از راه جنوب هندوستان حرکت کرده، [از] محمّره به بختیاری وارد شدند. من بنده هم به اصفهان و بختیاری آمده، سواران زیادی به کمک ملیون تهیه دیده. سردار اسعد با یک هزار سوار به تهران حرکت نمود. سپهدار هم از رشت عزم تهران کرد.»

### سنگ‌نوشته «ب»

«در طهران پس از جنگ زیاد داخل شهر شدند. محمدعلی شاه در شمیران بودند. همین‌که تهران اشغال گردید، به سفارت روس پناهنده شد. ولیعهد را که



اعلی حضرت سلطان احمدشاه، سلطان ایران خلدالله ملکه است، سردار اسعد و سپهدار و ملیون بر تخت سلطنت نشانیده، عضدالملک قاجار را به سمت نیابت منتخب نمودند. پس از یک سال، عضدالملک مرحوم [شد و] ناصر الملک همدانی را به جای آن مرحوم گذاشته. در سنه ۱۳۲۹، محمدعلی شاه که از طرف دولتین و مواجب زیاد در روسیه اقامت داشت، از طرف استرآباد و سالارالدوله برادرشان از کردستان و کرمانشاه با ایلات زیاد برای پایتخت هجوم کردند. آن عصر با ملیت غیر از امین و ایل بختیاری کسی همراه نبوده و به تصویب پارلمان و نایب السلطنه، خوانین از بختیاری با سه هزار سوار برای جلوگیری از محمدعلی شاه و سالارالدوله حرکت [کردند]. امیرمفخم و مرتضی قلی خان، حکمران لرستان [را] عقب نشانیده، پس از جنگ خونین و تلفات زیاد [به] عراق (اراک) آمدند. این بنده مأمور نظم عراق و نظم کرمانشاهان و کردستان بودم. به قشون آن‌ها ملحق [شدم و] همگی تا قم عقب کردیم. بعد از آن که سواران [ان] بختیاری و مجاهدین محمدعلی شاه را شکست دادند، فرار نمود و سردار شد به دست سوار بختیاری دستگیر و تیرباران شد. به امور جنگ سالارالدوله شدند که از دو تهران سردار محتشم و سردار بهادر و موسیویفرم [ارمنی] با یک هزار و سیصد سوار بختیاری و مجاهد با تلفات بسیاری به لرستان فرار نمود. ما هم تا همدان او را تعاقب کردیم. بعد از جنگ دیگر، چنان شکست خورده که به کلی تاب مقاومت نکرده، به کرمانشاهان رفت. در این بین از طرف دولت امپراطوری روس اولتیماتومی شد که برای ایران خطر عظیم داشت. به ناچار نایب السلطنه قبول نمود. در آن وقت صمصام السلطنه رئیس الوزرا بود. محمدعلی شاه مجدداً

به روسیه رفته تا اردوی بختیاری متفرق گردید. بنده مأمور اصفهان شدم. بعد از یک سال حکومت اصفهان [به] فرنگستان رفته و هشت ماه آن جا ماندم. ناصرالملک نایب السلطنه به ایران آمد. یک سال بیکار [بودم]، ابتدا به حکومت یزد رفته و بعد به حکومت کرمان منتخب گردیدم. یک سال و نیم کرمان بودم، [که] جنگ اروپا شروع شد و تا کنون که اواخر سنه ۱۳۳۴ است. پس از مدتی آتش جنگ در اغلب اروپا و نقاط ایران مشعل [شد و] قشون روس و عثمانی در همدان تا نزدیک قزوین مشغول جنگ می باشند. خوانین، هم صمصام السلطنه، سردار اسعد و سردار جنگ (سردار بهادر) در تهران [اند و] این بنده با سایر خوانین در چهارمحال منتظر حوادث روزگار می باشم.

### سنگ نوشته «ج»

«چنین گوید حاج علی قلی خان سردار اسعد (بن حسینقلی خان ایلخانی، ابن جعفر قلیخان، ابن حبیب الله خان ابدلخان، ابن علی صالح خان، ابن عبدالخلیل، ابن خسرو آقا، ابن غالب، ابن حیدر، که اجداد من همه وقت به ریاست طایفه (هفت لنگ بختیاری) برقرار بودند تا زمان حسینقلی خان ایلخانی که طوایف چهار لنگ و جوانکی گرمسیر و سردسیر و فالارد «ضمیمه حکومت او شدند. در سنه ۱۲۹۹، مرحوم برادر ارشدم، اسفندیار خان سردار اسعد در اصفهان محبوس ماند و حکومت بختیاری و مضافات با اعمام گرام بوده، بعد از شش سال برادر مرخصی و به منصب سردار اسعد منصوب شد. چند سال با اعمام و بنی اعمام دشمنی و جنگ های خونریزی کرد، که عاقبت صلح کرده متحد شدیم تا کنون که در سنه ۱۳۳۲ و سال دهم جلوس اعلی حضرت مظفرالدین قاجار، خلدالله

ملکه می باشد، با وجود وفات چهار نفر از بزرگان به کمال اتحاد مشغول ریاست هستیم. از ثمر اتحاد، بر املاک موروثی افزودیم. الان سه ربع چهارمحال و تمام رامهرمز، زیدون و حومه بهبهان، املاک زیادی از عربستان [خوزستان]، چندین قریه از بردبرد، چندین قریه از لنجان و سمیرم ملک زخرید این خانواده است. از چهارمحال ناحیه میزدج و چندین قریه دیگر ملکی من و گرمی برادر حاجی خسروخان سالار ارفع است. امید که اولاد و احفاد ما اتحاد را از دست ندهند.»

در پایین این کتیبه نوشته شده است: «در تاریخ هفتم محرم ۱۳۳۶، مطابق اول میزان، مرحوم سردار اسعد در طهران به رحمت ایزدی پیوست. لغو شدن القاب در سال ۱۳۰۴ شمسی، به امر مجلس شورای ملی.»

### منابع

۱. افلاکی سورشجانی، رضا (۱۳۸۲). جغرافیای استان چهارمحال و بختیاری، (طبیعی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی) شهرکرد. انتشارات مرید. چاپ اول.
۲. پورجلیلی، محمدتقی (۱۳۸۴). زندگانی سیاسی نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
۳. دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی (ج ۱). انتشارات عطار. تهران. چاپ ششم.
۴. سردار اسعد (بختیاری)، علیقلی خان (۱۳۳۳). تاریخ بختیاری. گردآوری: عبدالحسین خان. انتشارات یساولی فرهنگ سرا. تهران. چاپ دوم.
۵. سپهر، احمدعلی (مورخ الدوله) (بی تا). ایران در جنگ بزرگ. انتشارات ادیب. تهران. چاپ دوم.
۶. سعدی، مصلح الدین عبدالله شیرازی (۱۳۷۴). بوستان سعدی. به خط مصطفی اشرفی.
۷. صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳). رهبران مشروطه. انتشارات جاویدان. (بی جا). چاپ سوم.
۸. ملک زاده، مهدی (۱۳۷۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (ج ۷ و ۸). انتشارات علمی. تهران. چاپ چهارم.
۹. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۲). تاریخ ایران زمین (از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه). انتشارات اشراقی. تهران. چاپ چهارم.
۱۰. نیکزاد، امیر و حسینی، کریم (۱۳۵۷). شناخت سرزمین بختیاری. انتشارات ربانی. اصفهان. چاپ اول.

#### اشاره

چندی پیش دکتر علیرضا کیامنش در محل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، سخنرانی‌ای با عنوان «سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان» ارائه کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت. بر آن شدیم تا خلاصه‌ای از متن آن سخنرانی را که توسط ایشان در اختیار حاضران در جلسه قرار گرفت به خوانندگان ارائه کنیم. تا همکاران از آن در بهبود آموزش بهره گیرند.

سردبیر

دکتر علیرضا کیامنش

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

## سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

کلیدواژه‌ها: آزمون، سنجش، پوشه کار، امتحان.

به عنوان ابزاری قوی برای بهبود کیفیت آموزش و همچنین بهبود فرایند یاددهی - یادگیری استفاده می‌شود.

از اطلاعات به دست آمده از سنجش می‌توان برای هدف‌های مختلف نظیر تصمیم‌گیری‌های آموزشی در مورد دانش‌آموزان در زمینه ارتقاء از یک پایه به پایه دیگر؛ ارائه بازخورد به دانش‌آموزان در مورد پیشرفت‌های درسی و نقاط قوت و ضعف آن‌ها؛ برانگیختن آنان در جهت تدوین و مشخص کردن هدف‌ها و انتظارات آموزشی خویش، با توجه به

اندازه‌گیری عبارت است از یک مجموعه قاعده، جهت اختصاص دادن عدد به اشیاء، ویژگی‌ها و رفتار.

**سنجش** نیز عبارت است از هر راهبرد یا فعالیتی که جهت کسب آگاهی از دانش، نگرش یا مهارت‌های یک دانش‌آموز یا گروهی از دانش‌آموزان به کار می‌رود. سنجش را، همچنین، فرایند به دست آوردن اطلاعات برای تصمیم‌گیری‌های آموزشی تعریف کرده‌اند. هدف اصلی سنجش کمک به تعیین و افزایش تدریجی استانداردهای کسب شده است. از سنجش

در منابع تربیتی، با مفاهیم متنوعی نظیر آزمون، امتحان، اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی مواجه می‌شویم. بعضی از این مفاهیم گاه هم‌معنا و مترادف یکدیگر و گاه به صورت مستقل و متفاوت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نخست سه مفهوم آزمون، اندازه‌گیری و سنجش را تعریف می‌کنیم. **آزمون**، وسیله یا شیوه‌ای است جهت کسب اطلاع در مورد یک نمونه از رفتار دانش‌آموز و موردعلاقه معلم، در ارتباط با هدف‌های آموزشی به صورتی استاندارد شده.



## ◀ در دیدگاه سنجش به مثابه اندازه‌گیری، دانش‌آموز چون ظرفی خالی تلقی می‌شود که از طریق معلم با دانش پرمی‌گردد

سطح توانمندی‌های کسب شده؛ قضاوت در مورد اثربخشی آموزش و مناسب بودن برنامه‌های درسی؛ توصیف موفقیت نظام آموزشی؛ تعیین اثربخشی فعالیت‌های مدرسه؛ کنترل و نظارت موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در طول زمان؛ و بالاخره، جهت‌دهی به تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های آموزشی استفاده کرد.

در مورد سنجش سه دیدگاه مختلف وجود دارد:

۱. سنجش به مثابه اندازه‌گیری،
۲. سنجش به مثابه شیوه یا راه و روش؛
۳. سنجش به مثابه جست‌وجو یا کاوش.

در دیدگاه سنجش به مثابه اندازه‌گیری، دانش‌آموز چون ظرفی خالی تلقی می‌شود که با دانش معلم پرمی‌شود. به عبارتی، تدریس فرایندی است یک سویه که معلم دانش و اطلاعات را به دانش‌آموز منتقل می‌کند. در این نگاه، دانش امری بیرونی و

مستقل از فرد قلمداد می‌شود. معلم صاحب یا دارنده دانش است و می‌تواند دانش خود را به فراگیر منتقل کند و وظیفه دانش‌آموز فقط کسب دانش ارائه شده توسط معلم می‌باشد. با این دیدگاه، آزمون‌های هنجارمحور که با هدف سنجش عینی میزان آموخته‌های دانش‌آموز در طول دوره تهیه می‌شوند، ابزار اصلی سنجش به عنوان اندازه‌گیری به شمار می‌آیند. سنجش به اندازه‌گیری میزان دانش کسب شده محدود می‌شود. در این آزمون‌ها هر سؤال یک پاسخ صحیح دارد. دانش‌آموز در آزمون فقط یک پاسخ دهنده است و به ندرت فرصت خود ارزشیابی یا واکنش نسبت به عمل خود را به دست می‌آورد.

در دیدگاه سنجش به مثابه یک شیوه، باز هم فرض بر این است که: دانش مستقل از یادگیرنده وجود دارد و می‌توان آن را به دانش‌آموز منتقل کرد و به صورت عینی اندازه‌گیری نمود. پس معلم می‌تواند همچنان به صورت عینی توانایی دانش‌آموزان را اندازه‌گیری و در مورد او اطلاعات کمی فراهم کند. تفاوت دو دیدگاه فوق را می‌توان در تأکید «دیدگاه سنجش به مثابه یک شیوه» بر روش‌های

جمع‌آوری اطلاعات کیفی (بهره‌گیری از پوشه کار) جست‌وجو نمود. در این دیدگاه معلم اطلاعات دانش‌آموزان را جمع‌آوری می‌کند، به آن نمره می‌دهد و نتیجه را به مدرسه گزارش می‌کند. در واقع تهیه پوشه کار یا اطلاعات مختلف پایان کار معلم است. می‌بینیم که در این دو دیدگاه، با وجود تفاوت در روش، زیربنایی اصلی، یعنی این باور که دانش مستقل از فرد وجود دارد و عملکرد دانش‌آموز به صورت عینی قابل اندازه‌گیری است، بر جای خود باقی است.

اما در دیدگاه سنجش به مثابه کاوش، معلم و دانش‌آموز به صورت فعال در پدید آوردن دانش درگیر هستند.

معلم دیگر تنها مجری اجرای آزمون یا آزمون‌کننده نیست. وی از شیوه‌های سنجش کلاس محور برای تسهیل یادگیری، تصمیم‌گیری در مورد برنامه درسی و ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان و اولیا بهره می‌گیرد. در این دیدگاه یک نسخه ساده برای هر دانش‌آموز و یک برنامه که بتوان به سرعت و کم دردرس به اجرا درآورد و مشکل یادگیری را حل کرد وجود ندارد. سنجش، در این جا، یک فعالیت تعاملی است که خود فرد ابزار اصلی آن است (سنجش ذهنی و قضاتی در مقابل سنجش عینی). بین دیدگاه دوم و سوم در چگونگی به کارگیری شیوه‌ها و استفاده از یافته‌ها تفاوت وجود دارد. در دیدگاه سوم معلم از پوشه کار برای جمع‌آوری نمونه‌هایی از فعالیت‌های دانش‌آموز، جهت تصمیم‌گیری‌های مناسب آموزش، بهره می‌گیرد. تهیه پوشه کار یک فعالیت مستمر و وسیله‌ای است برای:

الف) رشد، بازتاب و خودارزشیابی دانش‌آموز؛

ب) بازتاب و خودارزشیابی معلم؛

ج) تدوین هدف‌های آموزش.

به عبارت بهتر در روش‌های جمع



غیررسمی و از پایه سوم به بالا از آزمون نوشتاری بهره گرفته می‌شود. در پایه‌های آغازین دوره ابتدایی به کسب صلاحیت‌ها و قابلیت‌های مورد انتظار از دانش‌آموزان و در پایه‌های بالاتر دوره ابتدایی همراه با قابلیت‌ها و صلاحیت‌های مورد انتظار، به محتوای آموزش هم توجه می‌شود. در مراحل راهنمایی تحصیلی و بالاتر، فرایند یاددهی - یادگیری در هر درس، با استفاده از آزمون‌های عینی، نوشتاری و عملی مورد سنجش قرار می‌گیرد. در همین پایه‌ها شرکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مختلف کار گروهی، انجام آزمایش، تهیه مقاله و... مورد تشویق و سنجش قرار می‌گیرد. برای نتیجه‌گیری بهتر از سنجش‌های به عمل آمده معلمان در پایه‌های بالاتر، ضمن استفاده از سنجش‌های کلاسی، دانش‌آموزان را به خودسنجی و هم کلاس سنجی نیز تشویق می‌کنند.

### سنجش تکوینی

سنجش تکوینی عبارت است از فرایند به کار گرفته شده توسط معلمان و دانش‌آموزان در جریان آموزش، برای فراهم آوردن بازخوردهای لازم در جهت اصلاح و تعدیل آموزش و یادگیری و با هدف بهبود موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در رسیدن به هدف‌های قصد شده در برنامه.

بنابراین:

۱. سنجش تکوینی یک فرایند است نه یک آزمون خاص؛
۲. این سنجش در جریان آموزش و توسط معلمان و دانش‌آموزان (نه معلمان به تنهایی) اجرا می‌شود؛
۳. این سنجش فرایندی طرح‌ریزی شده شامل «فعالیت‌های مختلف» برای معلمان و دانش‌آموزان است؛
۴. یکی از این فعالیت‌ها، استفاده از سنجش‌های رسمی و غیررسمی جهت

گزارش و ارائه گزارش‌های شفاهی و کتبی توسط دانش‌آموزان و کمک به فرد فرد دانش‌آموزان وقت کافی باشند. همچنین باید از حمایت‌های لازم و یک محیط مشارکتی با روحیه جمعی نیز برخوردار باشند.

در این روش معلم به چه اطلاعات و توانایی‌هایی در مورد سنجش نیاز دارد؟

- دانش، آگاهی و توانایی عملی؛  
- توانایی در نمره‌گذاری و تفسیر دقیق یافته‌های سنجش؛

- توانایی استفاده مناسب از یافته‌های سنجش هنگام تصمیم‌گیری در مورد آموزش؛

- توانایی تشخیص نکات قوت و ضعف سنجش، نظیر جهت‌دار بودن و استفاده نادرست و غیرمنطقی از یافته‌های سنجش؛

توانایی در ایجاد ارتباط جهت تبادل اطلاعات حاصل از سنجش.

سنجش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در رسیدن به هدف‌ها و مطالب تدریس شده در کلاس درس، شناخته‌ترین و متداول‌ترین شیوه سنجش است که توسط معلمان و مدارس انجام می‌گیرد. امتحانات و سنجش‌های کلاسی، در واقع با آموزش‌های داده شده و فعالیت‌های انجام شده در کلاس درس مرتبط می‌باشند؛ بنابراین انتظار درستی است که مطالب تدریس شده در کلاس درس (مطالب مندرج در کتاب‌های درسی) در آزمون مورد پرسش قرار گیرند.

معلمان به این نکته توجه دارند که در سنجش‌های کلاسی نمی‌توان از راهبردی واحد برای سنجش دانش‌آموزان پایه‌های مختلف تحصیلی استفاده نمود. در سنجش‌های کلاسی باید به سطح یادگیری و پایه تحصیلی دانش‌آموزان توجه شود. مثلاً در دوره پیش دبستانی و پایه‌های اول و دوم دبستان از آزمون شفاهی و گفت‌وگوهای

آوری اطلاعات دو دیدگاه می‌توانند مشابه باشند ولی در هدف‌ها باهم تفاوت دارند.

در دیدگاه سنجش به مثابه کاوش، کلاس درس یا آموزش برای انجام سنجش متوقف نمی‌شود. سنجش ضمن آن‌که غیررقابتی است و بر شناخت نکات قوت و پیشرفت دانش‌آموز تأکید دارد، هر دانش‌آموز را به عنوان یک کل مورد توجه قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر سنجش بخشی از فرایند تدریس و یادگیری است نه مجزا و مستقل از آن. این دیدگاه یک فرایند پژوهشی و تفسیری است که در جهت افزایش آگاهی نسبت به یادگیری‌ها، نگرش‌ها و توانایی‌های سواد دانش‌آموزان به کار می‌رود. در دیدگاه سوم، نه تنها روش‌های جمع‌آوری اطلاعات با دو دیدگاه قبلی متفاوت است، که سطوح دخالت معلم و دانش‌آموز، هدف‌های سنجش، چشم‌انداز معرفت‌شناختی و مخاطبان استفاده‌کننده از نتایج سنجش نیز متفاوت است. در این‌جا، هدف سنجش درک عمیق‌تر تک‌تک یادگیرندگان در زمینه‌های یادگیری خاص آن‌هاست. دقیق‌تر این‌که، سنجش به عنوان یک فعالیت اجتماعی ویژه، زمینه‌ای و تفسیری قلمداد می‌شود. طرفداران این دیدگاه بر آنند که دانش در یادگیرنده، همراه با زمینه‌های اجتماعی پدیده یادگیری، «ساخته می‌شود» نه این که از طریق روش‌های انتقالی یا آموزش مستقیم «کسب می‌شود».

### دشواری سنجش کاوش مدار

حرکت به سمت سنجش به مثابه کاوش دشوار است و به توسعه حرفه‌ای معلم و تغییر در باور داشته‌های آموزشی او نیاز دارد. به علاوه، معلمان باید برای بحث و گفت‌وگو با همکاران خود در زمینه‌ی سنجش‌های عملکردی، تهیه‌ی پوشه‌ی کار، مطالعه‌ی مندرجات پوشه، بررسی نتایج حاصل از انجام پروژه، تهیه



## ◀ در دیدگاه سنجش به مثابه کاوش، کلاس درس یا آموزش برای انجام سنجش متوقف نمی شود

### سنجش پوشه کار<sup>۳</sup>

از آنجا که محتوای پوشه به تدریج با استفاده از نمونه کارهای انجام شده تهیه می شود، این نوع سنجش را می توان سنجش پاسخ نگار نامید. همان طور که قبلاً هم بیان شد، در پوشه کار از دانش آموز انتظار می رود که به صورت مستمر مجموعه ای از کارهای انجام شده خود را با هدف بهبود مهارت های لازم جهت انجام این فعالیت، جمع آوری و ارزشیابی نماید.

معلم در جریان تدوین پوشه کار یا انجام سنجش پوشه کار از دانش آموز انتظار دارد که به صورت مستمر مجموعه ای از کارهای انجام شده خود را با هدف بهبود مهارت های لازم جهت انجام این فعالیت، جمع آوری و ارزشیابی نماید.

معلم در جریان تدوین پوشه کار یا انجام سنجش پوشه کار فعالیت های مختلفی را به صورت فردی و گاه با کمک و همکاری دانش آموزان و اولیا انجام می دهد. این فعالیت ها عبارت اند از:

الف) در جریان تهیه پوشه کار، برای آن که دانش آموزان بتوانند فعالیت های انجام شده خود را ارزشیابی کنند معلم باید برای آنان دستورالعمل لازم را فراهم آورد.

ب) هر دانش آموز پس از ارزشیابی کار خود، با ذکر تاریخ انجام کار، آن را در پوشه قرار می دهد. دانش آموزان همچنین با دریافت دستورالعمل و معیارهای مشخص برای ارزشیابی، کارهای انجام شده توسط دوستان همکلاسی خود را هم ارزشیابی می کنند.

پ) معلم در پایان هر ماه محتوای پوشه کار هر دانش آموز را با حضور خودش بررسی می کند و با هم در مورد جهت حرکت برای بهبود کار تصمیم می گیرند.

ت) معلم حداقل در سال دو بار از والدین می خواهد که در این نشست ها شرکت کنند.

تأکید همیشه بر بهبود توانایی دانش آموز

(طول نوشته مشخص شود) که کاربرد درس های گرفته شده از تاریخ برای مسئله بیان شده را نشان می دهد، ارائه دهد.

۳. نتایج کلیدی گزارش خود را (طول زمان ارائه مشخص شود) به صورت شفاهی به کلاس ارائه دهد.

### محدودیت های سنجش عملکردی

#### ۱. وقت گیر بودن؛

الف) معلم باید وقت زیادی را صرف تهیه تکلیف عملکردی چند مرحله ای کند؛

ب) یک دستورالعمل برای ارزشیابی فعالیت یا تکلیف انجام شده توسط دانش آموزان فراهم آورد؛

پ) عملکردها یا تکالیف انجام شده توسط دانش آموزان را با استفاده از دستورالعمل ارزشیابی کند؛

#### ۲. تعمیم پذیری نتایج

دانش آموز چند تکلیف عملکردی را باید انجام دهد تا بتوان در مورد توانایی یا تسلط وی بر محتوای موضوع درسی قضاوت نمود؟ یافته های پژوهشی در این زمینه چندان امید بخش نیستند. این پژوهش ها (Burton & Lin, 1994) پیشنهاد می کنند که قبل از رسیدن به تفسیر دقیق در مورد تسلط مهارت دانش آموز وی باید چندین تکلیف عملکردی را انجام دهد. بدیهی است که انجام چند تکلیف یعنی چند برابر شدن وقت در سه مورد الف، ب و پ ذکر شده در بالا.

پایه ام معتقد است که از سنجش عملکردی، با توجه به وقت گیر بودن، فقط باید در مورد هدف های آموزشی دارای اولویت بالا استفاده شود.

فراهم آوردن شواهد در مورد وضعیت یادگیری دانش آموزان است؛

۵. برای معلمان و دانش آموزان بازخورد فراهم می آورد؛

۶. براساس این شواهد، معلمان فعالیت های آموزشی خود و دانش آموزان رویه های مطالعه و یادگیری خود را اصلاح می کنند؛

۷. هدف نهایی، بهبود موفقیت تحصیلی دانش آموزان در رسیدن به هدف های قصد شده در برنامه است.

### سنجش های پاسخ نگار<sup>۱</sup>

از میان سنجش های پاسخ نگار یا ساخت پاسخ به دو نمونه زیر اشاره می شود:

#### سنجش عملکردی<sup>۲</sup>

گروهی برای این باورند که هر سنجش ساخت نگار نوعی سنجش عملکردی است. گروهی سنجش عملکردی را تلاش در جهت اندازه گیری تسلط دانش آموز در سطوح بالای شناختی می دانند. سنجش عملکردی همیشه با ارائه یک تکلیف یا فعالیت به دانش آموزان همراه است. هرچه فعالیت مورد انتظار از دانش آموز، توسط خود دانش آموز و در محیط واقعی انجام گیرد، این شانس که فعالیت یا تکلیف سنجش عملکردی نامیده شود، بیشتر خواهد بود.

مثال ارائه شده توسط پایهام (۲۰۰۳) برای سنجش عملکردی در حوزه مطالعات اجتماعی:

۱. هر دانش آموز باید یک مسئله اجتماعی روز را شناسایی کند که با درس گرفتن از تاریخ به صورت مستقیم حل شدنی باشد.

۲. یک گزارش توصیفی نوشتاری

**عملکرد دانش آموزان.** در صورت توجه به سنجش تکوینی با هدف ارائه بازخورد و کمک به دانش آموز در جهت شناخت نکات قوت و ضعف خود (همچنین معلم)، نه نمره دادن و استفاده از نتایج سنجش برای قضاوت در مورد موفقیت درسی دانش آموز، تفاوتی بین قضاوت کمی و قضاوت توصیفی و کیفی از عملکرد نخواهد بود. به عبارت دیگر تغییر از سیستم نمره دهی صفر تا بیست، به سیستم توصیفی و کلامی، یا تغییر در ساختار کارنامه دانش آموزان، نقش چشم گیری در بهبود آموزش نخواهد داشت. فعالیت های یاددهی - یادگیری یا آنچه که معلم در کلاس های درس و مدرسه انجام می دهند فعالیت های حرفه ای، تخصصی و در هم تنیده اند. هرگونه تغییر و نوآوری در امر آموزش باید با آماده سازی شرایط اجرا از ابعاد مختلف، از جمله آشنایی و تسلط معلمان با بهره گیری از نوآوری و فراهم آوردن امکانات و شرایط لازم برای اجرا در عمل و همچنین ایجاد تغییرات لازم در سایر ابعاد آموزشی مرتبط با نوآوری همراه باشد.

پی نوشت

1. Constructed \_ Response Assessment
2. performance assessment
3. portfolio assessment

۱. **ابزارهای سنجش کیفی عملکرد دانش آموزان.** در سنجش به مثابه کاوش، معلم و دانش آموز با هم در جریان یاددهی - یادگیری شرکت دارند و دانش آموز در جریان یادگیری نقش فعال به عهده دارد. او در این مسیر با راهنمایی و هدایت معلم تلاش می کند تا «سازنده دانش» باشد نه «گیرنده دانش». در این شیوه از میان ابزارهای مختلف سنجش، بیشتر از شیوه های استفاده می شود که بتوانند تفسیر واقعی تری از توان دانش آموز در ساخت دانش و نه بازگو کردن و یادآوری مطالب ارائه دهند. استفاده از شیوه هایی چون دو شیوه ذکر شده و همچنین شیوه هایی نظیر تهیه، تولید، انجام آزمایش، تدوین گزارش، ارائه کار به صورت نوشتاری و یا شفاهی، مشاهده، مقیاس های درجه بندی و ... توصیه می شود. به عبارت دیگر اگر تعریف سنجش تکوینی «فرایند به کار گرفته شده توسط معلمان و دانش آموزان در جریان آموزش برای فراهم آوردن بازخوردهای لازم در جهت اصلاح و تعدیل آموزش و یادگیری در حال اجرا با هدف بهبود موفقیت تحصیلی دانش آموزان در رسیدن به هدف های قصد شده در برنامه» را بپذیریم، استفاده از هر ابزاری برای رسیدن به هدف ضروری است.

۲) **شیوه های قضاوت کیفی در مورد**

در جهت ارزشیابی کارهای انجام شده موجود در پوشه می باشد. در پایان سال تحصیلی، هر دانش آموز بهترین کارهای خود را انتخاب می کند و برای اولیا به منزل می برد.

تأکید مستمر بر افزایش مهارت های خود ارزیابی دانش آموز در جریان تهیه پوشه کار، تأثیر قابل توجهی بر دانش آموز خواهد داشت. با این وجود این نوع سنجش نیز بسیار وقت گیر بوده و مفید بودن آن تابع دقت کافی معلم و دانش آموز در انتخاب و ارزشیابی دقیق نمونه کارهای انجام شده است. لذا بدون در نظر گرفتن وقت کافی برای انجام دقیق و مناسب، استفاده از این شیوه توصیه نمی شود.

### نتایج حاصل از سنجش مدرسه ای

نتایج حاصل از دو نوع سنجش ذکر شده و دیگر شیوه های سنجش میزان آموخته های مدرسه ای دانش آموزان، معمولاً به صورت کمی یا عددی مشخص می شود. با این وجود در هر یک از این شیوه ها معلم می تواند براساس معیارهای از قبل تعیین شده، قضاوت در مورد عملکرد دانش آموز را به صورت کیفی توصیف کند. لذا بحث در زمینه سنجش کیفی را می توان از دو دیدگاه مختلف بررسی نمود:



# تجربه‌ای از ارزشیابی مستمر

فیروز آزادی

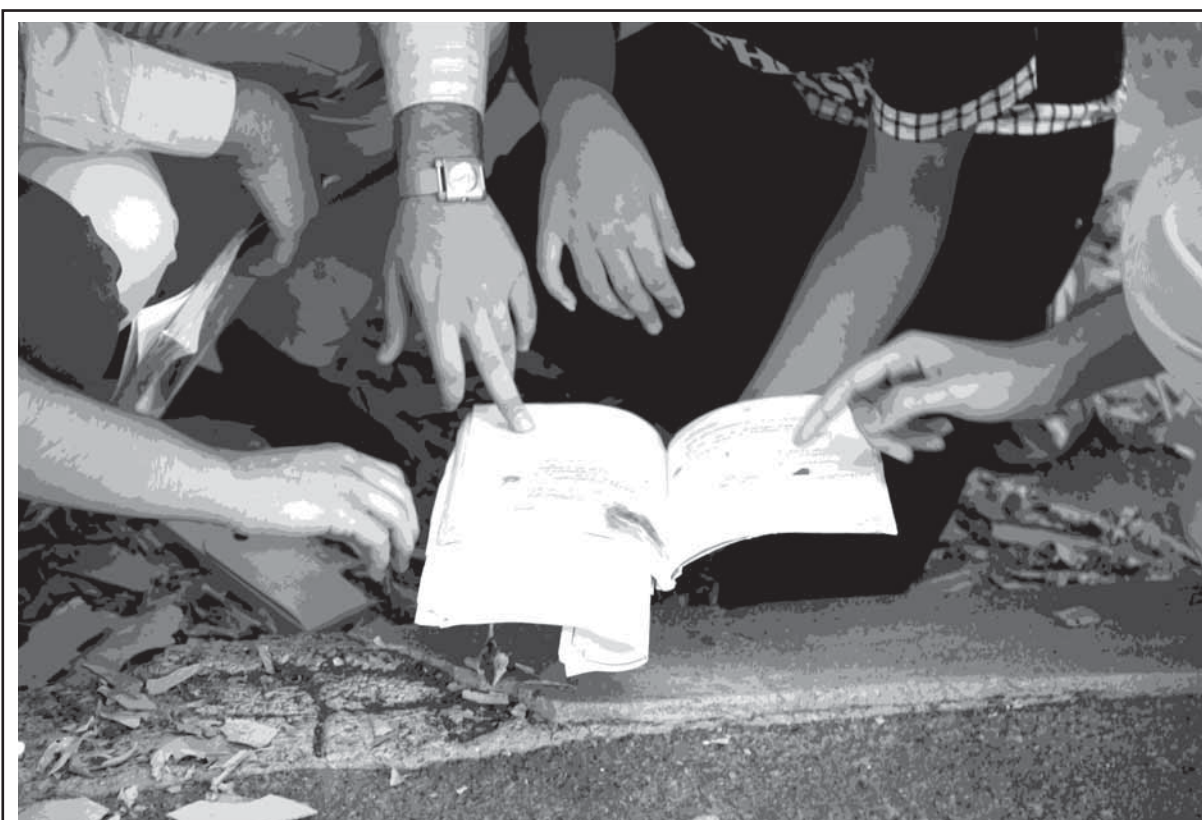
دبیر تاریخ، بروجرد

گروه هوش‌شتره و غیره برگزید. نخست درس اول را به شیوه سخنرانی و با نگارش اهداف جزئی کتاب بر روی تابلو تدریس کردم و سپس از آنها خواستم تا به صورت بحث گروهی درس را مطالعه کنند. پس از اتمام وقت، نمایندگان گروه‌ها که ۷ تن بودند برای پاسخ‌گویی به روی سکوی کلاس آمدند، به آنها گفتم هر کس پاسخ سؤالی را ندهد حذف می‌شود. بدین ترتیب از هریک از افراد باقی‌مانده دوباره سؤال شد تا این‌که یک نفرشان باقی ماند. در نتیجه، به ۴ نفری که عضو آن گروه (گروه آخر) بودند نمره ۲۰ تعلق گرفت. جلسه بعدی نیز همین برنامه اجرا شد. مشاهده کردم شور و شوقی بین دانش‌آموزان پدید آمده است و هر گروه برای کسب مقام اول

زرنگ در گروه خود جارجنگال به راه می‌انداختند و آشکارا می‌گفتند که می‌خواهند او وظیفه‌شان را انجام دهد. یک ماه پس از گروه‌بندی و سروصدا، تازه به خود می‌آمدم که بودجه‌بندی کتاب رعایت نشده است و ارزشیابی خوب و منصفانه‌ای که تأثیر انگیزشی داشته باشد صورت نگرفته است. این بود که در سال بعد به فکر ایجاد گروه‌بندی در ارزشیابی افتادم و پس از تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های ۴ نفره، کلاس ۲۸ نفره به ۷ گروه تقسیم شد. اولین بار در دبیرستان امام خمینی (ره) بروجرد - کلاس دوم انسانی و درس تاریخ ایران و جهان (۱) - به این کار اقدام کردم. هر گروه برای خود یک نام تاریخی مانند گروه اشکانیان، گروه کوروش، گروه اسکندر،

سال‌ها در دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی شهرستان بروجرد مشغول تدریس بودم. هر ساله بخش‌نامه‌هایی مبنی بر استفاده از روش‌های نوین تدریس صادر می‌شد و به مدارس می‌آمد و بر اجرای آن تأکید می‌شد؛ به‌ویژه بر بحث گروه‌بندی و استفاده از رقابت گروهی برای فعال کردن درس‌هایی مانند تاریخ سفارش می‌شد. من نیز در چند دبیرستان به گروه‌بندی دانش‌آموزان پرداختم؛ گروه‌های ۳ نفره، ۴ نفره و حتی ۶ نفره. اما اولین کسانی که صدای اعتراض‌شان بلند می‌شد معاونین و مدیران مدارس بودند؛ به‌علاوه، فضای کلاس‌ها و وجود میز و نیمکت‌های غیر استاندارد و سروصدا هیجان دانش‌آموزان مزید بر علت می‌شد. دانش‌آموزان برای عضویت شاگردان

عکس: اعظم لاریجانی







تلاش می‌کند. اما من می‌دانستم که هنوز محور اصلی تدریس من بر سخنرانی و روش‌های سنتی استوار است و بایستی کلیه دانش‌آموزان را درگیر درس و ارزشیابی کنم. از این‌رو در جلسه سوم ابتدا عناوین اصلی و هدف‌های جزئی درس را بر روی تابلو نوشتم، سپس اهداف رفتاری را برای آنها بیان کردم و فرصتی در حدود سی دقیقه به گروه‌ها دادم تا در محیطی کتابخانه‌ای مطالعه کنند و گفتم انتخاب سؤال خوب هم امتیاز دارد، به این‌طور که هر گروه که سؤالاتی با کیفیت بالا طرح کند امتیاز ویژه‌ای دارد که موجب می‌شود در برابر یک سؤال منفی حذف شود. در جریان این روند بود که گاهی سؤالاتی مطرح می‌شد که موجب تعجب می‌گردید. در ادامه گفتم گروه‌ها می‌توانند برای خود امتیاز ذخیره کنند تا در جلسه‌ای از آن بهره‌مند باشد. جلسه بعدی سؤال و پاسخ و ثبت امتیاز به خود گروه‌ها واگذار شد و پرونده‌ای تشکیل شد که همه فعالیت‌ها در آن درج می‌شد و نزد خود گروه‌ها باقی می‌ماند. هرچه پیش می‌رفتیم خود دانش‌آموزان

طرح‌های جدیدی ارائه دادند مثلاً قبل از ورود معلم به کلاس در گوشه‌ای از تابلو امتیازات گروه‌ها و موارد ذخیره شده را نوشته بودند. رفته‌رفته مشاهده شد که گروه‌ها برای بیرون راندن رقیب به قسمت‌های «بیشتر بدانید»، «یک توضیح» و «فکر کنید و پاسخ دهید» روی آوردند و کلاس درگیر یادگیری نقشه‌ها، نمودارها و مطالبی شد که فقط برای مطالعه و ارزشیابی مستمر مقرر شده بود. این نوع روش کار تا نزدیکی امتحانات نوبت اول ادامه یافت. در جلسات نزدیک به امتحانات، امتحان کتبی گرفتیم. مشاهده کردم که سطح نمرات قابل قبول است و حتی برخی از دانش‌آموزانی که در درس‌های دیگر ضعیف بودند، در درس تاریخ نمره قابل توجهی کسب کرده‌اند. در نوبت دوم آوردن تحقیق و پژوهش و فعالیت خارج از کلاس هم به عنوان امتیاز تلقی و پروژه‌های خوبی توسط گروه‌ها اجرا شد.

دانش‌آموزان برای کسب نمرات بهتر و گردآوردن امتیازات بیشتر، خودشان مدیریت ارزشیابی‌های پایانی

را برعهده گرفتند. وقتی چنین دیدم، با مدیر مدرسه صحبت کردم که موافقت کند اگر گروهی بالاترین امتیاز را طی سال تحصیلی کسب کرد، در اواخر اردیبهشت ماه، سر صف و مقابل همه دانش‌آموزان مدرسه معرفی شود و افراد گروه نیز تشویق شوند. به نظر می‌آمد دیگر ترس کاذب از پرسش کلاسی و ارزشیابی پایانی ریخته شده و این شیوه پرسش انگیزه‌ای برای مطالعه ایجاد کرده بود. از آن سال به بعد (۱۳۸۰ش) در همه کلاس‌هایم از این روش استفاده می‌کنم. هرچند در برخی موارد و کلاس‌ها به‌طور کامل اجرا نمی‌شود و ناقص می‌ماند ولی در بیشتر کلاس‌ها، تاکنون، تأثیر مثبتی داشته است و گاهی هم تجارب ارزشمندی را برای خودم در پی دارد. در پی آن هستیم که اگر بتوانیم در برخی مدارس، با کمک مدیران، سیستم‌های الکترونیکی را به یاری این روش بیاوریم و با ایجاد تربیون‌های مخصوص و وجود چراغ‌هایی که توسط ارزیاب کنترل می‌شوند شرایط بهتری را برای اجرای این شیوه ایجاد کنیم.



# معرفی کتاب

اکرم علیخانی

دبیر تاریخ شهر تهران

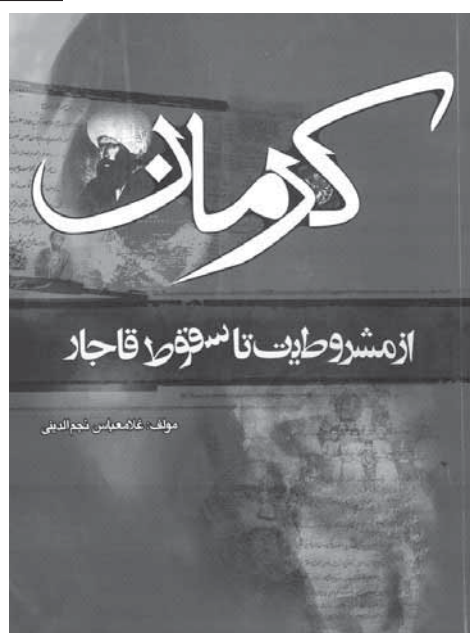
## کرمان از مشروطیت تا سقوط قاجار

تألیف: غلامعباس نجم‌الدینی

انتشارات: حسنین (ع) قم

شمارگان: ۲۲۰۰، ۲۴۸ ص، بهار ۱۳۸۵

قیمت: ۲۵۰۰ تومان



حکومت قاجار تا مشروطیت.

مؤلف در این فصل به بررسی اوضاع اقتصادی کرمان و رکود آن در واقعه حمله آقامحمدخان و احیای مجدد توسط فتحعلی‌شاه و تأثیر همسر کرمانی شاه قاجار بر این امر و گسترش و رونق صنعت و تجارت و محصولات کشاورزی در سرزمین کرمان پرداخته است.

### فصل چهارم: بافت اجتماعی و گروه‌های مذهبی کرمان

نویسنده در این فصل به بیان وضعیت گروه‌ها و فرق مختلف چون مسلمانان (شیعه و اهل تسنن)، شیخیه، بابیه، صوفیه، زرتشتیان، هندو و یهودی که در کرمان ساکن بوده و در روند حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن نقش داشته‌اند پرداخته است.

**فصل پنجم:** درگیری‌های فرقه‌ای و تأثیر آن بر اوضاع سیاسی و اجتماعی کرمان

درگیری‌های فرقه‌ای مورد بررسی در این فصل شامل درگیری شیخیه و متشرعه، درگیری شیخیه و بابیه و درگیری حیدری‌ها و نعمتی‌ها می‌باشد.

**فصل ششم:** بهره‌برداری‌های استعمار از درگیری‌های مذهبی در کرمان

دوره قاجار دوره اوج رقابت کشورهای استعمارگر اروپایی و توجه آنها به ایران است و در بسیاری از فتنه‌ها و انقلابات داخلی دست یکی از این کشورها احساس می‌شد. این وضعیت در منطقه کرمان به دلیل حساسیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی این منطقه شدیدتر و ملموس‌تر از سایر نقاط بوده است.

### بخش دوم: کرمان در دوره مشروطه

این بخش شامل شش فصل زیر است:

**فصل اول:** ساختار سیاسی کرمان در آستانه انقلاب مشروطیت

**فصل دوم:** ساختار سیاسی اجتماعی و اقتصادی کرمان در دوره مشروطیت، شامل اوضاع سیاسی و اجتماعی، اوضاع اقتصادی، اوضاع فرهنگی و اوضاع مذهبی.

**فصل سوم:** فعالیت گروه‌های مختلف به‌خصوص حزب دموکرات در کرمان

**فصل چهارم:** قیام سلاطین عشیره

**فصل پنجم:** جنگ جهانی اول و فعالیت آلمانی‌ها و عثمانی‌ها

مؤلف در این کتاب به بیان مطالبی در باب تاریخ اجتماعی کرمان و موقعیت جغرافیایی این شهر از مشروطه تا انحطاط قاجار پرداخته است. کتاب شامل سه بخش است:

### بخش اول: سرزمین و مردم کرمان، که خود به شش فصل

تقسیم شده است

#### فصل اول: حدود و موقعیت جغرافیایی، بلوکات و نواحی

نویسنده، کرمان را از ولایاتی دانسته که یکی از جهات اهمیت آن، موقعیت ویژه جغرافیایی اش است و بدین لحاظ در طول تاریخ مورد توجه خاص بوده است. بنابراین به بررسی وضعیت بلوکات و نواحی مختلف این سرزمین در دوره قاجار پرداخته است.

#### فصل دوم: نگاهی اجمالی به اوضاع سیاسی و محیط اجتماعی

کرمان از آغاز حکومت قاجار تا زمان مشروطیت.

#### فصل سوم: اوضاع اقتصادی و نظام مالیاتی کرمان از آغاز

در کرمان

**فصل ششم:** جنگ جهانی اول و فعالیت انگلیسی ها در کرمان، تشکیل پلیس جنوب (S.P.R)

**بخش سوم: حکام، اندیشمندان، جراید و مطبوعات، نمایندگان کرمان**

بخش سوم: از چهار فصل تشکیل شده است:

**فصل اول:** حکام کرمان در دوره مشروطه؛ نویسنده در این فصل به معرفی حکام کرمان در دوره مشروطه پرداخته است، یعنی از اولین حاکم که فیروز میرزانصرت الدوله پسر بزرگ عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود تا آخرین حاکم که سردار معظم خراسانی (تیمورتاش) در سال ۱۳۰۲ بود. این سالها مصادف بود با کاهش قدرت خاندان قاجار در ایران و تلاش های رضاخان در رسیدن به قدرت.

**فصل دوم:** اندیشمندان و آزادیخواهان کرمان در صدر مشروطیت

در این فصل نگارنده به معرفی آزادیخواهان کرمان در دوره مشروطه پرداخته است. افرادی نظیر: میرزا رضا کرمانی، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی کرمانی، ناظم الاسلام کرمانی و مجدالاسلام کرمانی، کرمانیان حتی قبل از انقلاب مشروطه نقش بسزایی در راه آزادی و مبارزه با استبداد ایفا نمودند و قربانیان زیادی در این راه دادند افرادی چون میرزا رضا کرمانی و آقاخان کرمانی و...

**فصل سوم:** جراید و مطبوعات کرمان

در زمینه مطبوعات و جراید و روزنامه نگاری، کرمانیان از ابتدای مشروطه آثار برجسته ای ارائه نمودند. در این قسمت مؤلف به معرفی جراید منتشر شده در کرمان از آغاز مشروطیت می پردازد؛ جرایدی چون:

۱. روزنامه اعتبار ۲. مرآت جنوب ۳. دارالامان ۴. جریده کرمان
۵. روزنامه دهقان ۶. روزنامه شهاب ثاقب ۷. مجله ادب ۸. روزنامه نامه فرهنگ ۹. مجله همدادی ۱۰. روزنامه بیداری ۱۱. روزنامه استقامت

**فصل چهارم:** نمایندگان کرمان در پنج دوره قانون گذاری

پس از صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه و آغاز به کار مجلس شورای ملی، در بین اسامی نمایندگان دوره های مختلف، اکثر نمایندگان به اصطلاح انتخابی کرمان یا غیر کرمانی بودند و یا از طرفداران ابراهیم خان ظهیرالدوله و محمد اسمعیل خان وکیل الملک دو حاکم مقتدر کرمان قبل از مشروطیت؛ و تنها تعداد محدودی خارج از این افراد به مجلس راه یافتند. مؤلف سپس به معرفی اندک نمایندگان کرمان در طول پنج دوره قانون گذاری پرداخته است.

در خاتمه کتاب نویسنده از موضوع مورد بحث نتیجه گیری کرده و در قسمت ضمائیم نیز تصاویری از شخصیت های سیاسی و مذهبی، روزنامه ها، احکام، اسناد و نقشه کرمان در دوره قاجار را افزوده است.

مؤلف با قرار دادن فهرست اعلام در انتهای کتاب، می تواند بر غنای کار خود افزوده و مطالعه کنندگان را بیشتر راهنمایی نماید.

## فرهنگ اصطلاحات، واژه ها و شخصیت های تاریخی

### جهان

تألیف: طاهره ذوقی، بی تا

ناشر: ارسطو، مشهد، ۱۳۸۹

چاپ اول: ۲۷۵ ص

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

مجموعه مذکور به عنوان یک منبع اطلاعات عمومی جهت کمک به علاقه مندان و دوست داران تاریخ تهیه شده است. هدف نگارنده معرفی واژه ها و اصطلاحات سیاسی و تاریخی، سازمان ها، کنفرانس ها، قراردادها، شخصیت های معروف اعم از سیاستمداران و افراد علمی، مکاتب سیاسی و... از قرون جدید تا امروز می باشد. کتاب حاضر می تواند به عنوان یک کتاب مرجع در دبیرستان ها مورد استفاده قرار گیرد چرا که بیشتر اصطلاحات به کار برده شده مختص کتاب سال سوم رشته علوم انسانی یعنی کتاب تاریخ ایران و جهان ۲ است و برای دانش آموزان این رشته، کتاب کمک آموزشی بسیار مناسبی می باشد. مطالعه آن برای دبیران این درس نیز مفید خواهد بود.

البته بهتر بود مؤلف با فصل بندی کتاب، قسمت های شخصیت ها، مکاتب، کنفرانس ها، سازمان ها و... را هر کدام در بخشی جداگانه توضیح می داد. ناشر نیز می توانست جلد مقاوم تری برای کتاب در نظر گیرد تا امکان نگهداری از آن، بویژه در قفسه کتابخانه های مدارس، بیشتر باشد.



## خلیج فارس (هارتلند جهان) مخزن انرژی دنیا و اهمیت ژئوپلیتیک آن

مؤلف: سیروس غفاریان

ناشر: انتشارات مدرسه

چاپ اول: ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه، تعداد صفحات: ۱۸۰

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

اشاره به اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس، و این که در منطقه خاورمیانه قرار دارد، نویسنده به واژه ژئوپلیتیک در فرهنگ سیاسی جهان معاصر اشاره نموده و سپس درجه اهمیت خاورمیانه و خلیج فارس را از این نظر مورد بررسی قرار داده است.

**فصل سوم: خلیج فارس، کانال سوئز و اقیانوس هند، ژئوپلیتیک در هم تنیده؛** نگارنده نخست توضیحاتی در مورد کانال سوئز داده و قید نموده که اگر تنگه هرمز، به هر دلیل، بسته یا ناامن شود کانال سوئز در منطقه غرب خاورمیانه، که محل اتصال آسیا و آفریقا است و نیز و تنگه مالاکا در شرق اقیانوس هند، که این دو نقطه بیشترین عبور کشتی را به خود اختصاص داده‌اند، اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خود را از دست می‌دهند. پس می‌توان گفت که خلیج فارس، همچون قلبی، از طریق شاه‌رگ اقیانوس هند تا کانال سوئز، مواد اولیه و انرژی مورد نیاز ژاپن، اروپا و آمریکا را ترانزیت می‌کند.

مؤلف در این قسمت به بیان آمار نفت استخراج شده خلیج فارس و میزان صادرات آن به کشورهای صنعتی اهمیت این منطقه برای آنان و حفظ امنیت اقتصادی این خلیج اشاره می‌کند. در انتهای این بخش تدبیرهای دولت‌های اروپایی و آمریکا در اقیانوس هند برای ایجاد امنیت کالاها و بازارهای فروششان در شرق آسیا و خلیج فارس ذکر شده است.

**فصل چهارم: خلیج فارس، بزرگ‌ترین مخزن انرژی در جهان؛** مؤلف در این فصل ابتدا تعریفی از انرژی و انواع آن ارائه می‌دهد؛ سپس از کشف نفت تا تشکیل هفت خواهران نفتی، سخن می‌گوید. بعد به معرفی منابع نفت و انرژی در خلیج فارس و شرکت‌های نفتی خارجی همکار ایران در گذشته و حال می‌پردازد. آنگاه شرکت‌ها و میدان‌های نفتی و گازی را که محصولاتشان از طریق خلیج فارس صادر می‌شود و بالاخره وضعیت شرکت‌های نفتی فعال در کشورهای عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی و عمان را بررسی می‌کند.

در آخر فصل نیز در مورد اوپک و خلیج فارس توضیحاتی آورده است.

**فصل پنجم: آذربایان، مهم‌ترین محصول منطقه خلیج فارس** پس از نفت.

توجه بشر به مواد غذایی پروتئین‌دار و بی‌ضرر عامل دیگری برای توجه به خلیج فارس به‌عنوان منبعی سرشار از



خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مناطق سوق‌الجیشی خاورمیانه است و از جنبه‌های مختلف نظیر موقعیت ژئوپلیتیک، اقتصادی، نظامی و وجود تنگه هرمز در آن، گلوگاه جهان صنعتی است و دارای موقعیت ویژه‌ای می‌باشد از این‌روست که از آن به‌عنوان هارتلند جهان (قلب جهان) یاد می‌کند. به عبارتی، همان‌طور که قلب کانون توزیع خون در بدن است این منطقه نیز منتقل‌کننده نفت و انرژی به تمام نقاط کره زمین است. کتاب در دوازده فصل، به شرح زیر تألیف، شده است.

**فصل اول:** نظری به وضعیت جغرافیایی خلیج فارس؛ در این فصل ابتدا به موقعیت جغرافیایی خلیج فارس اشاره شده، سپس به تعریف فلات قاره و شرح چگونگی پدیدار شدن این مفهوم پرداخته و در ادامه، درباره تنگه هرمز و مقررات عبور و مرور در آن توضیحاتی داده است.

**فصل دوم:** خاورمیانه و خلیج فارس؛ در این فصل ضمن

خطی که فلات قاره ایران را با رأس الخیمه مشخص می‌کند قرار دارد. دولت جمهوری اسلامی ایران هم از نظر تاریخی و هم از نظر حقوق دریایی حق دارد با توجه به دو فاکتور بالا به ادعاهای واهی ساحل‌نشینان جنوب خلیج فارس پاسخ قانونی بدهد. مؤلف در این قسمت به بررسی موقعیت جزیره ابوموسی، شواهد و دلایل تاریخی حاکمیت ایران بر جزیره‌های سه‌گانه، باز پس گرفتن جزیره‌ای تنب و ابوموسی، ادعای واهی صدام حسین و شکایت به شورای امنیت و توضیحات در مورد تنب‌ها و اهمیت جزایر سه‌گانه می‌پردازد.

**فصل یازدهم:** تاریخچه خلیج فارس از دورترین زمان تاکنون؛ آغاز دریانوردی در خلیج فارس به قبل از آمدن آریایی‌ها به فلات ایران می‌رسد. بومیان ایران که از نظر باستان‌شناسان «آسیایی» خوانده شده‌اند دیرینگی‌شان به هفت‌هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. آنان درختان را می‌بریدند و با بستن آنها به هم کلک می‌ساختند. نویسنده پس از بیان دریانوردی در خلیج فارس در دوران حاکمان مهتلف ایران، آغاز نفوذ استعمارگران در خلیج فارس، نکته‌هایی در رفع شبهات درباره خلیج فارس و نظریات محفل‌های عربی و سازمان ملل متحد در مورد خلیج فارس را بررسی می‌کند.

**فصل دوازدهم:** تصاویر و نقشه‌های خلیج فارس؛ مؤلف در فصل پایانی به ارائه تصاویر و نقشه‌های ارزشمند و جالبی از گذشته تا حال در مورد خلیج فارس می‌پردازد.

نام کتاب: شرح و تحلیل رجزهای حماسه‌آفرینان کربلا در روز عاشورا همراه با ترجمه‌ی منشور و منظوم  
پدیدآورندگان: دکتر محمدحسین فوادیان، فاطمه حسنلوئی  
ناشر: آژنگ

چاپ اول، زمستان ۱۳۸۸

۲۶۹ صفحه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

واقعۀ عاشورا بزرگ‌ترین ایثار حماسی در دفاع از ارزش‌ها و اعتقادات دینی به شمار می‌رود، این ایثار حماسی، الگویی است که باید در حراست از آن کوشید و به آن تأسی جست. برای تحقق این امر باید ماهیت این نهضت بزرگ را شناسایی نمود. از دیدگاه مؤلفین کتاب فوق این شناخت، از طریق مطالعه و تحقیق و بررسی منابع مستند و معتبر آن واقعۀ بزرگ امکان‌پذیر

پروتئین (ماهی) و مروارید است. نویسنده در این فصل به سابقۀ مطالعات درباره منابع صید ماهی و تأسیس شرکت ماهی‌گیری خلیج فارس و بررسی انواع ماهی‌های این خلیج و دریای عمان پرداخته است.

**فصل ششم:** تاریخچه نام خلیج فارس؛ در این فصل، نویسنده قدیمی‌ترین نام این پهنه‌آبی را «نارمرتو» به معنی «دریای تلخ» می‌داند که در کتیبه‌های آشوری آمده است. وی با بررسی کتاب‌های جغرافی دانان مسلمان آورده است که همه آنان در کتاب‌هایشان از خلیج فارس به دریای پارس یا «الخلیج لافارسی» یاد کرده‌اند، آنگاه با ذکر نام کتاب و نویسندگان برخی از این افراد به جملاتشان در این مورد اشاره کرده است. سپس شرحی در مورد این که خلیج عربی کجاست؟ نوشته و به همایش خلیج فارس به ابتکار محمدمحیط طباطبایی در سال ۱۳۴۱ اشاره می‌کند.

**فصل هفتم:** نگاهی به جغرافیای تاریخی سرزمین‌های حوزه خلیج فارس؛ نگارنده در این قسمت به بیان وسعت سرزمین ایران در گذشته، مرزهای آن در دوره‌های مختلف به‌ویژه در دوره ساسانیان و تعلق شهرهای عراق کنونی در آن دوره به ایران پرداخته و فهرست شهرها و ولایت‌هایی را که در عراق نام فارسی و غیرعربی داشته‌اند ذکر نموده است.

**فصل هشتم:** نفوذ فرهنگ و تمدن ایران در ساحل جنوبی خلیج فارس و جزیره‌العرب؛ ایرانیان قبل از اسلام بیش‌ترین نفوذ فرهنگی و تمدنی را در جزیره‌های خلیج فارس و منطقه عمان داشته‌اند. مؤلف، کشف کتیبه‌ای به خط میخی توسط هنری راو لینسون را نشان‌دهنده تعلق جزیره بحرین به ایران در دوره هخامنشیان می‌داند، سپس با ارائه دو شاهد و مدرک محکم، پارسی بودن منطقه‌های جنوبی خلیج فارس را بیان می‌دارد.

**فصل نهم:** بندرها و جزیره‌های خلیج فارس و اهمیت آن‌ها؛ بندرها و جزیره‌های خلیج فارس یکی از مهم‌ترین ایستگاه‌های دریایی این منطقه برای مسافرت به هند، چین و جنوب منطقه هدن و نیز سفر به دریای سرخ و سواحل آفریقا بوده است. مؤلف در این فصل به معرفی بندرها و شهرهای مهم و جزیره‌های خلیج فارس که اکثرشان متعلق به ایران است می‌پردازد.

**فصل دهم:** جزیره‌های تنب و ابوموسی و اهمیت آن‌ها؛ این جزایر از نظر استراتژیک برای خاک ایران اهمیت حیاتی دارند. جزیره‌های تنب بزرگ، کوچک درست در آب‌های فلات قاره ایران قرار دارند و جزیره‌ابوموسی در روی خط منصف، یعنی



است. یکی از منابع مهم مطالعاتی در این زمینه، اشعاری است که حضرت اباعبدالله (ع) و یارانش در کربلا و در روز عاشورا در قالب رجز خوانده‌اند؛ رجزهایی که دورنمایه آن‌ها حاکی از رشادت‌های آن بزرگواران است و همگی دارای مفاهیمی پر محتوا هستند.

مؤلفین جهت غنای بیشتر کتاب، از قدیمی‌ترین و معتبرترین منابع و مقاتل (مقتل ابی مخنف) تا جدیدترین منابع را در مورد رجزهای شهدای کربلا مورد بررسی قرار داده‌اند. این کتاب در سه فصل تدوین شده است.

#### فصل اول: آشنایی با رجز و تاریخچه آن

نویسندگان در این فصل به بررسی واژه‌شناسی و تاریخچه پیدایش رجز، تغییر و تحول رجز از دوره جاهلی تا دوره اموی و خواندن رجز در دوران اسلامی پرداخته‌اند.

#### فصل دوم: رجزهای شهیدان کربلا در روز عاشورا

این فصل به تفصیل به شرح لغات و ترجمهٔ منثور و منظوم رجزهای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یارانشان در عاشورا پرداخته است.

نگارندگان سپس به ذکر نام شهدای کربلا، که به ترتیب به میدان جنگ رفته‌اند، پرداخته‌اند و با آوردن مختصری از شرح حال و زندگی این بزرگ مردان و بیان رجزهایی که در میدان جنگ خوانده‌اند، به ترجمهٔ منثور و ترجمه و شرح منظوم هر یک از رجزها پرداخته‌اند.

در انتهای این فصل هم اسامی شهدایی که از آن‌ها رجزی نقل نشده است آمده است. منابع اصلی این فصل مقتل الحسین مرقوم و تاریخ طبری بوده و ترجمهٔ منظوم رجزها برگرفته از کتاب یاقوت احمر اثر مرحوم میرزا علی اکبر خان وقایعی،

ملقب به مشکات السلطان است.

#### فصل سوم: بررسی و تحلیل رجزها

از میان ۸۷ قطعه (۲۹۸ بیت) رجز روز عاشورا که از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات حماسی جهان اسلام به شمار می‌روند، به جز اشعار اباعبدالله الحسین (ع) که در هشت قطعه و یک قصیده ۳۸ بیتی بیان شده است، بیشترین قطعات مربوط به حضرت ابوالفضل (ع) و حرّ بن یزید ریاحی در شش قطعه است. حر بیشترین ابیات یعنی ۱۹/۵ بیت را به خود اختصاص داده است.

نگارندگان در این فصل به تحلیل محتوایی رجزها پرداخته و کوشیده‌اند پیام‌های اصلی رجزها را بیان نمایند. آنان مضامین رجزهای شهدای کربلا را در دو دسته زیر تحلیل نموده‌اند و به ترسیم نمودار آن‌ها پرداخته‌اند.

#### ۱. رجزهای اعتقادی - عبادی

شامل ایمان به خداوند و بیان صفاتش و تسلیم در برابر خواست الهی، رجعت به سوی خدا و یقین به مرگ حتمی، ایمان به نبوت پیامبر و شفاعت آن حضرت در روز محشر، امانت و ولایت حضرت علی (ع) و جایگاه آن حضرت در دنیا و آخرت، شهادت طلبی و لزوم آن در عصر طاغوت، بشارت به بهشت و توصیف آن، بشارت به دیدار بهشتیان و یقین به دریافت پاداش الهی و امید رستگاری به خاطر دفاع از خاندان نبوت.

#### ۲. رجزهای اخلاقی

شامل غفلت زدایی و بیدارسازی مردم، صبر و شکیبایی و توصیه به آن، عزت نفس، یاری خواهی از همه در راه احقاق حق، ایثار و جانبازی، احساس تعهد نسبت به حریم خانواده، وفاداری و توکل به خدا. نویسندگان پیام اصلی متجلی در رجزهای عاشورا را در دو محور دانسته‌اند:

۱. حمایت یاران و اصحاب از امام حسین و یقین به امامت آن حضرت
  ۲. مبارزه با سلطه‌جویی و طغیان طاغوت و ابراز انزجار از آن‌ها
- و با ترسیم نموداری در این زمینه پیام اصلی را نشان داده‌اند.

علاوه بر موارد مذکور، رجزخوانان روز عاشورا در رجزهایشان از، عشق به خاندان بنی هاشم، دعا در حق شهدای حملهٔ نخستین و ستودن آن‌ها، انتقام‌گیری، دعا علیه دشمنان، تعصب جاهلی دشمنان و بی اعتباری دنیا سخن گفته‌اند.



# نشست آسیب شناسی برنامه درسی تاریخ

با حضور سرگروه های تاریخ در شهر تهران، شهرستان های استان و استان البرز

حشمت الله سلیمی

جلسه با تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید روز ۸۹/۱۱/۱۷ در سالن اجتماعات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با حضور سرگروه های تاریخ استانی مذکور آغاز شد.

ابتدا آقای جمالی فر، قائم مقام دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی، نظرات خود را درباره اهمیت و جایگاه درس تاریخ در برنامه درسی ملی بیان کرد و مشارکت گروه های درسی و دبیران را در بازنگری برنامه درسی مغتنم شمرد. ایشان هدف برنامه درسی ملی را بومی سازی نظام آموزش و پرورش براساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانست که از مرحله نیازسنجی از دبیران و دانش آموزان آغاز شده و تمامی مراحل تدریس، صلاحیت دبیران و شیوه ارزشیابی را در نظر می گیرد.

سپس دکتر پرتوی، کارشناس مسئول گروه تاریخ دفتر تألیف، توضیحاتی درباره برنامه درسی تاریخ ارائه داد. به اعتقاد وی برنامه درسی یک فرایند منسجم و هماهنگ است که از نیازسنجی و برنامه ریزی آغاز می شود و تا ارزشیابی از محتوای آموزشی در مدرسه ادامه می یابد. وی این فرایند را مجموعه ای به هم پیوسته دانست. از نظر وی اشکالات و آسیب های فرایند برنامه درسی عبارت است از:

- در حوزه نظر، تعاریف از اشکالات اساسی برخوردار است و هنوز یک تعریف به روز از دانش و رشته تاریخ وجود ندارد.
- اشکال دیگر، ابهام در هدف گذاری است؛ هدف از آموزش تاریخ در حوزه آموزش و پرورش چیست؟
- اشکال دیگر، عدم تعادل و توازن در حوزه های مختلف است. در کتاب های درسی تاریخ حوزه سیاسی و نظامی بسیار فربه شده و حوزه های دیگر مغفول مانده است. این عدم تعادل، موجب عدم پیوستگی میان مباحث تاریخی شده و تاریخ را از صورت کاربردی خارج کرده است.

آقای پرتوی در این راستا راهکارهایی پیشنهاد کرد:

- تعریف درست از تاریخ
- تعریف درست از علم تاریخ
- تعیین اهداف آموزش تاریخ

نامبرده بر این اساس برای تدوین کتب درسی دو راه حل پیشنهاد کرد:

۱. بررسی تاریخ در دوره متوسطه برحسب سیر تحولات در حوزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به طور منسجم و مرتبط با یکدیگر و ارائه مطالب ریز در قالب جدول
۲. ساده تر و کاربردی کردن درس تاریخ شناسی و ادغام آن در کتاب های ایران و جهان (۱) و (۲) و تبدیل این دو کتاب به سه کتاب

همچنین از همکاران خواسته شد که راهکارهای پیشنهادی خود را به صورت مکتوب ارائه دهند

در اواخر وقت، آقای دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، نیز در جلسه حضور یافت و همکاران شرکت کننده مسائل و نظرات خود را مطرح کردند آقای دکتر پرتوی پاسخ دادند و در آخر دکتر محمدیان مطالبی به این شرح ارائه کرد: ابتدا باید طرح مسئله شود و سپس درصدد حل آن برآمد. در این زمینه متغیرهای زیادی وجود دارد که باید برآیند کلی آن ها را در نظر گرفت.

در برنامه درسی ملی بحث مطالعات اجتماعی که شامل دانش اجتماعی، جغرافیا و تاریخ با هم دیده شده است و سعی شده تاریخ به صورت کاربردی دیده شود و از حالت انتزاعی خارج گردد. و در این راستا روش های یادگیری، محیط های یادگیری و شیوه ارزشیابی متناسب با برنامه درسی طراحی خواهد شد.

## ارزیابی رشد آموزش تاریخ

جلسه نقد و بررسی مجله رشد آموزش تاریخ در روز ۸۹/۱۱/۱۶ با شرکت آقایان ناصر نادری، فریبرز بیات، ابوالفضل نفر، بهنام شاددل، مسعود جوادیان، کاظم طلایی، جعفر ربانی و خانم‌ها فریبا کیا و مهسا قبایی برگزار شد. در این جلسه ابتدا مسعود جوادیان مدیر داخلی مجله توضیحی درباره روند آماده‌سازی مجله و شیوه همکاری اعضای تحریریه ارائه داد. سپس حاضران به اظهار نظر درباره جنبه‌های گوناگون شماره‌های اخیر نشریه مذکور پرداختند. آن‌گاه، آقای نادری (معاون مجلات دفتر انتشارات کمک آموزشی) یادآور شد که شایسته است در مجله به همه دوره‌های تاریخی به‌طور متوازن توجه شود. آقای بیات (کارشناس مرکز مطالعات) ضمن اشاره به برخی جنبه‌های مثبت مجله، معتقد بود که جای انتشار مقالاتی در زمینه نقد کتاب‌های درسی تاریخ در مجله رشد تاریخ خالی است. وی اضافه کرد برخی عنوان‌های انتخاب شده برای مقالات می‌تواند بهتر و جذاب‌تر گردد. خانم کیا نیز درج مقالات دبیران تاریخ، پرداختن به موضوعات مورد نیاز معلمان، و توجه به انواع قالب‌های ادبی را از مزایای شماره‌های اخیر رشد آموزش تاریخ دانست. وی نیز معتقد بود برخی عنوان‌ها (تیتراها) برانگیزاننده نیست. آقای طلایی بر استفاده از تصویرهای مناسب و اصلی و پرهیز از تصویرهای اینترنتی و بی‌کیفیت، تأکید ورزید. شاددل نیز رعایت جدول زمان‌بندی مراحل آماده‌سازی مجله را یادآور شد.

در پایان جوادیان، قبایی (صفحه‌آرا و گرافیکست) و ربانی (ویراستار) به پرسش‌های حاضران پاسخ گفتند.

## تاریخ در پایگاه‌های خبری

### کشف ۳ قبرستان از «عصر حجر» در سوریه

باستان‌شناسان سوری در جریان کاوش‌های خود در محوطه تاریخی منطقه «تل الکرخ» در شمال غرب سوریه موفق به کشف آثاری از «عصر حجر» شدند.

به گزارش گلوبال عربنت‌ورک، تا به حال به جز بقایای سه گورستان کشف شده ده‌ها اسکلت و صدها اثر تاریخی گوناگون از جمله زیورآلات ساخته



شده از استخوان حیوانات، و ظرف‌ها و چاقوهای سنگی نیز کشف شده است. هفته گذشته نیز باستان‌شناسان سوری در جریان کاوش‌های خود در منطقه تاریخی تپه «دوبه‌بریکا» در استان «سواید» موفق به کشف سه مغازه شدند که قدمت آن‌ها به هزاره دوم پیش از میلاد مسیح (ع) باز می‌گردد.

در روزهای پایانی ماه اکتبر نیز در جریان پروژه آب‌رسانی به یکی از مناطق شهر «هومس» در مرکز «سوریه»، دو مقبره دست‌نخورده از تمدن روم باستان با قدمتی چند هزار ساله کشف شد.

### دادگاه سران نازی در «نورنبرگ» موزه شد

یک بنای تاریخی در شهر «نورنبرگ»

### کشف آثار تاریخی در محل کشف مجسمه‌های ابوالهول در «مصر»



با گذشت کمتر از یک هفته از کشف جاده‌ای در منطقه لکسور (Lexur) مصر که ۱۲ مجسمه ابوالهول در دو طرف آن قرار داشتند، باستان‌شناسان موفق به کشف آثار تاریخی دیگری در نزدیکی این جاده شدند.

به گزارش ان‌بی‌سی، تابه حال علاوه بر جاده‌ای که معبد موت (Mut) در مجموعه معابد «لکسور» را به مجموعه تاریخی کارناک (Karnak) متصل می‌کند و در حدود ۲۴۰۰ سال قبل به دستور فرعون نستابوی اول (Nectaboi) ساخته شده، آثار تاریخی دیگری، شامل بقایای یک خانه و یک نیلومتر (وسیله‌ای برای سنجش سطح آب رود نیل در زمان طغیان) با قدمتی در حدود دو هزار سال کشف شده‌اند. این درحالی است که باستان‌شناسان کشف مجسمه‌های ابوالهول دیگری را نیز محتمل می‌دانند. اخیراً نیز دکتر زاهی هاواس، دبیرکل هیأت ارشد آثار باستانی مصر، از کشف مجسمه‌ای از آمنحو سوم پدر بزرگ توتنخامون در محوطه‌ای تاریخی در منطقه «لکسور» این کشور خبر داد. در ماه‌های قبل نیز آثار دیگری در مناطق باستانی مصر کشف شده بود.

## مژگان عقیقی

در مراغه متعلق به قرن ششم و هفتم است.

قلعه الموت که یکی از منحصر به فردترین دژهای تاریخی ایران است در منطقه رودبار الموت از توابع قزوین واقع شده است.

### اسناد سوگند وفاداری سلطنتی ۲۷۰۰ ساله در ترکیه کشف شد

اسناد وفاداری ساکنان شهر باستانی تاینات ترکیه به پادشاه آشور در معبدی ۲۷۰۰ ساله در این شهر کشف شد

به گزارش خبرگزاری فارس، این الواح یا اسناد که اطلاعات تازه‌ای از چگونگی حکومت آشوریان بر تاینات را به تصویر می‌کشند در ضریح یا محل استقرار بت معبد، که بخشی مهم از چنین اماکنی بوده و به مقدس‌ترین مقدسان شهرت داشته‌اند، نصب شده بودند. از سوگندهای نوشته شده روی الواح مشخص است که حاکم شهر و به احتمال فراوان دیگر شهروندان، فردی به نام آشوربانیپال را به عنوان وارث تخت امپراتوری آشور پس از مرگ پدر وی می‌دانستند.

در بخش‌هایی از این اسناد وفاداری آمده است: «باید وی را در کشور و شهر محافظت کنید و برای او جان دهید. باید



یکدیگر قرار دارند برای رصد ستارگان توسط خواجه‌نصیرالدین طوسی استفاده می‌شده است.

مدیر پایگاه الموت با اشاره به این‌که این دریاچه‌ها در بخش قلعه بالا قرار دارند، گفت: کل قلعه الموت دارای ویژگی‌هایی است که نشان می‌دهد از آن به عنوان محلی برای رصد ستارگان نیز استفاده می‌شده است. مثلاً رصدخانه باید حداقل ۲۲۰ متر از سطح زمین بالاتر باشد که این ویژگی در این قلعه نیز وجود دارد و دور تا دور آن می‌توان ستارگان را رصد کرد.

چوبک با اشاره به این‌که در متون متعددی آمده که در قلعه الموت آلات رصد بسیاری وجود داشته است، گفت: مهم‌ترین کتاب نجوم که دستورالعمل‌ها نام دارد نیز در قلعه الموت به رشته تحریر درآمده است.

وی تأکید کرد: از مقایسه قلعه الموت با رصدخانه مراغه مشخص می‌شود که خواجه‌نصیرالدین طوسی پس از الموت،



رصدخانه مراغه را می‌سازد. با این فرضیه می‌توان گفت که خواجه از الگوی الموت برای ساخت رصدخانه مراغه استفاده کرده است.

به گفته مدیر پایگاه الموت، آثار رصد



آلمان که در سال‌های دهه ۳۰ قرن بیستم برای گردهمایی نازی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و در سال‌های ۶ - ۱۹۴۵ با نام «دادگاه نورنبرگ»، محل محاکمه ۲۲ تن از سران نازی از جمله «رودلف هس» و «هرمان گورینگ» بود که به اتهام جنایات جنگی محاکمه می‌شدند، به موزه تبدیل شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، دادگاه نورنبرگ سالانه میزبان ۲۰ هزار گردشگر است و اکنون مسئولان شهر قصد دارند با تبدیل کردن بخش‌هایی از آن به موزه، تاریخ جنگ جهانی دوم را زنده کنند.

### کشف «رصدخانه» خواجه‌نصیرالدین طوسی در قلعه الموت

به گزارش خبرگزاری فارس، مدیر پایگاه الموت از کشف رصدخانه خواجه‌نصیرالدین طوسی در قلعه الموت خبر داد.

حمیده چوبک گفت: طی کاوش‌هایی که در قلعه الموت انجام دادیم دریاچه‌هایی برخورد کردیم که این فضاها قطعاً پنجره‌هایی برای دیده‌بانی نبوده تا از چیزی محافظت کنند. این دریاچه‌ها روبه جنوب شرق باز می‌شوند، یعنی به سوی محلی که اولین ستاره‌ها می‌آیند. بنابراین، از این ۳ دریاچه که با فاصله معینی از



به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، باستان‌شناسان پرویی در جریان کاوش‌های خود در حریم شهر تاریخی «سوسکو» در پرو موفق به کشف دو قبرستان از تمدن اینکا شدند که تا به حال دست‌نخورده باقی مانده‌اند.

به گزارش لیمانیز، تا به حال آثار ارزشمندی از تمدن اینکا در این ناحیه کشف شده که از آن جمله است کشف بقایای استخوان‌های چندین کودک که احتمالاً در قالب نوعی مراسم مذهبی قربانی شده بوده‌اند.

در کنار استخوان‌های این کودکان زیورآلات، چندین مجسمه، استخوان‌های حیوانات و تکه‌های پارچه نیز کشف شده است.

### کشف یک قرآن قدیمی در کلیسای آمریکایی



خبرگزاری فارس: یک نسخه قدیمی قرآن کریم در کلیسای «یونیورسالیست» شهر «مدفورد» در ایالت «ماساچوست» آمریکا کشف شد. هنک پیرس، کشیش

چوب، چوب درختان جوان و چوب درختان پیر، که سخت است، ساخته شده است.

در سپتامبر ۲۰۰۸ نیز آژانس خبری چک از کشف مجسمه نیم تنه یک زن در محوطه تاریخی ماسویچ در جنوب جمهوری چک خبر داده بود. این مجسمه متقوش و از جنس سرامیک بوده و به احتمال زیاد به عنوان بت مورد پرستش مردم مرویان بوده است. کشف این مجسمه از آن نظر اهمیت دارد که تاکنون هیچ مجسمه‌ای با این ابعاد و قدمت در اروپای مرکزی کشف نشده بود. در اکتبر ۲۰۰۷ نیز یک مجسمه هفت هزار ساله دیگر که باستان‌شناسان کشور چک آن را کشف قرن می‌دانند، در دهکده ماسویچ در شرق شهر نوجموی این کشور کشف شد.

طبق بررسی‌های باستان‌شناسان، این مجسمه به یکی از خدایان مردم عصر نوسنگی به نام هدیویکا تعلق دارد. مجسمه یاد شده از جنس سرامیک است و در جریان احداث یکی از ساختمان‌های اداری شهر نوجمو کشف شده است.

### کشف آثاری از اینکاها در پرو



با آرامشی قلبی با وی صحبت کنید و با آوایی از روی وفا او را صدا زنید و در تمامی مراحل به او احترام گذارید.»

محققان معتقدند، این اسناد در هجدهمین روز از ماه دوم سال ۱۷۲۲ پیش از میلاد نگاشته شده‌اند. به گفته یکی از محققان ارشد این کاوش، این الواح به احتمال فراوان همزمان با تاریخ الواح شهر نمرود در عراق امروزی نگاشته شده‌اند.

با این وجود هنوز پرسش‌هایی برای باستان‌شناسان در خصوص این الواح وجود دارد: چرا چنین سوگندی در چنین مکانی قرار داشته است؟ آیا نذر بوده است؟ و یا شیئی مخصوص انجام مراسم مذهبی بوده است؟

شهر تانیات در دشت آموق و در مرز سوریه امروزی بنا شده بود و در سال ۷۳۸ پیش از میلاد به دست آشوریان فتح گردید. معبد این شهر که پیش از حمله آشوریان ساخته شده بوده بنایی به ابعاد ۱۲ در ۶ متر دارد.

### کشف یک منبع آب چند هزار ساله در چک

یک منبع آب چند هزار ساله چوبی در جمهوری چک کشف شد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، باستان‌شناسان آکادمی علوم چک در شهر پراگ در جریان کاوش‌های خود در یک محوطه تاریخی ۱۰ هزار ساله در کوه‌های والادار در منطقه بوهیمیا موفق به کشف سازه‌ای چوبی با قدمتی در حدود ۲۵۰۰ سال شدند که به احتمال فراوان از آن به عنوان منبع آب استفاده می‌شده است.

به گزارش پراگ مانیتور، این منبع برای جلوگیری از نشست آب، از دو نوع

خبرنگار مهر گفت: اواخر هفته گذشته فردی که در حال احداث ساختمان یک دامپروری با مجوز اداره میراث فرهنگی مسجد سلیمان در کنار زمین کشاورزی خود بود متوجه شد یک حفاری غیرمجاز در این زمین انجام شده است.

به دنبال پیگیری و بازدید دستداران میراث فرهنگی از این محل مشخص شد که این طاقه و لایه‌ها مشابه مدل طاقه‌های متعلق به دوره اشکانیان است که پیش از این در مناطق دیگر مسجد سلیمان کشف شده است.

وی افزود: با مشاهده این لایه‌های تاریخی توسط انجمن دستداران میراث فرهنگی تارینا مراتب به اداره میراث فرهنگی مسجد سلیمان گزارش شد تا از ادامه حفاری در این منطقه جلوگیری شود.

### کشف مقبره‌ای کامل از عصر حجر

خبرگزاری فارس: باستان‌شناسان در جزیره اورکنی در شمال اسکاتلند آرامگاهی را پیدا کرده‌اند که تصور می‌شود متعلق به ۵ هزار سال قبل باشد. این مقبره که کامل‌ترین مقبره کشف شده از عصر حجر است به نام «مقبره عقاب» معروف شده و بیش از ۳۰۰ نفر در آن دفن شده‌اند.

جولیه گیسون از شورای باستان‌شناسی جزیره اورکنی گفت: اسکلت‌های پیدا شده در این مقبره می‌توانند به ما در مورد مردم، زمان و عصر حجر اطلاعاتی بدهند.

وی افزود: نه تنها در مورد مرگ این افراد، بلکه در مورد شیوه و نوع زندگی آن‌ها نیز اطلاعات ارزشمندی می‌توان از این اسکلت‌ها به دست آورد.

بود، اما بخش‌های جدید آن بر اثر وقوع توفان «کارل» که در ماه‌های اخیر به سواحل مکزیک رسیده، کشف شد.

تابه حال در این قبرستان تاریخی علاوه بر اسکلت ۲۰ انسان، آثار تاریخی ارزشمند دیگری از سال‌های پیش از ورود اسپانیایی‌ها به مکزیک فعلی کشف شده است. این در حالی است که محوطه تاریخی «وراکروز» در طی سال‌های گذشته، محل کشف آثار تاریخی با قدمتی در حدود ۷۰۰ سال بوده است.

### کشف یک محوطه تاریخی از دوره اشکانیان در مسجد سلیمان

در ناحیه‌ای واقع در «حد فاصل روستای بتوند و کرائی در مسجد سلیمان، حفاری غیر مجازی انجام شده



که بررسی کارشناسان نشان می‌دهد لایه دیواره و طاقه‌های محل حفاری شبیه به طاقه‌های دوره اشکانیان است.

مجتبی گهستونی سخنگوی انجمن دستداران میراث فرهنگی تارینا به

و محقق آمریکایی که برای بازدید از کتاب‌های قدیمی کتابخانه اسقف «دیوید اسگود»، که نزدیک به ۳۰۰ سال پیش در خدمت کلیسای یونیورسالیست شهر کدفورد در ایالت ماساچوست آمریکا بوده است، به این مکان رفته بود؛ در میان کتب قدیمی این کتابخانه، نسخه‌ای از قرآن کریم را کشف کرد.

پیرس با اشاره به این که این نسخه ترجمه شده قرآن در سال ۱۷۵۹ میلادی منتشر شده است، گفت: این قرآن در پایان انقلاب آمریکا و در زمانی که هیچ مسلمانی در ماساچوست ساکن نبوده است، منتشر شده و اسقف اسگود برای مطالعه مفاهیم این کتاب، آن را تهیه کرده است.

وی در ادامه گفت: یافتن این نسخه قرآنی در کلیسای مدفورد از آن جهت قابل توجه است که نشان می‌دهد آموزه‌های پیامبر اسلام از بیش از دو قرن پیش در این کلیسا مورد توجه بوده است.

### کشف یک قبرستان ۴۰۰ ساله پس از توفان

باستان‌شناسان مکزیکی در جریان کاوش در محوطه تاریخی وراکروز (veracruz) این کشور موفق به کشف قبرستانی با ۲۰ اسکلت متعلق به قرن ۱۶ میلادی با قدمتی ۴۰۰ ساله شدند.

به گزارش آرکئولوژی نیوز، محوطه تاریخی وراکروز سال‌ها قبل کشف شده



# از میان نامه‌ها

جناب آقای مسعود جوادیان، مدیر داخلی مجله رشد آموزش تاریخ  
سهیلا نعیمی، تنکابن

ضمن عرض سلام و تشکر از زحمات شما و تمامی دست‌اندرکاران مجله رشد تاریخ، ستون سخنی با خوانندگان در آخرین شماره مجله [شماره ۴۰] بهانه نوشتن این نامه به شما شد.

ابتدا لازم است یادآور شوم که اطلاعات ارزشمندی در زمینه تاریخ و کسب مهارت‌های شغلی نصیب اینجانب شده است، امیدوارم نقطه نظرات بنده هم بتواند سهمی کوچک در ارتقاء کیفی مجله داشته باشد. مهم‌ترین موضوعاتی که به نظرم می‌رسد بدین قرار است:

- جای پژوهش‌های میدانی در مجله رشد تاریخ بسیار خالی است. اغلب تحقیقات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. سال‌ها پیش کتابی از رابینو می‌خواندم که در زمان حضورش در ایران و سفر به گیلان و مازندران از بازاری محلی همین محل (سلیمان‌آباد) دیدن کرده بود. جالب این‌که با گذشت سال‌ها، این بازار هنوز در همین روز و توسعه شهری و جذب گردشگری پیر جاست. این نکته برایم بهانه‌ای شد تا به پژوهش درخصوص نقش بازارهای محلی تنکابن در یافت و از استان مازندران نیز مورد تقدیر قرار گرفت.

- هر ساله آموزش و پرورش استان مسابقاتی را در زمینه مقاله‌نویسی، طرح سوال استاندارد و طرح درس بین دبیران تاریخ برگزار می‌کند. پیشنهاد اسامی افراد برگزیده استانی و یا چکیده‌ای از مقالات، طرح درس‌ها یا سوالات منتخب آنان را در مجله چاپ و معرفی کنید و یا برای استفاده دیگران در سایت مجله رشد قرار دهید.

تاریخی بدون مطالعات میان رشته‌ای ناممکن است. در مجله رشد تاریخ، پیوند میان تاریخ و هنر، میان تاریخ و ادبیات، از موضوعات به صورت محدود.

- اگر بتوان بانک اطلاعاتی از دبیران تاریخ، یا حداقل دبیرانی که آثارشان به چاپ می‌رسد، فراهم کرد امکان ارتباط دبیران و نویسندگان با یکدیگر فراهم می‌شود. (حداقل از طریق پست الکترونیک)

معرفی بهتر آن مکان‌ها می‌شود و هم موجب تنوع بخشیدن به فضای مجله می‌گردد.

- اگر امکان دارد در هر شماره به معرفی یک شهر و بناها و آثار تاریخی آن بپردازید و این بخش را با عکس‌های ارسالی برای مجله، غنا ببخشید.

- لازم است مجله رشد، فضایی برای درج مشکلات معلمان تاریخ اختصاص دهد؛ مشکلاتی چون کم بودن ساعات درس تاریخ به‌ویژه در رشته‌های غیر علوم انسانی و یا استفاده از دبیران غیرمتخصص در تدریس تاریخ. در این صورت مشکلات معلمان تاریخ تنها در منطقه آنان نمی‌ماند بلکه می‌تواند باعث بهبود شرایط آموزش این درس شود.

- اگر امکان دارد خاطرات معلمان تاریخ، حکایات تاریخی یا تجربیات آموزشی آنان را در مجله چاپ کنید. می‌دانم که عمل کردن به نظرات علاقه‌مندان مجله رشد تاریخ به اندازه بیان آن ساده نیست. به‌خصوص با وجود مشکلاتی که خودتان بیشتر به آن واقف هستید. با این حال، از این‌که فرصتی در اختیار خوانندگان مجله ارزشمند رشد قرار دادید تا نظرات خود را عنوان کنند سپاسگزارم.